

پایان ریاست جمهوری رفسنجانی قطعی شد

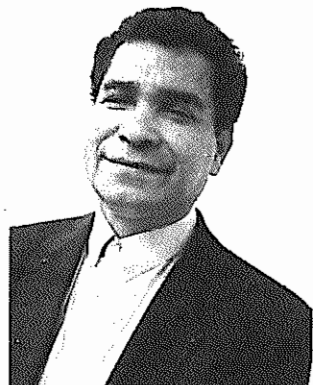
* رفسنجانی: بعد از پایان دوران ریاست جمهوری حاضر به عنوان استاندار خدمت کنم

* نزاع جناح‌ها بر سر روحانی یا مکل‌بودن رئیس جمهور آینده ادامه دارد

بحث بر سر ماندن و یا رفتن هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس جمهور هفته گذشته با ابراز مخالفت علنی وی با بازنگری قانون اساسی پایان یافت. رفسنجانی در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور در پاسخ به سؤال یکی از امام‌جمعه‌ها اعلام کرد که تغییر قانون اساسی را صلاح نمی‌داند و حاضر است بعد از پایان دوران ریاست جمهوری حتی به عنوان استاندار برای تعالی اسلام خدمت کند. رفسنجانی به ائمه جمعه گفت: «باید میدان را برای بروز چهره‌های قادر، صالح، مدیر و مدبر باز گذاشت. بالاخره روزی باید این جایجایی پیش آید و بهتر است با قانون اساسی هماهنگ باشد و مردم هم مطمئن باشند که شخصیت مناسبی از میان صدها شخصیت بارز کشور مسئولیت سنگین ریاست جمهوری را برعهده خواهد گرفت». رفسنجانی افزود: «مردم مطمئن باشند من تا زنده‌ام برای تعالی اسلام و انقلاب حرکت و تلاش خواهم کرد و در این ارتباط شکی نداشته باشند. اگر حتی قرار باشد برای حل

مشکلات مردم و انقلاب، استاندار یک استان نیز شوم، آن مسئولیت را می‌پذیرم». مخالفت رفسنجانی با تغییر قانون اساسی که پس از ماه‌ها کشمکش صورت گرفت، پایان یک دور از درگیری بین جناح‌های حکومتی است که از یک سال و نیم پیش آغاز شده بود. طرفداران رفسنجانی می‌خواستند با تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی، مانع قانونی ادامه ریاست جمهوری وی برای سومین بار را برطرف سازند. موضوع تغییر قانون اساسی را نخست عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی هاشمی رفسنجانی قبل از استخراجه دوره پنجم مجلس شورای مطرح ساخت. در آن زمان عکس‌العمل تند جناح رسالت، تیر مهاجرانی به سنگ خورد و تلاش برای آماده کردن زمینه تسدوم ریاست جمهوری رفسنجانی به علت درپیش بودن انتخابات مجلس پنجم به تعویق افتاد. بعد از پایان انتخابات مجلس شورا، بار دیگر فعالیت برای تغییر قانون اساسی

به کانون درگیری و کشمکش جناح‌ها تبدیل شد، جناح رسالت در مخالفت و طرفداران رفسنجانی در موافقت با تغییر قانون اساسی به زور آزمایی و جنگ لفظی پرداختند. دفاع جناح رسالت از عدم تغییر قانون اساسی نه برای حفظ ارزش و اعتبار قانون - که از همان آغاز رژیم لگد کوب کرده است - بلکه برای قبضه پست ریاست جمهوری و قوه مجریه بود. خصمانه‌ای در این کشمکش‌ها بی‌طرف نبود. او طی پنج‌ماه گذشته سه بار صریحاً از پایان دوران ریاست جمهوری رفسنجانی سخن گفت: بار اول در پیام خود به مناسبت آغاز کار مجلس پنجم، بار دوم در نیمه شهریورماه در دیدار با هاشمی رفسنجانی و وزیرای کابینه او و بار سوم در سفر اخیر خود به آذربایجان غربی. خامنه‌ای در ارومیه گفت که دوران ریاست جمهوری رفسنجانی پایان می‌یابد و «وی مسئولیت‌های بزرگ دیگری بوی عبیده می‌گیرد». در تفسیر سخنان خامنه‌ای «ایران نیوز» بقیه در صفحه ۳

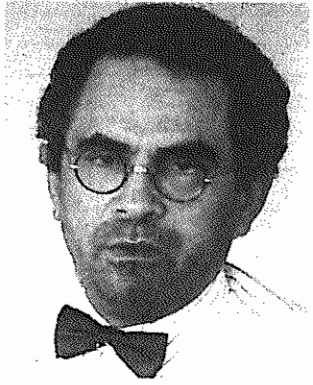


کارلوس فیلیپ بلو

جایزه صلح نوبل برای آزادی خواهان تیمور شرقی

ضربه ای به رژیم اندونزی، ستایشی از مبارزه‌ای ۲۰ ساله

مردم تیمور شرقی علیه نیروهای اندونزی هستند که از سال ۱۹۷۵ این جزیره را به اشغال خود درآورده‌اند. تلاش بلو و هورتا برای «خاتمه عادلانه و صلح‌آمیز نزاعی که از سال ۱۹۷۵ با اشغال تیمور شرقی، مستعمره سابق پرتغال، از سوی اندونزی در جریان است» دلیل اصلی کمیته نوبل در گزینش این دو به عنوان برندگان جایزه صلح بوده است. در بیانیه‌ای که کمیته صلح نوبل در ارتباط با گزینش خود انتشار داد سرکوب اهالی تیمور توسط نظامیان اندونزی و کشته شدن بیش از یک سوم جمعیت این جزیره در اثر گرسنگی، جنگ، ترور و بیماری‌های واگیردار به صراحت مورد اشاره قرار گرفته‌اند. رئیس کمیته نوبل پس از اعلام اسامی برندگان امسال اظهار امیدواری کرد که این گزینش به یافتن راه حل مسالمت‌آمیز برای نزاع تیمور کمک می‌کند. بر اساس گزارش سازمان‌های حقوق بشر تاکنون ۲۰۰۰۰۰ نفر از اهالی تیمور قربانی تهاجم و کشتار اشغالگران اندونزیایی شده‌اند. برای حل درگیری‌ها در این جزیره تاکنون پنج



خوزه راموس هورتا

اعتصاب غذای پناهجویان ایرانی

در ترکیه

در اعتراض به رفتار غیر مسئولانه کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، بار دیگر اعتصاب غذا زده‌اند. در این حرکت اعتراضی بیش از ۹۰ تن از ایرانیان پناهجو شرکت کرده‌اند. آنان از یک سال پیش در دفتر حزب سوسیال دموکرات در آنکارا محصور شده‌اند. اعتصاب غذای پناهجویان از سه هفته پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. مسئولان وزارت کشور ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل تاکنون واکنشی نشان نداده‌اند. بر اساس اطلاعات پناهندگان اعتصابی، تاکنون ۳ نفر از آنان بر اثر شدت ضعف دچار اغما شده و برای مداوا به بیمارستان انتقال یافته‌اند. پناهندگان از دولت ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل می‌خواهند به خواست‌های آنان فوری رسیدگی شود و تا زمان انتقال پناهندگان به یک کشور ثالث، امنیت آنان در ترکیه تضمین گردد و مسئولان امنیتی ترکیه از تحویل کسانی که

دوران اقامتشان سر رسیده است به جمهوری اسلامی خودداری کنند. دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به جای بررسی سریع پرونده پناهجویان، آنان را وادار می‌کند پرسشنامه‌های وزارت اطلاعات و امنیت ترکیه (میت) را که با همکاری جمهوری اسلامی تنظیم شده، پر کنند و تا زمان اعلام نظر دولت ترکیه به شهرهای مرزی این کشور با ایران بازگردانند. به پناهندگان سه ماه اجازه اقامت داده می‌شود و آنان همیشه در اضطراب پایان دوران اقامت و عدم تمدید آن هستند. خطر ترور توسط عواملان جمهوری اسلامی همیشه در کمین پناهندگان است. مأموران امنیتی رژیم در لباسها و چهره‌های مبدل در تعقیب پناهندگان سیاسی هستند و مترصد فرصت می‌باشند که آنان را بربایند و یا در خاک ترکیه به قتل برسانند. هم اکنون در ترکیه دادگاه متهمان به قتل دو نفر از ایرانیان که در سال گذشته صورت گرفت در جریان است.

تحولات افغانستان

و اوضاع منطقه

تحولات یک ماهه اخیر افغانستان، به یک باره کشور همسایه ما را که گویی چهار سال بود جامعه بین‌المللی آن را به فراموشی سپرده بود، مرکز توجه رسانه‌ها قرار داده است. از افغانستان به عنوان دروازه‌ای به منابع سرشار آسیای میانه سخن می‌رود. بار دیگر اصطلاح «بازی بزرگ» که در قرن نوزدهم، برای توصیف رقابت امپراتوری انگلیس و روسیه تزاری بر سر تسلط بر آسیای میانه به کار می‌رفت، بر سر زبان‌ها افتاده است. جهان، بار دیگر افغانستان را کشف کرده است. چهار سال سکوت درباره جنگی که طی این مدت، یک میلیون نفر از مردم افغانستان را قربانی سلاح‌های آمریکایی اهدایی به مجاهدین افغانی کرد، جای خود را به تفسیرهای مفصل از علل و زمینه‌های رویدادهای اخیر داده است. اما واقعیت آن است که قدرت‌های بزرگ و کوچک جهان و منطقه، در این مدت تنها به ظاهر افغانستان را به فراموشی سپرده بودند. اگر منافع غرب ایجاب می‌کرد که سرنوشت افغانی‌ها، توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب نکند، در عوض دیپلماسی پنهانی در طی سال‌های اخیر به شدت فعال بوده و زمینه‌های پدیدایی صحنه فعلی را در افغانستان فراهم کرده است. اکنون فاش شده است که مقامات آمریکایی در ماه‌های گذشته، سفرهای متعدد به پاکستان داشته‌اند و با طالبان و حامیان پاکستانی آنها تماس گرفته‌اند. واکنش‌کننده که در مورد سایر کشورهای اسلامی، هیچ فرصتی را برای برداشتن پرچم مبارزه با بنیادگرایی اسلامی از دست نمی‌دهد، با لحن مساعدی به روی کار آمدن بنیادگراترین نیروی جهان اسلام در افغانستان برخورد کرده و به مذاکره با حکومت جدید، تمایل نشان داده است. آمریکا، جنایات حکام قرون وسطایی افغانستان را در مجموع به سکوت برگزار کرد. این شواهد، تصویری نسبتاً کامل از آرایش قوا در صحنه «بازی بزرگ» در شرق کشور ما را به دست می‌دهد.

بدون شک، دورانی که در آن، معدودی قدرت جهانی، سرنوشت همه ملل را تعیین می‌کردند، سپری شده است. نسبت دادن همه عوامل تحولات در افغانستان به دخالت قدرت‌های خارجی، همان قدر نابخاست که امید یستن به بهبود اوضاع این کشور از طریق مداخله این قدرت‌ها. بر زمینه شرایط داخلی افغانستان است که در ۲۰ سال اخیر، قدرت‌های خارجی امکان مداخله در امور این کشور را یافته‌اند. عقب‌ماندگی جامعه افغانستان و ناتوانی رهبران سیاسی در شکستن چارچوب تنگ اختلافات قومی و عشیره‌ای است که قدرت گرفتن نیروی سیاهی مانند طالبان را امکان‌پذیر کرده است. در این واقعیت تردیدی نیست. اما این امر نیز دیگر انکارناپذیر است که طالبان نمی‌توانست بدون کمک خارجی به اینجا برسد که رسیده‌است.

در بررسی عوامل خارجی کمک‌کننده به پیشروی طالبان در افغانستان، قبل از هر چیز باید به بررسی نقش پاکستان پرداخت. این کشور که از هنگام استقلال شبه جزیره هندوستان تا کنون، علیرغم فراز و نشیب‌های بسیار در سیاست داخلی و روی کار آمدن دولت‌های مختلف، در سیاست خارجی مجموعاً استراتژی یکسانی را دنبال کرده است، تا هنگام فروپاشی شوروی، اهمیت ژئوپلیتیکی خود را در ایفای نقش در «کمربند ایمنی» جهان سرمایه‌داری به دور اردوگاه سوسیالیسم بقیه در صفحه ۲

قتل معاون

اسقف کلیسای ساری

بنا بر اطلاعیه سازمان جهانی کلیساهای ایران، محمد باقر یوسفی معروف به محمد روانبخش معاون کلیسای ساری و گرگان در قائم شهر محل مأموریت خود کشته شده است. محمد باقر یوسفی روز دوم مهرماه در حالی که عازم خانه‌اش بود روبرو شد و جستجوی اعضای خانواده و بستگانش برای یافتن وی یک هفته به طول انجامید. روز دوشنبه ۹ مهرماه پاسداران جسد محمد باقر یوسفی را به خانواده‌اش تحویل دادند و گفتند جسد او را چند روز پیش در حالی که به یک درخت آویخته بود، پیدا کردند.

مأموران امنیتی رژیم سه سال پیش نیز بعد از آن که کشیش مهدی دیباج را به قتل رساندند، تلاش کردند، دیگران را بلاگردان جنایت خود سازند و از مسئولیت قتل دیباج شانه خالی کنند.

علیه تجارت شکنجه پیا خیزید

راه‌پیمائی استقبال و مردم را به حمایت از آن دعوت کرده است. کمپانی Opex که مخفف نام (Operational Procurement Exhibition) می‌باشد، یک شرکت انگلیسی تولید کننده ابزار و آلات شکنجه است. مشتریان این کمپانی «معتبر» انگلیسی را رژیم‌های دیکتاتوری و سازمان‌های پلیس سیاسی تشکیل می‌دهند. کمپانی کوپکس نام فریبنده «نمایشگاه» را روی خود گذاشته است. اما درهای این به‌اصطلاح

به ابتکار یک گروه ایرانی حقوق بشر، قرار است روز ۴ نوامبر یک راه‌پیمائی ۱۶۰ کیلومتری از شهر ایس‌ویچ در شمال شرق لندن به طرف شهرک «اشر» در جنوب لندن آغاز گردد. آقای حسین باقرزاده از فعالین سرشناس حقوق بشر سازمان‌گر اصلی این راه‌پیمائی طولانی است. این راه‌پیمائی در مقابل کمپانی کوپکس (Opex) در شهرک «اشر» Esher به پایان می‌رسد. عفو بین‌الملل با انتشار یک اطلاعیه در سراسر دنیا از این

در این شماره

سمت وارد آوردن

ضربه اصلی

فرخ نگهدار

صفحه ۷

اشپیگل در مصاحبه با

لیستر تورو

ما سیستم را امتحان می‌کنیم

برگردان: ع - توید

صفحه ۷

فراتر از مرزهای تعجر

برگردان: غزال

صفحه ۹

قرارداد منع

آزمایش های

هسته‌ای زیر زمینی

رسمیت بخشیدن به

«آبار ناپدیدانی»

یا گامی به جلو

صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۲

ایستادگی زنان

«مرزها و حریم‌ها» را در هم می‌ریزد

مجلس شورای اسلامی سرانجام طرح تشکیل کمیسیون ویژه به منظور رسیدگی به مسئله زنان را که قبلاً چندین بار در مجلس رد شده بود، تصویب کرد.

نه تنها تصویب این طرح، بلکه بسیاری تحرکات، گفته‌ها و عکس‌العمل‌های جناح‌های مختلف رژیم بیانگر آن است، که آنها به حد بودن «مسئله زن» در ایران پی‌برده‌اند و بسیاری آشفته و بهت‌زده می‌گویند: این روزها به نظر می‌رسد عده‌ای در حال در هم ریختن مرزها و حریم‌های شرعی و عقلی بین زن و مرد هستند، عجیب است که همه این اتفاقات و اظهار نظرهای دو سه سال اخیر شدت گرفته‌اند.

آنها که محفظه‌های سیاه بی‌دریجه‌ای ساخته‌اند تا زنها را بزور در آن بگنجانند، برخی‌شان از خشم کف برآورده می‌گویند: پاسدار بیشتر بگمارید تا مانع ایجاد روزن‌ها شوند و برخی دیگر که کمی مسئولیت اجتماعی بیشتر و کمی ورزش بیشتر می‌طلبند می‌گویند بیاید در این محفظه بسته آرام بگیرید، ما چند دریچه برایتان تعبیه می‌کنیم.

آنها که از ابتدا برای تمامی رفتار و منش خصوصی و اجتماعی زنان، قانون نوشته و نانوشته تدوین کردند، فریاد زدند، تهدید کردند و برای نظارت بر اجرای قوانین خود پاسدار گماشتند، هر چند وقت یکبار در خیابانها و در همه جا «عاملین به انحراف کشیدن اخلاقی اجتماعی» را مجازات کردند با وجود همه اینها می‌بینند که این محفظه شکاف‌هایی از طول و عرض برداشته است. این شکاف‌ها به خاطر آن ایستادگی زنان و جامعه در مقابل رفتار و الگوی دیکته شده آنان است. به خاطر تلاش‌های آن دختر جوانی است که تار مویش را دور از چشم پاسداران عفت بیرون می‌اندازد تا کمی آزادی انتخاب پوشش را تجربه کند، نتیجه مقاومت آن زن شاعلی است که از حق استقلال خود دفاع می‌کند، به خاطر تلاش‌های آنان است در پیچ‌راه‌های سلطه قوانین دینی، واهی به پارکی تارمویی به فضای گسترده باز می‌کنند و فریاد می‌زنند ببینید سهم ما بیش از آن است که شما طبق دین خودتان به ما می‌دهید. یا به خاطر تلاش‌های زنانی است که همه شور و استعداد خود را در هنر و علم و دانش سرریز کردند و وقتی فقها زنان را شایسته «قیم داشتن» دانستند، آنها به سکوی بالاتر رفتند و از کرسی علم و هنر خطایشان دادند اینک خود را با من محک زیند. و یا به خاطر تلاش آنان است که همه سیاهی‌های برپادارندگان حکومت دین را آشکار کردند و در جهان نام حکومتگران رژیم را مترادف با سرکوب‌کنندگان زن نمایانند.

برپادارندگان دولت دین خود دانند که چگونه گریبان خود را از این شکاف‌های گسترش یابنده در محفظه رها کنند ولی زنان نیز خود می‌دانند که چاره تنها در گسستن زنجیرهایی است که بر دست و پای آنها بسته شده است، تنها در رهایی از سلطه قوانین فقهی و اعمال حاکمیت قوانین عقل بشری و برقراری تساوی بین زن و مرد است. قوانینی که ابزاری برای پر کردن فاصله زن و مرد در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. ابزاری که به کمک آن می‌توان با سنت دیرین مردسالاری در جامعه مبارزه کرد. آن سنتی که سایه سنگین خود را بر رفتار و گفتار و قضاوتها انداخته است.

جایزه صلح نوبل

برای آزادی خواهان تیمور شرقی

بقیه از صفحه اول

نیروهای اندونزی در سال ۱۹۹۱ نقش برجسته‌ای ایفا کرده و فعالانه در جهت یافتن راه حل سیاسی برای نزاع مزبور تلاش ورزیده است. بلو در حالی که اشغالگران اندونزیایی پیوسته به پراکندن جوی از ترس و وحشت در تیمور کوشیده‌اند، بی‌محابا به انشای آنها پرداخته و سرکوب و نقض فاحش حقوق بشر را به یاد انتقاد گرفته است. گفتنی است که جمعیت ۶۰۰ هزار نفری تیمور شرقی برخلاف مردم اندونزی که اکثریت آنها مسلمانند پیرو مذهب کاتولیک می‌باشند.

راموس هورتا برنده دیگر صلح نوبل سخنگوی شورای مقاومت تیمور به شمار می‌رود و در تنظیم یک برنامه صلح سه مرحله‌ای برای ختم درگیری‌ها

علیه تجارت شکنجه

پیا خیزید

بقیه از صفحه اول

اکون آقای دکتر حسین باقرزاده، ۵۴ ساله، ساکن اسپوچ، که خود سال‌ها را در زندان انفرادی در ایران مجوس بوده و هنوز داغ شکنجه بر تن دارد سازمان‌گر این راهپیمائی ۱۶۰ کیلومتری شده‌است. راهپیمایان قرار است غروب روز ۵ نوامبر به شهر اشر

تحولات افغانستان و اوضاع منطقه

بقیه از صفحه اول

جستجو می‌کرد. در حالی که هند، در مقابل غرب سیاست خارجی مستقلی را پیش می‌برد و در این موضع، از حمایت شوروی برخوردار بود. پاکستان به یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا در منطقه تبدیل شد. آمریکا برای حفظ این متحد خود، از نظامیان پاکستانی به عنوان پاسداران "ثبات" در این کشور حمایت می‌کند. هنگامی که واشنگتن در پی ورود نیروهای شوروی به افغانستان، تصمیم گرفت به تعبیر برزیلینسکی، مشاور امنیتی وقت رئیس جمهور ایالات متحده، در افغانستان "بینی شوروی‌ها را خون بپندارد"، پاکستان عهده‌دار نقش خط مقدم جبهه شد. انبوه سلاح‌های آمریکایی که دربار سعودی، بخشی قابل توجه از هزینه آن را متقبل شد، از طریق پاکستان به مجاهدین افغانی می‌رسید. تا هنگامی که حکومت حزب دمکراتیک خلق (و بعدها حزب وطن) در کابل روی کار بود، درجات متفاوت حمایت پاکستان از گروه‌های مختلف مجاهدین، تنها برای کسانی که از نزدیک با آرایش قوا در ائتلاف هفت گروه ضد شوروی افغانی آشنا بودند، آشکار بود. بعد از خروج شوروی از افغانستان و به ویژه پس از آغاز جنگ بین مجاهدین به دنبال کناره‌گیری نجیب‌الله، واقعی برای همه علنی شد که از سال‌ها قبل وجود داشت. و آن این است که پاکستان در کشور چند قومی افغانستان، از اکثریت پشتون حمایت می‌کند و مسایل است به جای تاجیک‌های فارسی‌زبان که به طور سنتی، در اداره امور افغانستان به علل مختلف تاریخی و از جمله سطح بالاتر فرهنگ، نقشی بیش از سهم عددی خود در جمعیت این کشور داشته‌اند، پشتون‌ها حکومت کنند. با روی کار بودن پشتون‌ها، که در دو سوی مرز پاکستان و افغانستان زندگی می‌کنند، پاکستان امکان بیشتری برای اعمال نفوذ در افغانستان می‌بیند.

حزب حدود سه سال پیش، پاکستان روی حزب اسلامی گلبدین حکمت‌یار بیش از همه گروه‌های دیگر افغانی حساب باز کرده بود و امیدوار بود حکمت‌یار بتواند با اتکا به تجهیزات فراوانی که در طول نزدیک به ۱۵ سال از طریق ارتش و سازمان امنیت پاکستان دریافت داشته بود، برتری در افغانستان را از آن خود کند. اما پس از خروج شوروی و در اواخر دوره حکومت حزب وطن در کابل، اوضاع کاملاً طبق پیش‌بینی و نقشه پاکستانی‌ها پیش نرفت. نقش تعیین‌کننده را در واداشتن نجیب‌الله به کناره‌گیری، جبهه عوض کردن قوای ازبک ژنرال دوستم ایفا کرد. رویگردانی این نیرو که تا آن زمان به ویژه در شمال افغانستان، خط مدافع حکومت کابل را تشکیل می‌داد، راه را برای تسلط مجاهدین تاجیک به فرماندهی احمدشاه مسعود بر کابل هموار کرد. حکمت‌یار علیرغم برخورداری ظاهری از سمت نخست‌وزیری، نتوانست در کابل به قدرت برسد. صدها هزاران خمپاره و موشکی که نیروهای حزب اسلامی نیز از آن پس بر کابل و سایر مناطق زیر نفوذ دولت ربانی رهبر جمعیت اسلامی و احمدشاه مسعود فرو ریختند، کاری از پیش نبرد و تنها حزب اسلامی حکمت‌یار را نزد مردم افغانستان به عنوان نیرویی جنگ طلب منزوی کرد. در این هنگام بود که در پاکستان، شکست سیاست حمایت یکه‌چانه از حکمت‌یار آشکار شد. این تحولات، هم‌زمان با روی کار آمدن دوباره حزب مردم خانم بوتو در پاکستان بود. به جای مستبکران و پیش‌برندگان مشسی پشتیبانی از حکمت‌یار، کسانی با نقشه‌ها و ایده‌های جدید در وزارت کشور و سازمان امنیت پاکستان فعال شدند و برای پیشبرد اهداف کهنه استراتژیک، تاکتیک جدیدی برگزیدند. ژنرال نصرالله بابر

وزیر کشور پاکستان و از نزدیکان خانم بوتو، عامل اصلی اجرای این نقشه شد. در مدارس دینی کوئته پاکستان، نسل جدیدی از نوجوانان روستایی افغانی تربیت شدند که در آنجا علاوه بر آیات قرآن، طرز استفاده از سلاح‌های سبک و سنگین را نیز آموختند. این مدارس، تحت نفوذ یک جمعیت اسلامی پاکستانی است که در دولت ائتلافی خانم بوتو شرکت دارد.

در آبان ۱۳۷۳، "عملیات طالبان" آغاز شد. ژنرال بابر دستور داد یک کاروان کامیون‌های حامل اجناس، از طریق قندهار وارد افغانستان شود. کاملاً آشکار بود که در شرایط نامتی آن زمان قندهار، این نقشه چیزی جز آغاز یک سلسله حساب شده و زنجیروار رخدادها نبود. همان گونه که پاکستانی‌ها انتظار داشتند، فرمانده محلی حزب اسلامی در قندهار، کاروان مزبور را به نفع خود مصادره کرد. و در اینجا بود که نیروهای طالبان وارد صحنه شدند. آنها که نیروی خود را از قبل در این منطقه متمرکز کرده بودند، کاروان ریزه شده را از دست نیروهای حزب اسلامی خارج ساختند، با استفاده از تاکتیک غافلگیرانه، قندهار را نیز به تصرف خود درآوردند و به عنوان اولین اقدام، فرماندهی را که دستور حمله به کاروان را داده بود از لوله یکی از تانک‌های خود به دار آویختند. آغار عملیات طالبان از منطقه حزب اسلامی، قبل از هر چیز سه هدف را دنبال می‌کرد: نخست آن که با حمله به مواضع حکمت‌یار، متحد تا آن زمان پاکستان، در وابستگی طالبان به پاکستان تردیدهایی ایجاد می‌شد. دوم آنکه با زیر ضرب بردن مسئولین اصلی جنگ داخلی و نامتی در افغانستان، طالبان به عنوان نیرویی که می‌خواهد صلح و امنیت را برقرار کند، معرفی می‌شدند. و بالاخره آغاز پیشروی در منطقه پشتون‌ها و حزب اسلامی تندروی حکمت‌یار، هم به لحاظ جغرافیایی آسان‌تر بود و هم امکان گرفتن نیروی بدنه حزب اسلامی را ایجاد می‌کرد.

اکنون که "عملیات طالبان" نیروهای امنیتی پاکستان تا این حد موفق از کار درآمده است، پاکستان امیدوار است بتواند به عنوان تنها راه مبادله غرب با کشورهای آسیای میانه، موقعیت استراتژیک خود را در منطقه تحکیم بخشد. از نخستین نشانه‌های امیدبخش برای پاکستانی‌ها، ابراز تمایل شرکت‌های نفتی آمریکایی به احداث خط لوله گاز از ترکمنستان تا اقیانوس هند از طریق افغانستان است. بیهوده نبود که طالبان در سال گذشته، بر خلاف ادعای خود که می‌خواهند صلح را برقرار کنند، جنگ را به هرات کشاندند که تا آن زمان از خونریزی در امان مانده بود. هرات که در شمال غربی افغانستان و در نزدیکی مرز ترکمنستان قرار دارد، بیش از یک سال است که در تصرف طالبان است. اکنون که در برابر یک مسیر فرضی از پاکستان تا ترکمنستان از نظر پاکستانی‌ها مانعی نیست.

همانگونه که طالبان نمی‌توانست بدون حمایت پاکستان، بخش اعظم خاک افغانستان را به تصرف خود درآورد، غیرقابل تصور است که پاکستان به نوبه خود می‌توانست بدون حمایت فعال یا ضمنی خارجی، عملیاتی بدین دامنه‌داری را اجرا کند. پاکستان، کوچک‌تر و ضعیف‌تر از آن است که بتواند علیرغم میل همه قدرت‌های دیگر منطقه‌ای و جهانی، در یک کشور دیگر حکومت مورد نظر خود را روی کار آورد.

اگر تا چندی پیش در مورد پشتوانه‌های خارجی پاکستان در حمایت از طالبان، ابهاماتی وجود داشت، با موضعگیری‌های اخیر وزارت خارجه آمریکا در ابراز امیدواری به برقراری "ثبات" در افغانستان زیر پرچم طالبان، و نیز فاش شدن خبر

تماس‌های مقامات آمریکایی با طالبان قبل و پس از تحولات اخیر، این امر مسجل شده است که اگر هم آمریکا در "عملیات طالبان" مستقیماً شرکت نداشته باشد حداقل به پاکستان در اجرای این نقشه چراغ سبز نشان داده است. نگاهی به سوابق سیاست آمریکا در منطقه طی سال‌های اخیر، اتخاذ چنین سیاستی از سوی ایالات متحده را توضیح می‌دهد.

با فروپاشی اتحاد شوروی، آمریکا به مهم‌ترین هدف استراتژیک خود پس از جنگ جهانی دوم دست یافت. از آن هنگام تا کنون، یکی از مهم‌ترین اهداف استراتژیک واشنگتن، حفظ این پیروزی و جلوگیری از سرپر آوردن مجدد روسیه (و شاید مجدد در قالب یک اتحاد با جمهوری‌های پیشین شوروی) به عنوان یک قدرت کاشیخ برابر جهانی است. در شرق اروپا، آمریکا می‌کوشد با گسترش ناتو، روسیه را منزوی کند. در آسیا، مهم‌ترین بخش این استراتژی، بیرون کشیدن جمهوری‌های آسیای میانه از حیطه نفوذ مسکو است. اگر آمریکا بتواند ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان را نیز مانند آذربایجان به سوی خود جلب کند، هم روسیه را از منطقه حائل بین خود و کشورهای اسلامی در جنوب تهران برای جلوگیری از به قدرت رسیدن طالبان و ایجاد اتحادی بین نیروهای رقیب آنها در افغانستان، نتوانست آثار مخرب روندی را که خود جمهوری اسلامی در پدید آمدن آن نقش اساسی داشت، خنثی کند.

در بر شماردن عوامل خارجی به قدرت رسیدن طالبان، نباید نقش عربستان سعودی را از یاد برد. جمهوری اسلامی و حکومت سعودی در همان سال‌های نخست روی کار آمدن آخوندها در ایران، درگیر رقابتی سخت برای کسب نفوذ در کشورهای و نیروهای اسلامی شده‌اند و می‌کوشند در حمایت از بنیادگرایی، گسلی سبقت را از یکدیگر بگیرد برآیند. در کشورهای عربی، بسیج‌کننده‌ترین شعار بنیادگرایی اسلامی، مبارزه با صهیونیسم است که حداقل از هنگام آغاز روند صلح خاورمیانه با حمایت آمریکا، امکانات سعودی‌ها برای بهره‌برداری از آن کاسته شده است. در این عرصه، سعودی‌ها ناچارند میدان افراطی‌گری را به جمهوری اسلامی واگذار کنند. اما اندکی که از کانون بحران اعراب و اسرائیل دور شویم، نقش مبارزه با صهیونیسم در بسیج بنیادگرایان، کم‌رنگ‌تر می‌شود. افغانستان، به علت حضور نظامی شوروی، همواره برای ترویج بنیادگرایی از نوع سنی و وهابی آن، که مورد حمایت ریاض است، بستر مناسبی بوده است. این امر در مورد کشورهای آسیای میانه نیز صادق است. به استثنای تاجیکستان که نیروهای مذهبی آن به علت زبان مشترک، عمدتاً از جمهوری اسلامی تغذیه می‌شوند، در سایر کشورهای آسیای میانه، عربستان است که نقش اصلی را در ترویج تعصب و قشری‌گری مذهبی بر عهده دارد. به عنوان نمونه، مدارس دینی در سمرقند ازبکستان، مورد حمایت مالی عربستان‌اند.

در این شرایط حساس، نیروهای دمکرات و آزادیخواه ایرانی باید ضمن مبارزه با رژیم اسلامی و سیاست‌های مغرب آن در منطقه، تلاش‌های دولت آمریکا و متحدان آن در منطقه را نیز به علیه منافع ملی مردم ما و علیه صلح و امنیت در منطقه است، محکوم کنند. تجربه حمایت ضمنی آمریکا از طالبان در افغانستان، نشان داده است که ادعاهای دولت آمریکا مبنی بر مخالفت با بنیادگرایی اسلامی، قابل اعتماد نیست و هر جا منافع برتری طالبان و واشنگتن ایجاد کند، آمریکایی‌ها از هم‌دستی با ارتجاعی‌ترین نیروهای اسلامی نیز ابایی ندارند.

گردهمایی نیروهای چپ آمریکای لاتین

در ماه ژوئیه امسال، نمایندگان نیروهای چپ آمریکای لاتین طی یک گردهمایی در سان سالوادور پایتخت السالوادور، به بررسی اوضاع این قاره در شرایط جدید جهانی و تبادل نظر درباره مشی نیروهای چپ پرداختند. با اینکه از این نشست نزدیک به سه ماه می‌گذرد، نظر به اهمیت نظرات و مواضع اعلام‌شده در آن، توجه خوانندگان کار را به خلاصه گزارشی از این اجلاس که اخیراً به دست ما رسیده است جلب می‌کنیم.

نکته مهم در اجلاس سان سالوادور این بود که نمایندگان جریان‌های مختلف چپ در آن شرکت داشتند، از کمونیست‌ها گرفته تا رادیکال‌ها و سوسیالیست‌ها، از ساندینیست‌ها گرفته تا اعضای سابق جنبش چریکی توپامارو. وجه مشترک همه این گروه‌ها، جستجوی مشی جدید در دنیایی است که سرمایه‌داری به طور پلانیماز بر آن حاکم شده است. نمایندگان ۱۱۲ حزب و گروه سیاسی از بیش از ۲۰ کشور در نشست سه‌روزه سالوادور که به دعوت جنبه رهبری بخش ملی فابابونندو مارتی سالوادور برگزار شد شرکت کردند. در حالی که همه شرکت‌کنندگان، متفق‌القول بودند که در سال‌های اخیر، چپ متحمل شکست‌ها و دشواری‌های غیرمنتظره‌ای شده است، در اینکه برای مقابله با این دشواری‌ها چه راهی را باید در پیش گرفت، اختلاف نظر وجود داشت.

دهه ۹۰ با شکست ساندینیست‌ها در انتخابات ریاست جمهوری نیکاراگوئه آغاز شد. از آن زمان تا کنون، رهبری کوبا بر خلاف میل خود ناگزیر به پذیرش برخی مکانیزم‌های اقتصادی سرمایه‌داری شده، جنبش چریکی سالوادور سلاح‌ها را از کف نهاده، و برخی از احزاب چپ مانند

حزب فرناندو انریکه کاردوسو رئیس جمهور برزیل و خوان بوش رهبر جمهوری دومینیک، تنها از طریق نزدیک شدن مواضعشان به نیروهای میانی بوده است که توانسته‌اند به موفقیت‌های انتخاباتی دست یابند. کارزار ایدئولوژیک نیروهای محافظه‌کار و لیبرال آمریکای لاتین علیه چپ، تشدید شده است. اخیراً در اسپانیا کتابی ۳۰۰ صفحه‌ای به قلم یک ناراضی کوبایی و آلوارو وارگاس یوسا پسر ماریو وارگاس یوسا نویسنده مشهور پرونی منتشر شده است. این کتاب که مقدمه آن را ماریو وارگاس یوسا نوشته است، در آمریکای لاتین مورد استقبال کرده است. وارگاس یوسا در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «چپ آمریکای لاتین، به جای تجدید نظر در دکترین‌های خود، به دنبال بهانه‌ها و عوامل خارجی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سیا و شرکت‌های چندملیتی می‌گردند. این امر به چپ امکان می‌دهد که همواره در موضع آسان قربانی قرار گیرد و با وجدان راحت، خطای خود را بپوشاند. از جمله اختلافات در اجلاس سالوادور، بحث درباره پیام به چین، ویتنام، لائوس، کره شمالی و کوبا بود. در این پیام، از تلاش‌های این پنج کشور در «پروژه‌های خود برای پیشبرد آلترازیو سوسیالیستی» حمایت به عمل آمده است.

شرکت‌کنندگان در اجلاس ژوئیه، در این نکته اشرک نظر داشتند که دوره سی ساله‌ای که در آن، چپ آمریکای لاتین، مبارزه مسلحانه را راه اصلی تحقق انقلاب می‌دانست، سپری شده است. حتی نمایندگان تنها جریان کماکان چریکی شرکت‌کننده در نشست سالوادور، یعنی اتحاد انقلابی ملی گواتمالا نیز به نفع روی آوردن به

یک سال از ربودن علی توسلی گذشت

غروب روز ۲۷ سپتامبر ۹۵ در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان، در خیابان دیمیروف شماره ۹۸، مأموران مخفی وزارت اطلاعات ورود علی توسلی را انتظار می‌کشیدند. آن‌ها با نیرنگ یک پوشش تجاری که با همکاری یک مدیر شرکت بازرگانی طراحی شده بود، او را از لندن به آن خانه سالوادور در چند گروه کار به موضوعاتی از قبیل محیط زیست، فمینیسم و مهاجرت پرداخت. در حمایت از انقلاب کوبا، شرکت‌کنندگان اجلاس ژوئیه مواضع مشابهی داشتند. نمایندگان حزب کمونیست کوبا در این اجلاس با استقبال گرم حاضران روبرو شدند. در حاشیه اجلاس، یک گروه پاله برنامه‌ای با عنوان «رقص برای کوبا» اجرا کرد. با این حال، مارکو آتورلیو گارسیا برگزارکننده اصلی اجلاس اظهار داشت کوبا دیگر یک الگوی بلا تغییر برای چپ آمریکای لاتین نیست. برخی نمایندگان جریان‌های سابق چریکی، معتقدند که ادامه اغماض چپ‌پر خطاهای کوبا، به اعتبار چپ لطمه می‌زند. به عنوان نمونه، آنا گودالوپ مارتینز یکی از رهبران سابق چریک‌های سالوادور که اکنون از رهبران حزب دمکرات این کشور است، می‌گوید حمایت بی‌چون و چرا از کوبا به سود چپ نیست و به راست بهانه می‌دهد تا چپ را مورد حمله قرار دهد. لازم به تذکر است که حزب دمکرات سالوادور در اجلاس ژوئیه شرکت نداشت. خانم مارتینز که اکنون معاون رئیس پارلمان سالوادور است، درباره احزاب شرکت‌کننده در اجلاس سالوادور گفت: «آنها کماکان درگیر حملات به سیستم و تأکید بر نیت پاک ایده‌های چپ‌اند. آنها هنوز در نیاتشان که اگر بخوانند با راست رقابت کنند، باید نه تنها استراتژی، بلکه ایده‌های خود را تغییر دهند».

این امر مستلزم بازگشت به مشی سازماندهی توده‌ای است که چپ آمریکای لاتین در آن، سابقه درخشانی دارد. بسیاری از سخنرانان، به عنوان پیش‌شرط پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، بر اهمیت پیروزی در انتخابات شهرداران، فرمانداران و اعضای شوراهای نمایندگی در همه سطوح تأکید کردند. از انجمن‌های شهر گرفته تا پارلمان.

این‌سیاسیو دا سیلوا رهبر اتحادیه‌های کارگری برزیل و کاندیدای سابق ریاست جمهوری از سوی حزب کارگران کشور، در مصاحبه‌ای گفت: «ما باید جامعه را قانع کنیم که توانایی اداره آن را داریم. مردم هنوز فکر می‌کنند ما فقط قادریم راه‌پیمایی کنیم و دست به

سازمان ملل در سفر به ایران از مقامات جمهوری اسلامی آزادی او را طلب کرده است. او در گزارشی که در ماه آوریل ۱۹۹۶ میلادی انتشار یافت، جزئیات آن آدم‌ربائی مأموران وزارت اطلاعات را در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار داده است. عفو بین‌الملل در نامه‌ای برای اقدام عاجل و نیز در کتاب گزارش سالانه خود که در ماه ژوئن گذشته انتشار یافت، جزئیات مربوط به ربودن علی توسلی را انتشار داده است. این گزارش در تمام محافل مدافع حقوق بشر در سراسر جهان منبع عمده ارزیابی از وضع حقوق بشر در هر کشور است.

به ابتکار گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان، که لرد آوبری صدر آنست، در ژوئن ۹۶ کتابی تحت عنوان «ایران: دولت ترور» انتشار یافته است که در آن هر یک از توطئه‌های قتل و آدم‌ربائی که توسط عوامل وزارت اطلاعات در خارج از مرزهای کشور و نیز در ایران طی سال‌های اخیر تدارک شکنجه کشیده‌اند.

طی این یک سال شورای مرکزی سازمان و بسیاری از کمیته‌های سازمان در کشورهای مختلف به انگیزه انسانی با مراجعه به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، با مراجعه به سازمان عفو بین‌الملل، و نیز با رجوع به احزاب و شخصیت‌ها، به ویژه نمایندگان پارلمان در کشورهای مختلف کوشیده‌اند تا از جامعه بین‌المللی برای نجات جان علی توسلی استمداد بجویند. حاصل این تلاش دست کم این بوده است که سازمان ملل، عفو بین‌الملل و بسیاری احزاب و شخصیت‌ها این عمل ضدانسانی را محکوم کنند. آن را در سطح جهان انعکاس دهند. و آزادی او را بخواهند. موریس کاپیتون، نماینده ویژه

پایان ریاست جمهوری رفسنجانی قطعی شد

بقیه از صفحه اول

خطاب به گروه «کارگزاران سازندگی» نوشت: «دیگر نباید برای راه‌های قانونی اصرار کنیم تا آقای رفسنجانی بتواند برای سومین بار به ریاست جمهوری برسد.»

ادامه آشکار و پنهان درگیری میان موافقان و مخالفان بازنگری قانون اساسی به آنجا کشید که عسکراولادی دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی اصرار بر بازنگری قانون اساسی را «توهین» به «رجال» رژیم خواند و پادامچیان از اعضای شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه، برخورد طرفداران رفسنجانی را «دهن‌کجی» به ولی فقیه توصیف کرد. پادامچیان در گفتگو با روزنامه کار و کارگر گفت: «مسئله ریاست جمهوری را نگاه کنید که یک عده دوستان تغییر قانون اساسی را مطرح کردند که باید توجه می‌داشتند که تغییر قانون اساسی راه داشت و اینکه اول خدمت ولی فقیه می‌رسیدند و سپس آن را مطرح می‌کردند. اینها می‌گفتند که بیایم مردم را بسنجیم تا ولی فقیه در موضع اجبار قرار گیرند... لذا ما در جامعه‌مان دو گروه داریم، گروهی که در رفتار و مواضع آنهاک ولایت دارد و گروهی که به ولایت معتقد است ولی کار خود را می‌کند.»

نام‌های کارگزاران به جامعه روحانیت مبارز

به دنبال منتفی شدن موضوع بازنگری قانون اساسی، اعضای موسس گروه کارگزاران نامه‌های جداگانه‌ای به جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نوشتند و خواستار مذاکره و گفتگو و تشکیل جلسات مستقل پیرامون انتخابات ریاست جمهوری و رسیدن به توافق احتمالی در مورد یک کاندیدای

تلخ، نه هم چون همه تلفی‌ها

نیما پرورش

هر وعده ۲۰ ضربه، پس از آن ما را به فرعی بند ۸ بردند. همان روز عصر، برای نماز مغرب و عشاء دوباره به سرانجام آمدند؛ ۴۰ ضربه شلاق برای دو وعده.

پاهامان سنگین و ورم کرده و ملتهب بود. آن شب مجدداً به سرانجام جان‌مان افتادند. و صبح روز بعد حدود ساعت سه و نیم تا چهار صبح دوباره همین ماجرا تکرار شد. تا ظهر روز بعد نه تنها در وعده‌های نماز، که در ساعات بین نماز نیز با شلاق به پا و تمامی بدن‌مان می‌زدند. دیگر درد تنها درد شلاق نبود، درد تلخ شکست بود. درد چیرگی موجودات حقیری که از شکنجه زندانیان زندان می‌بردند، درداز دست دادن انسان‌هایی که دیگر در بین ما نبودند.

پس از تحمل ضربات شلاق وعدهٔ نهار، پذیرفتیم که نماز بخوانیم؛ و ما را به بند ۸ بردند. تمام آن‌ها را که زنده مانده بودند، به بند ۸ می‌آوردند. یکدیگر را در آغوش گرفته بودیم و برای آن‌ها که دیگر در بین ما نبودند، اشک می‌ریختم.

دادگاه‌ها در فاصلهٔ ۱۲ تا ۱۵ شهریور برپیده شد. اما مرگ هم‌چنان هر روز به بندها سر می‌کشید. هر روز پاسدارانی به همراه ناصریان یا لشکری به بند می‌آمدند. همه را در بند در راهرو می‌نشاندند و عده‌ای را با خود می‌بردند. نمی‌دانستیم آن‌ها را به کجا می‌برند. آبان ماه که بازگشتند، معلوم شد در انفرادی بوده‌اند. تا اواسط مهر ماه وضع بر همین منوال بود. پس از آن، آرام آرام احساس کردیم که ممکن است زنده بمانیم. از اواخر شهریور تا اوایل آذر، به تدریج خبر اعدام زندانیان را به خانواده‌ها می‌دادند.

آبان ۷۳

زندان در آنجا قرار داشت. بردند و پشت در اتاقی، که دادگاه خواننده می‌شد، ایستادند. ما را تک‌تک به داخل اتاقی می‌بردند و پس از خروج باز هم در سمت راست و چپ راهرو می‌نشاندند. نوبت من رسید. به محض ورود چشم‌بندم را برداشتم. آیت‌الله اشراقی با لباس آخوندی و با هیکل درشت خود پشت میزی بود. ناصریان عصبی و مشتنج روی یک صندلی نشسته بود و چند پاسدار مشغول جمع‌آوری پرونده‌ها بودند.

اشراقی شروع به سؤال کرد. بعد از پرسیدن نام و مشخصات پرسید: «آیا مسلمان هستی؟» گفتم: «در صورتی که اعدام کنید مسلمانم». پرسید: «آیا تا به حال نماز خوانده‌ای؟» گفتم: «بلی، هنگامی که خیلی بچه بودم». مجدداً پرسید: «تابه حال به مسجد رفته‌ای؟» گفتم: «بلی، آن هم در همان زمان». دوباره پرسید: «آیا در زندان نماز می‌خوانی؟» پاسخ دادم: «خیر تا به حال نخوانده‌ام». سپس ناصریان با خشم بسیار وارد صحبت شد که: «بالاخره مسلمان هستی یا نه؟» و من پاسخ دادم: «قبل که گفتم، اگر اعدام می‌کنید من مسلمانم». با ضربه و شتم ناصریان، مرا از اتاق بیرون راندند و در سمت راست راهرو نشاندند. در همین لحظات، پاسداری، بچه‌هایی را که در قسمت چپ راهرو نشسته بودند، بلند می‌کرد و با خود به انتهای راهرو، به طرف در آمفی‌تئاتر می‌برد!

پس از مدتی، پاسداری آمد و ما را به طرف بند ۸ برد. داود لشکری و چند پاسدار دیگر در قسمت ورودی بند ایستادند و گفتند کسانی که نماز نمی‌خوانند از صف بیرون بیایند. من و چند نفر دیگر از صف خارج شدیم. تک‌تک ما را روی تختی در همان راهروی بند خواباندند و شلاق زدند؛ ۴۰ ضربه برای نمازهای ظهر و عصر.



ضرورت روحانی بودن رئیس جمهور آینده سخن می‌گویند. اگر میر حسین موسوی در انتخابات آینده شرکت کند، می‌تواند شانس ناطق نوری را برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری به خطر بیندازد.

روزنامه رسالت از قول عسکر اولادی دبیر جمعیت مؤتلفه اسلامی نوشت: «این جمعیت به این نتیجه رسیده است که یک روحانی باید در رأس قوه مجریه باشد تا فرهنگ و مبانی اسلامی به تدریج جا بیفتند.» واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی می‌خواهد بعد از نیم‌قرن مدیریت سه قوه حکومتی را به مکتبها سپارد. طبسی می‌گوید: «اگر قرار باشد قانون اساسی از تحریف مصون بماند، باید تا ۵۰ سال دیگر روحانیون مدیریت سه قوه را در دست داشته باشند.»

اصرار سرکردگان جناح رسالت بر روحانیت بودن کاندیدای ریاست جمهوری نشانه واهمه آنان از رای مردم است. آنها می‌دانند که اگر مردم مجبور به انتخاب شوند فرد مکتب‌دار بر روحانی حکومتی ترجیح خواهند داد.

تشکیل کمیسیون زنان در مجلس شورای اسلامی

در جلسه علنی ۱۱ مهرماه مجلس شورای اسلامی کلیات طرح تشکیل کمیسیون ویژه جهت رسیدگی به مسائل زنان و خانواده با ۱۳۶ رأی موافق، ۴۶ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع به تصویب رسید. در صورت تصویب جزئیات این طرح در شور دوم، کمیسیون بانوان در مجلس تشکیل خواهد شد که تعداد اعضای آن سیزده نفر پیش‌بینی شده است. طرح مزبور قبل از این سه بار در دور چهارم مجلس مطرح شد و هر دفعه از سوی نمایندگان رد شد. فیاض‌بخش نماینده مجلس گفت که کمیسیون مزبور با توجه به نیاز احساس شده در مورد لزوم وجود یک

نحوه انجام سرشماری اعلام شد

سرشماری عمومی نفوس و مسکن از اول تا ۲۵ آبان ماه امسال در سراسر کشور اجرا می‌شود. به گفته یکی از مسئولان برگزاری سرشماری از هم‌اکنون به این منظور راه‌نماها و دستورالعمل‌های مربوط در ۲۰ عنوان و ۱۱۰ هزار نسخه و فرم‌های سرشماری در ۹۰ عنوان به تعداد حدود ۹۰ میلیون برگ‌انتشار یافته است. بنا به اظهارات یکی از مشاوران مرکز آمار ایران، با اجرای این سرشماری، کشور دارای یک پایگاه اطلاعاتی کامل می‌شود و نتایج آن که در تمام برنامه‌ریزی‌ها مؤثر خواهد بود، از طریق ۷۵ پایگاه اطلاعاتی کشور در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد.

اخبار انتخاباتی رژیم

هفته‌نامه‌ی بشیر مازندران اقدام به نظرسنجی از مردم این استان در خصوص کاندیداهای احتمالی ریاست جمهوری نموده است که نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱- مهندس میرحسین موسوی ۷۹٪ آراء ۲- دکتر علی‌اکبر ولایتی ۹٪ آراء، ۳- حاجت‌الاسلام ناطق‌نوری ۷٪ آراء ۴- دکتر حسن حبیبی ۵٪ آراء بشیر مازندران ۲۴/۶/۷۵

به نظر می‌رسد آقای موسوی هنوز شرایط را برای حضور مجدد مناسب و مساعد نمی‌بیند. لذا تا این لحظه کاندیداتوری را نپذیرفته، البته رسماً رد هم نکرده، و سیاست صبر و انتظار را پیشه نموده است... (اتلاف خط امام) از متقاعد کردن ایشان ناامید نیستند.

خبرنامه‌ی تشکل‌های همسو - شهریور ۷۵

عده‌ای از کارگزاران سازندگی یا آقای دکتر حبیبی مذاکره کرده‌اند و ایشان پذیرفته که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند.

کار و کارگر ۳۱/۶/۷۵

به نظر می‌رسد تأکید بر کاندیداتوری آقای ولایتی از سوی محافل و نشریات رقیب، در حالی که خود ایشان آن را (کاندیداتوری) تأیید نکرده است، عمده‌ترین هدف صورت می‌گیرد که در درون گروه‌های همسو با روحانیت مبارز نوعی افتراق و دوگانگی ایجاد نماید.

خبرنامه تشکل‌های همسو - شهریور ۷۵

دبیر اجرایی جمعیت مؤتلفه اسلامی گفت: می‌توان در مورد نامزد اصلح ریاست جمهوری به اجماع رسید و ضرورتی برای رقابتی کردن انتخابات وجود ندارد. همانطور که در دوره‌های قبلی انتخابات نیز این اجماع وجود داشت و رقابت نامزدها جدی نبود.

ایران ۷/۵/۷۵

جنایحی که حتا شخصیت محترم مورد نظر آن برای نامزدی ریاست جمهوری در محافل خصوصی و حتا برخی اجتماعات عمومی آمادگی خود را اعلام می‌کرد، به نظر می‌رسد اخیراً نسبت به موفقیت چشمگیر در انتخابات آینده دچار نوعی تردید گردیده است.

ماهنامه‌ی ارزش‌ها - مهر ۱۳۷۵

ما در مؤتلفه پیرامون این مسئله بحث کردیم... که قوه‌ی مقننه مهم است یا مجریه و اگر ما یک شخصیت داشته باشیم و غیرالموجودین باشد در مقننه باشد بهتر است یا مجریه. نکته‌ی بعد این بود که آیا رئیس جمهوری روحانی باشد یا مکتلا. به این نتیجه رسیدیم که اگر روحانی باشد به احتیاط نزدیک‌تر است.

خبرنامه تشکل‌های همسو - شهریور ۷۵

اعضای شورای مرکزی دبیر کل جمعیت مؤتلفه طی ملاقات با جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم و حمایت از کاندیداتوری آقای ناطق‌نوری، خواستار اظهار نظر آن جامعه در این زمینه شدند. آیت‌الله امینی (دبیر جامعه‌ی مدرسین) به نمایندگی از اعضای اعلام کرد که اولاً به نظر وی طرح این مبحث زود است و ثانیاً افراد دیگری نیز وجود دارند که صلاحیت ریاست جمهوری را دارند. به هر حال توصیه ایشان عجله نکردن در این امر مهم بوده است.

کار و کارگر ۷/۷/۱۳۷۵

گزینش از نشریه‌ی عصر ما ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

هر زمان خرمهره را با در برابر می‌کنند

ناطق‌نوری رئیس مجلس رژیم که به پست ریاست جمهوری چشم دوخته است و مخالفت خود را با تمدید دوره‌ی ریاست جمهوری رفسنجانی بارها اعلام کرده است، حال که خیالش از این بابت که در انتخابات بعدی رقیب «قدر قدرتی» چون او داشته باشد تا حد زیادی راحت شده است، کار تعریف و تمجید از این آخوند را به جایی رسانده است که وی را در تاریخ برتر از امیرکبیر قلمداد می‌کند.

ناطق‌نوری اخیراً گفته است: مدیریت، جسارت و حرکت‌های زیربنایی آقای هاشمی رفسنجانی امیرکبیر را در «خدمتگزارترین و سازنده‌ترین شخصیت‌ها در ایران، اول هاشمی رفسنجانی است بعد امیرکبیر، پس از او مرحوم سیدحسن مدرس، بعد از او سید جمال‌الدین اسدآبادی همدانی و در رده‌های بعد شیخ محمد خیابانی و کلنل محمدتقی خسان پسیان و میرزا کوچک‌خان جنگلی هستند.»

مظلوم‌نمایی نماینده رژیم در سازمان ملل

دانش یزدی با اظهار این‌که «تمام کشورها باید از دادن پناهندگی به تروریست‌ها و سازمان‌های آنها خودداری کنند»، نسبت به قبول درخواست پناهندگی مخالفان رژیم جمهوری اسلامی از جانب بعضی قربانیان و بی‌توجه به گرایش‌های سیاسی و اهداف آنها، محکوم‌کنند. وی در بیان‌های تروریستی جهان در کشور و استقرار بسیاری از سازمان‌های تروریستی کشورهای همسایه و دیگر کشورهای منطقه در ایران سخنی نگفت.

طرح ضربتی خلع سلاح اجرا می‌شود

فرخواند. وی گفت: طرح‌های خلع سلاح به ترتیب اولویت و از مناطقی که احتمال وجود سلاح در آنها بیشتر است، شروع و در صورت کشف سلاح غیرمجاز، هیچ عذر و بهانه‌ای از دارندگان پذیرفته نخواهد شد. برای کسانی که اسلحه‌ی شکاری از آنها کشف شود تا ۳ سال و برای کسانی که اسلحه‌ی جنگی از آنها کشف شود تا ۱۰ سال زندان پیش‌بینی شده است.

ری شهری: انجمن حجتیه مواضع ضدانقلابی دارد

محمدی‌ری شهری وزیر سابق اطلاعات رژیم در جلسه پرسش و پاسخ نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشکده‌های دانشگاه تهران شرکت کرده بود در توجیه علت ایجاد جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی گفت که این جمعیت براساس یک تفکر و برای پرکردن خلاء ناشی از نسیان و تغافل برخی از «ارزش‌ها» تأسیس شد و بنیانگذاران آن هرگز قصد ایجاد یک جناح در برابر جناح‌های دیگر را نداشته‌اند.

ساواک رژیم از بازداشت یک جاسوس خبر داد

یکی از مقامات وزارت اطلاعات رژیم در آذربایجان غربی با اعلام این‌که یکی از عوامل جاسوسی سازمان اطلاعات ترکیه در ارومیه بازداشت شده است، گفت: جاسوس مذکور به طور غیرمجاز و با هدایت برخی جریانات سیاسی ترکیه که در سازمان‌های اطلاعاتی آن کشور نیز نفوذ دارند مقادیر قابل توجهی بروشور تبلیغاتی و اعلامیه مربوط به گروه کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک) به داخل ایران حمل کرده و پیش از انجام

پزشکان جوان با مشکل بیکاری مواجه اند

عباس پاک‌نژاد نماینده مجلس شورای اسلامی از شهرستان یزد علت اصلی ایجاد مشکل برای پزشکان جوان را وجود تراکم نیرو ناشی از عدم بررسی همه‌جانبه‌ی احتیاجات کشور از سوی برنامه‌ریزان در زمینه تربیت پزشک دانست. وی گفت: تأسیس تعداد زیادی دانشکده در شهرستان‌ها و پذیرش دانشجویان، باعث شد که در سال سوم، این دانشجویان که احتیاج به کار عملی و حضور در بیمارستان داشتند با کمبود بیمارستان مواجه شوند. اما وی در ادامه ساختن بیمارستان‌ها را نیز مورد انتقاد قرار داد و گفت: احداث بیمارستان نیز مانند احداث دانشکده‌ها بدون برنامه‌ریزی انجام شده بود. وی برای رفع مشکل راه‌های زیر را پیشنهاد کرد:

۱- کاهش آهنگ پذیرش دانشجو در رشته‌های پزشکی و رشته‌های وابسته به آن

۲- ایجاد ردیف‌های استخدامی در وزارتخانه‌ها بویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۳- واگذاری ریاست بیمارستان‌ها، پست‌های نظارتی، اجرایی، بهداشتی و سرپرستی مراکز تحقیقاتی و علمی به پزشکان

۴- اعطای مجوز تأسیس مراکز بهداشتی و درمانی به پزشکان جوان همراه با کمک‌های مالی دولت به صورت وام

۵- راه‌اندازی سیستم ارجاع جهت بکارگیری نیروی پزشکان جوان

۶- کمک به پزشکان جوان برای تأسیس مطب

خبرهای کوتاه

جلسه فراکسیون جامعه حزب‌الله

روز سه‌شنبه گذشته جلسه فراکسیون جامعه‌ی حزب‌الله مجلس شورای اسلامی با شرکت حدود ۱۳۰ نفر از نمایندگان متعلق به جناح روحانیت مبارز و گروه‌های همسو با آن برگزار شد. در این جلسه ابراز شده است که از میان کاندیداهای ریاست جمهوری رژیم تنها ری شهری کاندیدایی خود را بدون شرط اعلام کرده و از هم‌اکنون نشریه‌ی ماهانه‌ی خود با نام «ارزش‌ها» و دفتر گروه خود را راه‌اندازی کرده است و در شهرستان‌ها هم به تدریج دفاتر خود را تأسیس می‌کند و بقیه‌ی افراد چون ولایتی و ناطق‌نوری در ارتباط با کاندیداتوری خود اعلام کرده‌اند که تابع نظر جامعه‌ی روحانیت مبارز می‌باشند. گروه‌های همسو نیز ظاهراً اعلام کرده‌اند که از تصمیمات جامعه‌ی روحانیت مبارز تبعیت خواهند نمود.

۵ میلیون بی‌سواد زیر ۱۰ سال

محمد نیکام معاون امور فرهنگی و تبلیغاتی سازمان نهضت سوادآموزی فاش ساخت که به رغم ادعاهای رژیم در مبارزه و بی‌سوادی هنوز ۵ میلیون بی‌سواد با سن کمتر از ۱۰ سال وجود دارد. وی وجود این تعداد کثیر از بی‌سوادان را ناشی از کم‌بها دادن به نهضت سوادآموزی و کار فرهنگی از جنبه‌ی مادی و همچنین از دیگر جوانب دانست.

طرح تازه‌تی برای جداسازی زندانیان

محمد یزدی رئیس قوه‌ی قضائیه‌ی رژیم اعلام کرد که طرح طبقه‌بندی شخصیت زندانیان در برخی از زندان‌های کشور به اجرا درآمده است و براساس آن محل سکونت زندانی بنا به خصوصیت روحی، سواد، سن و نوع جرایم تعیین می‌شود. به گفته‌ی یزدی برای اجرای طرح یاد شده از استادان دانشگاه‌ها و روانپزشکان استفاده شده است.

برگزاری نمایشگاه بین‌المللی در تهران

ساکنان تهران در هفته‌های گذشته شاهد برگزاری بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی در این شهر بودند. قریب ۴ هزار شرکت ایرانی و تنها ۱۷۰ شرکت خارجی امکانات عرضه‌ی کالاها و خدمات خود را به بازدیدکنندگان از نمایشگاه ارائه کردند. در میان شرکت‌کنندگان خارجی که از ۵۳ کشور در نمایشگاه حضور داشتند، بزرگترین غرغه متعلق به کشور آلمان بود. چهار روز نخست نمایشگاه امسال، با بلیت ورودی بسیار گران‌تری برای بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده بود و عموم مردم تنها در روزهای پایانی برگزاری نمایشگاه، امکان مشاهده آن‌بخش از دست‌اوردهای علم و صنعت معاصر را که در این نمایشگاه عرضه شده بود، یافتند.

فقدان آب آشامیدنی در مدارس

مدیر کل آموزش و پرورش لرستان در جلسه شورای بهداشت این استان فاش ساخت که شرکت آب و فاضلاب لرستان از واگذاری انشعاب آب به مدارس خودداری می‌کند و در حالی که استان نیازمند فضاهای آموزشی بیشتر است، پیش از ۷۰ مدرسه آماده بهره‌برداری به دلیل نداشتن آب به روی دانش‌آموزان بسته است. استاندار لرستان نیز که به‌عنوان بالاترین مقام اجرایی استان، در قبال وجود نارسایی‌ها مسئول شناخته می‌شود و قاعدتاً وظیفه‌ی برطرف کردن مشکلات موجود ادارات دولتی استان تحت مسئولیتش را به‌عهده دارد، با منزه جلوه دادن خود در این باره گفته است: با توجه به این‌که قانون مشخص کرده است که انشعاب آب برای مدارس رایگان است، ولی به دلایل نامعلومی (!) این قانون در لرستان اجرا نمی‌شود که ادامه این وضع باعث نگرانی و تاسف مردم شده است.

تبرئه‌ی مدیران مسئول چند نشریه

دادگاه مطبوعاتی بررسی‌کننده اتهامات وارده به مدیران مسئول روزنامه همشهری و هفته‌نامه‌های گل‌آقا و افتخارات ملی، آنان را تبرئه کرد. این اتهامات از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی به شعبه ۳۴ دادگستری تهران احاله شده بود، در دادگاه با حضور «هیئت منصفه مطبوعات» که سابقه خوبی در بررسی پرونده‌های مطبوعاتی ندارد و به دادن احکام شدید و نابجا مشهور است، تشکیل شد. با این وجود دادگاه پس از آن‌که شاکیان اتهامات خود را مطرح کردند و استماع سخنان متهمان، اتهامات وارده به آنان را وارد ندانست.

کمبود آب در چند شهر خراسان

عباس شیرمحمدی مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب خراسان اعلام کرد که بعضی از شهرهای خراسان با وجود اینکه از هر نظر استعداد صنعتی شدن را دارند، به دلیل کمبود آب ناشی از برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، ایجاد واحدهای صنعتی در آنها به هیچ‌وجه توجیه اقتصادی ندارد. وی گفت: در برخی از شهرهای استان به دلیل پائین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی هم‌اکنون آبی وجود ندارد و باید آب مورد نیاز آنها با هزینه‌های هنگفت از نقاط دور دست تأمین شود. در مناطقی که هنوز آب وجود دارد، آبهای زیرزمینی سالانه بطور متوسط یک تا دو متر افت می‌کند و در نتیجه باعث نشست و سفت شدن لایه‌های زمین می‌شود که این مساله ضایعه‌ی برای محیط زیست است که حتی با بارندگی‌های بسیار نیز جبران نخواهد شد.

ایجاد پایگاه کامپیوتری سنجش افکار

اداره‌ی کل آموزش و پرورش شهر تهران، با هدف اطلاع از دیدگاه‌های مردم در زمینه‌ی مسایل مختلف آموزش و تربیت یک پایگاه کامپیوتری سنجش افکار ایجاد کرده است. نقطه‌نظراتی که و شفاهی جمع‌آوری شده قرار است پس از تحلیل و طبقه‌بندی، در اختیار مسئولان تصمیم‌گیرنده قرار گیرد تا از این پس طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی قبل از اجرا، مورد سنجش قرار گیرند و پیامدها و تبعات منفی ناشی از اجرای آن‌ها کمتر شود.

سیمای دختر بچه‌های روستایی هجده استان کشور

روزنامه‌ی سلام در شماره‌ی ۶ شهریورماه خود سخنرانی خانم دکتر معروفی مدیرکل دفتر توسعه‌ی فعالیت‌های زنان روستایی را که در سمیناری در ارتباط با وضعیت دختر بچه‌ها ارائه شده، درج کرده است. در زیر خلاصه‌ای از این سخنرانی از نظر تان می‌گذرد.

اشاره: نابرابری و محرومیت دختران روستایی در برخورداری مناسب از امکانات و امتیازات موجود در جامعه، مشکلی است که بی‌آمدهای سوئی به همراه داشته و موانع جدی در برابر تبدیل این قشر به عناصری پویا و کارآمد ایجاد نموده است. هدف اصلی این مقاله بررسی همین موضوع است. پژوهش‌گران با بررسی مسائل دختران روستایی از قبیل وضعیت تغذیه، کار، مشکلات فرهنگی و اجتماعی، نوع آموزش و دیگر مشکلات آنان سعی داشته‌اند تصویر روشنی از موقعیت این گروه ترسیم نمایند. استان‌هایی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند عبارتند از: اصفهان، بوشهر، خراسان، تهران، گیلان، گرگان و گنبد، فارس، سیستان و بلوچستان، یزد، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، مازندران، کرمان، لرستان، ایلام، خوزستان، هرمزگان و زنجان.

بود به طوری که اکثر دختران از سوء تغذیه رنج می‌بردند. در حالی که در دو استان از استان‌های مورد مطالعه (کرمان و لرستان) وضعیت بچه‌ها از این نظر نسبتاً خوب گزارش شده و دو استان دیگر در این زمینه اظهار نظری ننموده‌اند. آن چه که در این بررسی قابل تعمق و بررسی است وضعیت تغذیه‌ی ناسربرابر بین دختران و پسران در خانواده‌های متفاوت بود. بطوری که در ۶ استان اختلاف فاحشی بین وضعیت تغذیه‌ی دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها به چشم می‌خورد. این مسئله موقعت پایین اجتماعی دختران نسبت به پسران را نشان می‌دهد. طبق همین بررسی در استان بوشهر، دختران اغلب از غذاهای پس سفره استفاده نموده و در برابر هم‌سالان پسر

تحصیل می‌نمودند. بررسی‌ها نشان داد در چندین مورد خانواده‌های روستایی به دلیل فقر و کمبود امکانات مالی ترجیح می‌دهند به جای این که دختران آن‌ها به تحصیل بپردازند در کنار آن‌ها فعالیت نمایند و در گرداندن چرخ زندگی سهیم باشند. همچنین این بررسی مشخص نمود که در شرایط اقتصادی نامناسب، تحصیل پسران بر دختران ارجحیت دارد. زیرا آن‌ها حضور دختر را در خانواده موقتی و گذرا تلقی نموده و به همین دلیل مایل به ادامه‌ی تحصیل پسر بودند تا دختر. به طور کلی، از جمع‌بندی نظرات کارشناسان می‌توان چنین استنباط نمود که علل ترک تحصیل دختران در روستاها بیشتر منوط به عدم امکان ادامه تحصیل (به دلیل به حد نصاب نرسیدن کلاس و جلوگیری از تحصیل



مشترک دختر و پسر) بوده تا شرایط اقتصادی و فرهنگی حاکم در روستاها.

۳- وضعیت کار دختر بچه‌ها در منزل

نتایج حاصله از بررسی در این خصوص نشان داد که به طور کلی وظایف دختر بچه‌ها از زمانی که آن‌ها بتوانند سرپای خود بایستند و قادر به انجام کار باشند شروع می‌شود. آن‌ها از همان سن کودکی به دلیل پذیرش مسئولیت‌های فراوان در خانه به عنوان دستیار پدر و مادر سرگرم کار و فعالیت می‌باشند و در غالب موارد بازی‌های کودکانه در سنین بسیار پایین به فراموشی سپرده می‌شود و دوران کودکی برای دختر بچه‌ها بسیار کوتاه بوده و تا چشم بر هم زدن وظیفه‌ی خطیر مادری را نیز باید بر دوش بکشند و بار سنگینی از مسئولیت‌های فراوان متوجه آن‌هاست. این بررسی نشان داد که دختر بچه‌ها در کلیه مناطق مورد مطالعه در امور تهیه غذا، شستشوی ظروف و آب، نظافت منزل، تهیه سوخت و آب آشامیدنی، نگهداری از فرزندان کوچک و غذا دادن به آن‌ها کاملاً فعالیت دارند. همچنین در امر نگهداری از دام‌ها و شیردوشی و تغذیه و تهیه لبنیات بسیار فعال هستند. چرا برن دام‌ها بیشتر به عهده دختران است. به طوری که در استان بوشهر تعداد چوپانان دختران پسر بیشتر بود. کمک در امر کاشت محصولات مختلف و همچنین چین و برداشت و جمع‌آوری محصولات از وظایف دختر بچه‌ها در اوقات فراغت آن‌هاست.

۲- مسائل فرهنگی، اجتماعی دختر بچه‌ها

بررسی‌های به عمل آمده در روستاهای مورد مطالعه در خصوص وضعیت اجتماعی، فرهنگی، نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد دختر بچه‌ها در روستا و مدارس ابتدایی مشغول به تحصیل‌اند و این به علت کمبود و یا فقدان مدارس راهنمایی و دبیرستان و سایر مشکلات از جمله وجود فواصل بین روستاها و یا بعضاً شرایط جغرافیایی نامناسب می‌باشد. معمولاً تحصیل دختر بچه‌های روستایی در سطوح بالاتر انجام نمی‌گیرد و یا چنانچه احتمالاً موقعتی از نظر ادامه تحصیل در مراکز روستایی و یا مراکز مجاور به شهرها پیش آید به دلیل برخی تعصبات اجتماعی، فرهنگی (از ادامه‌ی تحصیل دختران ممانعت به عمل می‌آید. در حالی که پسران همان خانواده‌ها راحت‌تر به روستاهای مجاور رفته و

تنها در یک مورد از استان مورد مطالعه (روستاهای شهرستان میانه از استان آذربایجان شرقی) دختر بچه‌ها فقط در کارهای خانه به مادر کمک می‌کردند و در کار کشاورزی نقش چندانی نداشتند. در ۵ مورد بررسی در روستاهای مورد مطالعه در استان آذربایجان غربی به علت تعدد فرزندان در خانواده و عدم وجود امکانات مالی با وجود داشتن مدارس ابتدایی و راهنمایی دختر بچه‌ها از تحصیل باز مانده و به عنوان پرستار بچه‌های کوچک‌تر به کار گمارده شده بودند. این بررسی نشان داد که در استان‌های شمالی کشور، دختران علاوه بر انجام کارهای فوق به عنوان کارگر روزمزد، برای دیگر کشاورزان به کار اشتغال دارند.

۴- وضعیت آموزش‌های غیر رسمی

در این بخش هدف از بررسی وضعیت آموزش‌های غیر رسمی، و عمدتاً آموزش‌های ترویجی بوده که از طریق مروجین زن به دختران روستایی ارائه می‌گردد و نیز فعالیت سایر ارگان‌های آموزشی دست‌اندرکار امر آموزش روستاییان که می‌توانند از طریق هم‌آهنگی با یکدیگر زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های زنان روستایی در روستا باشند.

نتایج حاصل از بررسی‌های به عمل آمده از روستاهای مورد مطالعه بیان‌گر این امر است که آموزش مسائل غیر کشاورزی از طریق جهات سازندگی، کمیته امداد امام(ره)، بهزیستی، وزارت بهداشت و هلال‌احمر در امور بهداشتی و تنظیم خانواده، خیاطی، گل‌دوزی، صنایع دستی در سطح نسبتاً خوبی در روستاهای مورد مطالعه انجام گرفته است.

۳- وضعیت کار دختر بچه‌ها در مناطق

به طوری که در ۵۰ درصد از مناطق مورد مطالعه آموزش‌های فوق ارائه شده بود. در ۳۰ درصد از مناطق بررسی هیچ‌گونه آموزشی اعم از کشاورزی و یا غیر کشاورزی ارائه نشده بود و در دو منطقه (فارس و لرستان) تنها دختران روستایی از آموزش‌های ترویجی که جهت مادران آن‌ها ترتیب داده شده بود بهره‌مند شده بودند. همچنین دختران استان گیلان از آموزش‌های ترویجی که برای مادران آن‌ها ترتیب داده شده بود و هم از آموزش‌های غیر ترویجی بهره‌مند بودند که نشان می‌دهد وضعیت آموزشی در این استان از وضعیت بهتری نسبت به سایر استان‌های مورد مطالعه برخوردار بود.

آن چه که در این بررسی قابل تأمل است این که دختر بچه‌های روستایی که مادران آینده و بخش مهمی از تولیدکنندگان آبی این مملکت را تشکیل می‌دهند، از آموزش‌های مسائل کشاورزی کم بهره و یا بی‌بهره می‌باشند. و این مسئله عمدتاً به لحاظ کمی تعداد کارشناسان زن ترویج و کمبود امکانات موجود است.

۵- مشکلات دختر بچه‌ها

از جمع‌بندی مشکلات مطرح شده از جانب پاسخ‌گویان در مناطق مورد مطالعه در این بررسی، دسته‌بندی مشخص تحت عناوین ذیل به عمل آمده و بعد از کدگذاری اقدام به شمارش آن‌ها شد که به صورت درصد و به ترتیب اولویت عنوان شده‌است:

- ۱- مشکلات مربوط به مسائل آموزشی و فرهنگی دختر بچه‌ها
- ۲- مشکلات مربوط به مسائل بهداشتی دختر بچه‌ها
- ۳- مشکلات مربوط به مسائل سوء تغذیه دختر بچه‌ها
- ۴- مشکلات مربوط به مسائل تفریحی و هنری دختر بچه‌ها
- ۱- تقریباً ۱۰۰ درصد از پاسخ‌ها در خصوص مشکل عدم وجود مدارس راهنمایی در تمامی روستاها و

خبرهای علمی

معرفی برندگان جایزه نوبل ۱۹۹۶

جایزه‌ی نوبل پزشکی امسال به پتر دورتی استرالیایی و رالف زینکر ناگل سوئیسی اهدا شد. پژوهشگرانی که با تحقیقات ۲۱ سال پیش خود راهی نو به سوی ایمنی‌شناسی (ایمونولوژی) مدرن گشودند. تا سال ۱۹۷۴ تصور روشنی از اینکه چگونه لئوسیت‌های T (سلول‌های دفاعی) سلول‌های مهاجم را شناسایی می‌کنند در دست نبود.

دو دانشمند جوان نام‌برده که در آن هنگام به ترتیب ۳۴ و ۳۱ سال داشتند، نشان دادند که شناخت مهاجمان بدن از طریق پروتئین‌هایی که آنتی‌ژن لئوسیت نامیده می‌شود و در انسان اکنون با نام اختصاری HLA شناخته شده است، صورت می‌پذیرد. کشف سیستم HLA نیز جایزه‌ی نوبل را در سال ۱۹۸۰ نصیب یک فرانسوی و یک آمریکایی کرد. در حال حاضر می‌دانیم که آنتی‌ژن لئوسیتی انسانی (HLA) در حقیقت حامل پیام‌های اطلاعاتی برای لئوسیت‌های T می‌باشد. کار این دو محقق پایه‌ی تحقیق‌های کنونی برای پیدا کردن واکنش‌های ضد سرطان است.

جایزه‌ی نوبل امسال در رشته‌ی شیمی به دو آمریکایی به نام‌های روبرت کرل Robert F. Curl jr (۶۳ ساله) و ریچارد اسمالی Richard F. Smalley (۵۳ ساله) از دانشگاه هوستون و یک پژوهشگر انگلیسی به نام هارولد کروتو Harold W. Kroto (۵۷ ساله) از دانشگاه ساسکس Sussex تعلق گرفت.

در سال ۱۹۸۵ موفق به کشف شکل جدید ساختمانی از اتم‌های کربن که به احترام آرشیوکت آمریکایی بوک‌مینستر فولر، فولرن Fullerene نام گرفت. شدند. تا آن زمان تنها گرانیت و الماس به‌عنوان شکل‌های ساختمانی کربن خالص شناخته شده بود. فولرن‌ها می‌توانند از تعداد متفاوتی اتم کربن به شکل چندوجهی‌های متفاوتی تشکیل شوند، ولی معروف‌ترین این مولکول‌ها از ۶۰ اتم کربن ساخته شده و دقیقاً مانند یک توپ فوتبال با شش ضلعی‌ها و پنج ضلعی‌های آن است. کار بر روی این مولکول‌ها افق‌های تازه‌ای در شیمی نجومی، ابررسانایی و علم مواد بوجود آورده است.

جایزه‌ی نوبل فیزیک امسال به سه آمریکایی به نام‌های دیوید لی (۶۵ ساله) و روبرت ریچاردسون (۵۹ ساله) از دانشگاه کورنل و داگلاس ایشرف (۵۱ ساله) از دانشگاه استنفورد در رشته‌ی فیزیک دمای پایین داده شد. این سه فیزیکدان نشان دادند که ایزوتوپ ۳ هلیوم در دمایی نزدیک به صفر کلوین (۲۷۳/۱۵- درجه‌ی سانتی‌گراد) به شکل ابرسیال می‌باشد. ابرسیال‌ها موادی هستند که به دلیل خواص کوانتومی ذراتشان در دماهای بسیار پایین منجمد نمی‌شوند و خواص کاملاً متفاوتی با مواد سیال شناخته شده و خواص آنها که در زندگی روزمره با آن مواجهیم، دارند. از جمله این که ابرسیال‌ها می‌توانند بدون کوچکترین اصطکاک از درون لوله‌های باریک عبور کنند.

تحقیقات سه برنده‌ی امسال نوبل فیزیک در اوایل دهه‌ی ۷۰ نشان داد که هلیوم ۳ با وجود اینکه طبق تئوری کوانتومی و استاتستیک کوانتومی شناخته‌شده‌ی آن زمان نمی‌توانست به شکل ابر سیال درآید، در آزمایش تجربی عملاً این خاصیت را دارد و این باعث بوجود آمدن انقلابی در تئوری‌ها تا آن زمان شناخته شده‌ی فیزیک دمای پایین شد.

لزوم کنترل آزمایش‌های ژنتیکی

کمیته‌ی بین‌المللی بیواتیک (اخلاق در بیولوژی) وابسته به یونسکو، تنها مرجعی است که در سطح جهانی در مورد پژوهش‌های ژنتیکی و مهندسی ژنتیکی به قضاوت می‌پردازد. این کمیته در نشست اخیر خود اعلامیه‌ی راجع به ژنوم انسانی تهیه و تصویب کرده است که در نشست آتی یونسکو در پاییز ۱۹۹۷ مطرح خواهد شد.

در اعلامیه گفته می‌شود که ژنوم انسانی یک میراث مشترک بشریت است. با اعتقاد به این اصل باید تمام تحقیق‌های ژنتیکی برپایه‌ی اصول معین اخلاقی انجام شوند. هدف پژوهش‌ها مشخص باشد و از انجام پژوهش‌های محض و غیر ضروررهیز گردد. اعلامیه مفضلاً به دفاع از حقوق افراد انسانی و آزادی انتخاب آنها می‌پردازد و به عوارض اجتماعی آزمایش‌ها اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که در صورت انجام بی‌رویه تست‌های بیولوژیکی، افراد از نظر حقوقی، شغلی و مالی مورد تهدید قرار خواهند گرفت.

کمیته‌ی بین‌المللی یونسکو تأکید می‌کند: «نباید پیشرفت‌های علمی در زمینه بیولوژیکی و ژنتیک بر ارزش‌های حقوقی فردی انسانی ارجحیت داده شود.»

آتشفشان در زیر یخ‌های ایسلند

اول اکتبر آتشفشان لاکي (Loky) در زیر بزرگترین یخچال اروپا در ایسلند شروع به انفجار کرد. آب و دود و خاکستر ناشی از انفجار ده‌ها کیلومتر به بالا پرتاب شده است و براساس محاسبات زمین‌شناسان اسکاندیناوی تا کنون باعث ذوب شدن ۱/۵ کیلومتر مکعب یخ گردیده است.

ضخامت لایه‌ی یخچالی این ناحیه که ۶۰۰ متر بود، در محدوده‌ی وسیعی از بین‌رفته یا نازک شده است. احتمال بالا آمدن آب ناشی از ذوب یخ‌ها و خطرات دنبال آن خشکی‌های مجاور را تهدید می‌کند. آتشفشان لاکي از سال ۱۹۳۸ تا به حال خاموش مانده بود.

هم‌چنین فقدان دبیرستان جهت ادامه‌ی تحصیل دختران عنوان شده بود.

- ۲- حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌ها در زمینه‌ی کمبود و یا عدم وجود امکانات بهداشتی در روستاها خصوصاً در مورد دختر بچه‌ها که از نظر فیزیکی آسیب پذیر هستند عنوان شده بود.
- ۳- حدود ۵۰ درصد از پاسخ‌های ارائه شده مربوط به نبودن امکانات ورزشی، تفریحی، هنری مثل خیاطی و گل‌دوزی و... کتابخانه و به طور کلی سرگرم‌کننده جهت پرکردن اوقات فراغت دختر بچه‌ها عنوان شده بود.
- ۴- حدود ۴۰ درصد از پاسخ‌ها در مورد وجود مشکل سوء تغذیه با توجه به سنین رشد دختر بچه‌ها و این که آنان بزودی مادران آینده خواهند بود مطرح شده بود.
- ۵- حدود ۳۰ درصد از پاسخ‌ها مربوط به مشکل عدم آگاهی والدین از پایگاه اجتماعی دختر بچه‌ها در خانواده و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و روانی آن‌ها شده بود.
- ۶- تعدادی از پاسخ‌ها مربوط به کمبود امکانات مالی خانواده ضعف بنیه‌ی اقتصادی و جلوگیری از ادامه‌ی تحصیل دختران و آوار کردن آن‌ها به انجام کارهای اضافی به منظور کمک به اقتصاد خانواده عنوان شده بود.

چهارمین نوبل ادبی برای ادبیات لهستان



متعارف تیراژ مجموعه‌های شعر در لهستان یعنی ۵ تا ۳ هزار نسخه فراتر نرفته است، لیکن او اینک چهره‌ای شناخته شده در ادبیات لهستان و جهان است و آثارش علاوه بر زبان‌های اروپایی به عربی، عبری، چینی و ژاپنی نیز ترجمه شده‌اند.

در شعر ژیمبورسکا واژگان پیچیده و فاخر چندان حضوری ندارند و ویژگی آفرینش وی بیشتر تدقیق و ژرفا بخشیدن به واژگان متداول است. ژیمبورسکا برخلاف بسیاری از شاعران و نویسندگان هم‌عصرش هیچ‌گاه برآمد و فعالیت سیاسی نداشته است، اما بسیاری از منتقدان ادبی شعر او را کم و بیش دارای بار اجتماعی می‌دانند. بد نیست اشاره کنیم که در تاریخ

چهارمین نوبل ادبی برای چهارمین بار از آن ادبیات لهستان شد. ۹۱ سال پیش این جایزه برای اولین بار به هنریک زیبنکوویچ از چهره‌های ادبی لهستان تعلق گرفت، ۲۱ سال بعد نصیب ولادیسلاو ریمونت شد و ۸۰ سال بعد چسلاو میلوش آن را به خود اختصاص داد.

امسال نیز خانم ویسلاوا ژیمبورسکا (Wisława Szymborska) شاعری ۷۳ ساله لهستان به دریافت آن نائل آمد. ژیمبورسکا که به بانوی اول شعر لهستان معروف است از سوی کمیته ادبی نوبل به خاطر شعرهایش که «در آنها ارتباطات تاریخی و بیولوژیک مربوط به پُرس‌مان تکوین انسان با دقتی کناپه‌آمیز بیان می‌شوند» شایسته دریافت جایزه می‌شود.

وی ظرف ۵۰ سال گذشته بیش از ۱۶ مجموعه شعر انتشار داده است و گرچه تیراژ هر مجموعه‌ای وی از حد

جایزه ناشران آلمان برای وارگاس یوسا

انجمن ناشران آلمان جایزه‌ی امسال خود را که به «جایزه‌ی صلح ناشران آلمان» معروف است به نویسنده‌ی مشهور پرویی، ماریو وارگاس یوسا اعطا کرد.

یوسا که از مطرح‌ترین نویسندگان آمریکای لاتین و حوزه‌ی زبان اسپانیا به شمار می‌رود با ژمان «شهر و سگ‌ها» (۱۹۶۳) در پرو به شهرت رسید و با رمان‌های بعدی‌اش هم چون «خانه‌ی سبز» (۱۹۶۶) و «گفتگو در کلیسای جامع» (۱۹۶۹) در گستره‌ی ادبیات آمریکای لاتین نیز نام و آوازه‌ی یافت و کتاب‌هایش به بیشتر زبان‌های دنیا ترجمه شدند.

یوسا گرچه مسئولیت نویسنده را نه تنها آفرینش ادبی، بلکه دخالت فعال در امور اجتماعی و سیاسی می‌داند، لیکن به خاطر مواضع اجتماعی و اقتصادی‌اش چه در پرو و چه در سطح

جهانی مورد انتقادهای بسیاری قرار گرفته است، وی که سال ۱۹۹۰ به عنوان کاندید ریاست جمهوری پرو، از انتخابات شکست خورده بیرون آمد، حسامی سرسخت تاجریم و سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی معاصر است و واقعیت افزایش شکاف میان فقیر و غنی در جهان طی دو دهه‌ی گذشته را نادرست و غیرواقعی می‌داند.

یوسا به سبب نزدیکی گابریل گارسیا مارکز، نویسنده‌ی کلمبیایی کتاب «صد سال تنهایی»، به فیدل کاسترو با وی روابط پرتنش دارد و خواهان اعمال تحریم اقتصادی علیه کشورهایی است که رژیم‌های دیکتاتوری بر آن‌ها حاکم‌اند. تا آنجا که به مواضع اقتصادی یوسا برمی‌گردد، وی چه در کشورش و چه در محافل فرهنگی آلمان و جهان موافقانی اندک

و مخالفانی بی‌شمار دارد. این امر اما سبب نشد که کسی اعطای جایزه‌ی امسال ناشران آلمان به وی را مورد انتقاد قرار دهد و این گزینش را نادرست بخواند، چرا که دست‌کم ارزش‌های ادبی آثار یوسا در میان اهل نظر کمتر مورد شک و تردید است. به‌علاوه یوسا از جمله‌ی مخالفان نوعی برداشت پسامدرنی از ادبیات است که منکر پیوند این هنر با هستی و مسائل اجتماعی و فردی انسان‌هاست و آن را تا حد متونی در خود و فساد هدف مضمونی بیرون از خود فرومی‌کاهد. گفتنی است که اعطای جایزه‌ی صلح ناشران آلمان به ماریا شیمیل، شرق‌شناس آلمانی، در سال گذشته با موجی از اعتراض و انتقاد همراه بود، زیرا شیمیل فتوای قتل‌رشدی از سوی آیت‌الله خمینی را قابل فهم خوانده بود.

۱۰۵ کشور با ۳۱۱۰۰۰ عنوان کتاب در نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت شرکت کردند

● ادبیات ایرلند موضوع اصلی نمایشگاه امسال بود

زبان آلمانی ترجمه شدند تا جامعه‌ی کتابخوانان آلمان از طریق مطالعه‌ی آنها آشنایی بیشتری با ادبیات این جزیره پیدا کنند. در مجموع ۷۵ میلیون نفر در جهان دارای اصل و نسب ایرلندی هستند اما از میان آنها تنها ۳/۵ میلیون نفر در خود ایرلند ساکن‌اند. به دیگر سخن مهاجرت و آوارگی، پناهندگی و مسئله‌ی هویت ملی یکی از شاخص‌های حیات اجتماعی جزیره‌ی ایرلند است که طبعاً در ادبیات این سرزمین نیز بازتابی چشمگیر یافته است.

در ایرلند ادبیات و به ویژه شعر و شاعری رواجی گسترده دارد. وزارت

چهارمین نوبل ادبی برای چهارمین بار از آن ادبیات لهستان شد. ۹۱ سال پیش این جایزه برای اولین بار به هنریک زیبنکوویچ از چهره‌های ادبی لهستان تعلق گرفت، ۲۱ سال بعد نصیب ولادیسلاو ریمونت شد و ۸۰ سال بعد چسلاو میلوش آن را به خود اختصاص داد.

امسال نیز خانم ویسلاوا ژیمبورسکا (Wisława Szymborska) شاعری ۷۳ ساله لهستان به دریافت آن نائل آمد. ژیمبورسکا که به بانوی اول شعر لهستان معروف است از سوی کمیته ادبی نوبل به خاطر شعرهایش که «در آنها ارتباطات تاریخی و بیولوژیک مربوط به پُرس‌مان تکوین انسان با دقتی کناپه‌آمیز بیان می‌شوند» شایسته دریافت جایزه می‌شود.

وی ظرف ۵۰ سال گذشته بیش از ۱۶ مجموعه شعر انتشار داده است و گرچه تیراژ هر مجموعه‌ای وی از حد

فرهنگ این کشور حمایت‌های مالی وسیعی از کار نشر و چاپ کتاب به عمل می‌آورد و خود وزیر فرهنگ، مایکل هیگینز، نیز از چهره‌های شاخص شعر ایرلند است. اما گرایش به تولید ادبیات در این کشور علت‌هایی دیگری دارد. در دوران اشغال ایرلند توسط انگلستان مردم از کسب و تجارت، از حق آموزش و نیز از سخن گفتن به زبان بومی محروم بودند. این امر سبب شده بود که آن‌ها برای ارتباط با یکدیگر حفظ ارزش‌ها و مبانی فرهنگی خویش به روایت و ادبیات شفاهی متوسل شوند و همین، تخیل و فانتزی را در میان آنها تقویت می‌کرد. در دوران

معاصر آنچه که این توانایی آفرینش هنری را در ایرلند پایدار نگه‌داشته است، رواج چشمگیر فرهنگ مطالعه در میان مردم می‌باشد. کمتر کسی را در خیابان می‌توان یافت که پنج، شش نویسنده را نشناسد و آثاری از آنها نخوانده باشد.

برای نویسندگان ایرلندی، حتی اگر در خود ایرلند هم زندگی نکنند، گذشته و جنبه‌های مختلف زندگی در میهن در آثارشان هنوز بازتاب بارزی دارد. در بیشتر این آثار نموده‌ی برخورد با کلیسا و با مادر یکی از محورهای اصلی است. ایرلند اصلاً به مهد مادرسالاری معروف است.

در ناخودآگاه بسیاری از ایرلندی‌ها کشورشان نقش یک زن را دارد. کلیسا، نیز، و در خانه هم این مادر است که شخصیت اصلی به‌شمار می‌رود. زندگی در دوبلین که اینک یک‌سوم جمعیت ایرلند را در خود جای داده است نیز از محورهای اصلی آثار ادبی است. دوبلین پایتخت ایرلند پیوسته یکی از مراکز فرهنگی اروپا بوده است و آن هم نه تنها از زمان انتشار کتاب «دوبلین‌ها»ی جیمز جویس، بلکه از سال‌ها پیش از آن.

چهار چهره‌ی ادبی برجسته‌ی ایرلند که در سده‌ی جاری به دریافت جایزه‌ی نوبل نائل آمده‌اند، یعنی ساموئل بکت،

جهان ناامن برای نویسندگان

کره‌ی جنوبی، ویتنام و ایران مربوط می‌شود.

گفتنی است که انجمن جهانی قلم از سال ۱۹۶۰ کمیته‌ی به نام «کمیته‌ی نویسندگان درون» ایجاد کرده است که به جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی نویسندگان زندانی، تحت تعقیب و ناپدید شده می‌پردازد و برای آزادی آنها تلاش می‌کند.

این کمیته روز ۱۵ نوامبر را «روز جهانی نویسندگان درون» نام‌گذاری کرده و در این روز با مصاحبه‌ها و برگزاری آکسیون‌ها افکار عمومی جهان را متوجه تعقیب، حبس، آزار و شکنجه‌ی نویسندگان می‌کند.

پژواک ندای فروغ

غروب بیدی و فتح باغ، اجرا کرد. پیش از اجرای این قطعات، اشعار یادشده‌ی فروغ به زبان‌های آلمانی و فارسی بازخوانی شد. بخش دیگر برنامه شامل اجرای دو قطعه برای پیانو و فلوت به نام بی‌خانمان‌ها با همکاری فروغ کریمی استادیار و سولست آکادمی موسیقی وین بود. خانم قراچه‌داغی همچنین قطعاتی از ساخته‌های جدید خود را از کتاب پنجره‌ی رو به باغ - موسیقی برای کودکان - اجرا کرد. نوای دل‌انگیز پیانوی شیدا قراچه‌داغی و فریبایی واژه‌های جاودانه‌ی فروغ فرزاد ششی به یاد ماندنی برای ایرانیان هنر دوست وین به ارمغان آورد. این برنامه با همکاری انجمن فرهنگی ایرانیان مقیم اتریش برگزار شد.

محاكمه كافكا در تركيه!

«آزادی انسدیده» نام گرفته و مجموعه‌ی از سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و متن‌های ممنوعه را دربر می‌گیرد. گونزیاری به هنگام دفاع از خود پس از خواندن پاراگراف کتاب محاکمه از «فضای کافکا» دادگاه سخن گفت و از قاضی به خشم آمده، پرسید که آیا وی آثار کافکا را خوانده است؟ اما پاسخی نشنید. روز سوم اکتبر هنگامی که اعلام شد گونزیاری به خاطر نقل قول از کافکا محاکمه می‌شود، ۴۵ نفر از روشنفکران و هنرمندان ترکیه امضای خود را به نشانه‌ی اعتراض در پای پاراگراف کتاب کافکا نهادند تا در «جرم» گونزیاری شریک شوند. آنان در جریان محاکمه‌ی جمعی خود، دادگاه را به صحنه‌ی افشای اختناق و نقض آزادی بیان در ترکیه بدل کردند.

یک دادگاه شهر استانبول این روزها سرگرم محاکمه‌ی ماهر گونزیاری از چهره‌های معروف تئاتر ترکیه است. گونزیاری در دادگاهی که از ماه مارس به محاکمه‌ی او و ۹۸ روشنفکر دیگر ترکیه و از جمله نویسنده‌ی درگذشته، عزیز نسین، مشغول است، پاراگرافی از کتاب «محاکمه» اثر معروف نویسنده‌ی چک، فرانز کافکا را قرائت کرد که سخت به مقامات دادگاه برخورد و آنها را به گشودن پرونده‌ی تازه‌ی برای گونزیاری واداشت. کافکا در «محاکمه» جریان دادگاه پوچ و بی‌معنایی را تصویر می‌کند که متهم آن هرگز درمی‌یابد به چه اتهامی در حال محاکمه شدن است.

۹۹ روشنفکر و نویسنده‌ی ترکیه به اتهام انتشار کتابی محاکمه می‌شوند که

نکته‌ها و گفته‌ها

«طراح باید بازتاب کار را از بالا نگاه کند و نه از رو به رو. اگر با روی چلید کتاب «نبرد من» هیتلر هم بشود فرهنگ بصری عقب‌مانده‌ی جامعه را ارتقاء داد ممانعی نداشت و (طراح) باید کار را بپذیرد و به خوبی انجام دهد»

مرتضی ممیز، گرافیست سرشناس ایران در گفتگو با «آدینه» شماره‌ی ۱۱۱

«مدنیت» یونان به ایران آمد، ولی بالاخره دور ریخته شد و هیچ از آن نماند. مدنیت‌های اسلامی و غربی نیز همانطور است. بهترین کتاب‌های خارجی یا افکار وام کرده یا تقلیدی از غرب، که امروزه در ایران مانند نان سنگک دو آتش می‌خورند، صد سال دیگر با پیدایش متفکران ایرانی، جزو کتاب‌هایی خواهند شد که فقط در کتابخانه‌ها گرد می‌خورند.»

منوچهر جمالی / کتاب «به سوی حکومت فرهنگی» / ص ۲۱۸

«کارگران (کارخانه‌های مدرن) امکان آن را دارند که بیش از مزدشان از محصولات بردارند و به خانه ببرند. برای این حرکت خود اصطلاحی هم دارند: «کش رفتن» ... همین «کش رفتن» هاست که شغف فراوانی در کار یک‌نواخت روزانه‌ی کارگران به‌وجود می‌آورد... هیچ‌گونه انگیزه‌ی از پیش‌اندیشه‌ی شده‌ی ندارد (و) تنها شکل ممکن کار آزاد و خلاق است... در حقیقت عمیق‌ترین دوستی‌ها از طریق هم‌کاری در کش رفتن‌ها به وجود می‌آید. هم‌کاری، دوستی، هم‌مستی، فعالیت خلاق آزادانه، این همه از طریق کش رفتن‌ها به وجود می‌آید.»

دیوید مکسلی / مقاله‌ی «در خانه‌ی زبان یا در شدن تاریخی» / «آدینه» شماره‌ی ۱۱۰ / ص ۳۸

۲۰ تا ۲۷ نوامبر برگزار می‌شود

سومین فستیوال تئاتر ایرانی در کلن

گروه تئاتر آلمانی و یک گروه ترکی شرکت می‌کنند و مجموعاً ۱۷ اثر تئاتری را به صحنه می‌برند. از این تعداد، ۱۲ اثر به زبان فارسی و ۵ اثر به زبان آلمانی اجرا خواهند شد. «پروانه‌ی در ممت» (به کارگردانی ایرج چنتی عطایی)، «توطئه‌گران» (به کارگردانی عطاء گیلانی)، «رابطه‌ی آزاد زناشویی» (ایرج زهری)، «شبنم و مهتاب» (پرویز برید)، «آخرین شب شهرزاد» (م‌زاهدی)، «زیبایی بی‌اعتنا» (کاوه میثاق)، «دیداری با فروغ فرخزاد» (هایده ترابی)، «درخت بخشنده» (مهدی نمازی)، «جزیره» (بردیا روستا)، «دیوار چهارم» (بهروز پهنژاد)، «اپرت جشن آهن - کاوه آهنگر» (مجید فلاح‌زاده) آثاری هستند که به زبان فارسی نمایش داده خواهند شد و «ویس‌نسون کروزنه» (به کارگردانی ت - توری)، «پوزوی چرمی» (محمد علی بهبودی)، «زنان جاروکش ... کابارت» (رایسره‌نمن)،

دارد و بخشی از تجربیات مهاجرت به این یا آن شکل در آنها بازتاب یافته است، پس بی‌سبب نیست که اینک تئاتر به بخشی از حیات فرهنگی جامعه‌ی ایرانیان مهاجر بدل شده است. تعدد کارهای با کیفیت در میان آثار تئاتری مهاجران ایرانی به حدی رسید، که برگزاری فستیوال مختلف را در این زمینه موجه و بایسته کرده است؛ فستیوال‌هایی که ترازنامه‌ی تئاتر خارج از کشور در آنها به نمایش و داوری گذاشته می‌شود و نمایش‌ها و انگیزه‌های نوینی را برای کارهای آتی گرد می‌آورد. فستیوال‌های سال‌های گذشته در کلن و یا فستیوال اخیر در هامبورگ در راستای پاسخ‌گویی به چنین نیازی برگزار شدند. در روزهای ۲۰ تا ۲۷ نوامبر آتی نیز کلن برای سومین بار شاهد برگزاری فستیوالی از آثار تازه‌تر دست‌اندرکاران تئاتر مهاجرت ایران خواهد بود. در این فستیوال ۱۴ گروه تئاتر ایرانی و دو

تعدد و تنوع فعالیت‌های تئاتری در خارج از کشور طی سال‌های اخیر به تثبیت موقعیت این هنر در جمع مهاجران ایرانی انجامیده و آن را در کنار سینما به پرزیدنده‌ترین هنر در میان این جمع بدل کرده است. صرفنظر از مولودرام‌های تکراری و بعضاً بی‌کیفیت یک، دو سال اخیر آثاری که در این سال‌ها به صحنه رفته‌اند همه جزئی از تلاش برای و انمودن گوشه‌های مختلف مسائل زندگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در داخل و خارج از کشور بوده‌اند و بینندگان توانسته‌اند با نگرین در آینه‌ی آنها بخشی از هستی خود را به تماشا بنشینند و تجربه‌ها و فراز و فرودهای جمعی و فردی خود را از زاویه‌های متفاوت بنگرند. در بخش چشمگیری از این آثار پل زدن و یا یافتن تباین میان فرهنگ بومی ما و فرهنگی که خواسته یا ناخواسته به قلب آن پرتاب شده‌ایم، نمودی برجسته

سمت وارد آوردن ضربه اصلی

فرخ نگهدار

تقویت و تحکیم موقعیت «فدایی» در میان مردم و در مقابل حکومت بود. با این حال چشم ما در پی بافتن حلقه‌های ضعیف و نقاط قوت درون حکومت نبود. در سال‌های ۵۹ تا ۶۱ که ما پیش‌برد مبارزه‌ی ضدامپریالیستی را مضمون عمده‌ی فعالیت خود قرار دادیم، ما ائتلاف متدیگ قبلی را رفع کردیم. ما از حزب توده ایران در آن روزها آموختیم که به نیروهای درون حکومت نیز توجه کنیم.

به علاوه ما آموختیم که برای تضعیف موقعیت نیروهای بازدارنده، آنان را از کدام زوایا مورد تهاجم قرار دهیم. خط مشی ما مترجه تعمیم شکاف در حکومت و تضعیف گرایش‌هایی بود که بوی سازش از آنان برمی‌خاست. ای کاش ما همین متد را از همان آغاز نه به خاطر پیش‌بردمبارزه ضدامپریالیستی که برای ایجاد یک جبهه‌ی وسیع دموکراسی و تضعیف نیروهای طرف‌دار استبداد به کار می‌گرفتیم.

این ظن هنوز هم در سازمان ما بسیار نیرومند است. همین ظن است که موجب شده در هیچ یک از کنگره‌های ما یک تحلیل دقیق و قدرت‌مند از بافت جمهوری اسلامی و از نقاط و حلقه‌های قدرت و ضعف دورنی آن ارائه نشود و یا به تصویب نرسد. ما هنوز هم نمی‌دانیم برای درهم شکستن دیواره‌های استبداد ضربه را باید بر کدام نقطه فرود آورد.

آنانومی قدرت سیاسی

قبل از همه من باید مقصود خود، از دو مفهوم «دولت» و «حکومت» را در این بحث روشن کنم.

در انگلیسی بین واژه‌های State و Government تفاوت معنی وجود دارد. اولی پیش‌تر به معنای قدرت سیاسی به شمول قلمرو آن و دومی به معنای موسسات دولتی به شمول هیات حاکمه است. در فارسی State را هم به معنای دولت و هم به معنای کشور و Government را به معنای حکومت و نیز دولت ترجمه کرده‌اند.

من با عنایت به تعریف Max Weber از دولت پیش‌تر تمایل دارم که در فارسی ما از واژه «دولت» معنای «دستگاه بوروکراسی» به شمول وزارت‌خانه‌ها و هیات دولت را استنباط می‌کنیم و واژه «حکومت» پیش‌تر به ذهن ما نهادنی را تیار در دهد که قدرت اعمال قهر را در انحصار خود دارند، قدرتی که مسلماً اتکالی آن بر ارتش، نیروهای انتظامی، دادگاه‌ها و زندان‌ها و غیره است. در ضمن برای رفع اغتشاش بهتر است واژه «دولت» را در ترجمه‌ی State بکار نبریم و آنرا به فراخور «کشور»، «ایالت» یا «حکومت» ترجمه کنیم.

لذا آنچه من در این بحث به عنوان «دولت» بکار می‌برم معنایش نه State که اساساً «دستگاه بوروکراسی» است. من واژه «حکومت» را در این بحث صرفاً برای نیروی کنترل‌کننده‌ی نهادهائی در نظر گرفته‌ام که «قدرت اعمال قهر» را در انحصار خود دارند.

به زبان دیگر آنچه که در زبان جاری «بخش عمومی»

هرگز وجه عمده و تعیین کننده در سیاست نیستند. محتوای اصلی فعالیت سیاسی قطعاً مبارزه است، گسردآوری نیرو است، اعمال قدرت است، اعمال قدرت به اشکال مختلف.

هنر رهبری سیاسی

این‌که معنی «مردم‌سالاری» چیست و چرا این گذر برای ایران ضروری است، را من در سخنرانی‌های قبلی، در کنفرانس ایران در آستانه‌ی سال دو هزار در لندن و در کنفرانس کانون دفاع از دموکراسی در ایران در نیویورک مفصلاً مورد بحث قرار داده‌ام. بحث من امروز روی مسائل و الزامات گذار از استبداد به دموکراسی متمرکز است.

در حال حاضر استبداد بر کشور حاکم است و ما می‌خواهیم این وضع را تغییر دهیم. یعنی می‌خواهیم دموکراسی را جای‌گزین آن سازیم. علت این‌که ما نمی‌توانیم فعلاً این خواسته را برآورده کنیم این نیست که ما برای دولت جای‌گزین و نخستین اقدامات پس از کسب قدرت برنامه نداریم، علت اصلی توازن نیروست. گذر به مردم‌سالاری در تناسب قوای موجود غیر ممکن است، برای گذر ضرورتاً باید حاکمیت استبداد ضعیف‌تر و نیروی جبهه‌ی دموکراسی قوی‌تر از امروز باشد.

آقای نریمان گفتند: ما باید بخواهیم که حکومت به برگزاری رفراندوم برای تعیین نظام تن دهد. آقای شریعتمداری پاسخ می‌گوید: این‌ها رفراندوم را برگزار نخواهند کرد. ما باید خواهان برگزاری انتخابات مجلس و کسب حق شرکت در آن باشیم.

اما به برداشت من رژیم مسلماً نه به رفراندوم تن می‌دهد و نه به شرکت ما در انتخابات، اما طرح و پی‌گیری کدام این خواسته‌ها می‌تواند در تناسب قوای موجود اثر کند و تمام هنر سیاست در تشخیص این نکته است. که کدام خواسته حتی یک سروزن به سود ما و به زیان استبداد حاکم عمل می‌کند چه گونه می‌توان تشخیص داد که کدام پاسخ درست و کدام زیان‌بار است؟ معیار من در این تشخیص آنست که سیاست مذکور تا چه میزان ظرفیت آن را دارد که در جبهه حاکمیت استبداد شکاف و در میان نیروهای هواخواه دموکراسی هم‌گرایی ایجاد کند. تمام هنر سیاست در درست دیدن و درست پاسخ گفتن به همین مسأله است.

تجربه‌ی گذشته

۱۵ سال پیش بحث اقلیت و اکثریت در سازمان ما بحث تحلیل حاکمیت بود. ما می‌گفتیم نیروی غالب در حاکمیت خرده‌بورژوازی است و تا حد معین می‌تواند مبارزه‌ی ضدامپریالیستی را پیش ببرد. آنها می‌گفتند در حکومت بورژوازی غالب است و با امپریالیسم به سازش می‌رسد. اما اشکال در تحلیل اکثریت آن نبود که اقلیت می‌گفت. حکومت اسلامی نه غرب‌گرا بود و نه با بورژوازی بیش از خرده بورژوازی مربوط بود. اشتباه مضمونی هر دوی ما این بود که تمایلات ضدامپریالیستی، «نه آزادی‌خواهانه را» میناگرفتیم. به علاوه به توجه ما هر دو صرفاً روی تحلیل شناخت رابطه‌ی حکومت با طبقات اجتماعی معطوف بود. ما روی شناخت و تحلیل خود دستگاه حاکم، روی کالبد شکافی رژیم اصلاً کار نکردیم. نیت هر دو البته قبل از همه

«تلاشگران جامعه‌باز» میزگردی در ۲۸ سپتامبر تحت عنوان «اپوزیسیون و گذار به مردم‌سالاری» در شهر فرانکفورت برگزار کرد و از چند تن از جمله رفیق فرخ نگهدار برای سخنرانی دعوت بعمل آورد. متن زیر سخنرانی ایشان در این میزگرد است.

با سلام به حضار محترم و با تشکر از زحمات ارزشمند انجمن تلاشگران جامعه‌باز، به ویژه آقای چرن‌دابی که ریاست جلسه را بر عهده دارند صحبت خود را با یاد دکتر نجیب‌الله، دوست دیرین خود و مبارز پی‌گیر راه مصالحه‌ملی و نجات مردم افغانستان از گرداب جنگ و مصیبت سخن خود را آغاز می‌کنم. شیوه‌ی هولناک اعدام او و سمیل سرنوشت تلخ یک ملت و نشان ماهیت خونفک کسان‌ست که اکنون به قدرت خزیده‌اند. من این رویداد تلخ را شاهد بحثی گرفته‌ام که امروز قصد طرح آن را دارم:

موضوع سیاست موضوع قدرت است

ما در دنیائی زندگی می‌کنیم که در آن آدم‌کشان طالبان سیاست دکتر نجیب‌الله را همراه با پیکر خون آلوده‌اش دیروز در کابل بی‌رحمانه به‌دار آویختند، دنیائی که در آن مشی یلتسین بر مشی گارباچف و راه ننانیاهو بر راه اسحاق رابین غلبه کرده است. دنیائی که در آن معیار واحد برای سنجش «ارزش‌ها» وجود ندارد، و علم و عقل و اخلاق و منطق ظرف‌هائی هستند که هر کس متاع خود را در آن ریخته است. دنیائی که در آن این که چه چیز «خوب» یا چه چیز «بد» است را حد قدرتی تعیین می‌کند که از زور سلاح، زور پول یا زور دانش تو برخاسته است.

در این سال‌های شکست، در شرایطی که چه دوران‌سازترین انقلاب قرن یعنی انقلاب اکتبر، چه توده‌ای‌ترین انقلاب قرن یعنی انقلاب بهمن و چه ماجراجویانه‌ترین انقلاب قرن یعنی انقلاب ثور به سلطه‌ی سایه‌ی، به سلطه‌ی دزدی و غارتگری انجامیده است، در شرایطی که مبارزان راه رهنائی بشریت شکست پشست شکست را تحمل کرده‌اند این احتمال بسیار است که ما حتی در تشخیص معنای لغاتی که سال‌ها با آن‌ها زندگی کرده‌ایم نیز دستخوش تردید شویم.

در این‌جا از ضرورت تحمل و مدارا صحبت می‌شود، در این‌جا از نیاز کشور ما به وفاق ملی، از ضرورت تشکیل یک دولت ائتلافی فراگیر، از ضرورت اتحاد وسیع همه‌ی ایرانیان صحبت می‌شود از حکومت شاه انتقاد می‌شود که نه ترمز داشت و نه دنده‌ی عقب. این‌ها همه نشانه‌ی یک روحیه است. روحیه‌ای که در آن وجه سازش، وجه هم‌کاری، وجه انعطاف و عقب‌نشینی کوتاه آمدن از خواسته‌ها وجه عمده و گاه تمام هنر سیاست تلقی می‌شود.

این روحیه را مقایسه کنید با فکری که «جنگ» را ادامه سیاست اما با وسایل دیگر تلقی می‌کرد، روحیه‌ای که تمام اصطلاحات و مفاهیم رایج در ارتش را در فرهنگ سیاسی رواج می‌داد، روحیه‌ای که «سیاست» که در آن تماماً «رزم» است، پیکار است، رویارویی است، فکری که از واژه‌های هم‌کاری، عقب‌نشینی و سازش را معادل خیانت و انحراف و ضعف می‌بیند.

فراموش نکنیم که همیشه و همه جا موضوع سیاست موضوع قدرت بوده و هست. عمر سیاست زمانی به پایان می‌رسد که عمر زور به پایان رسد. در سیاست وجه سازش، تحمل، عقب‌نشینی، ائتلاف و غیره البته مطرح‌اند. سیاست بدون این به اعتقاد من، اساساً وجود ندارد. اما این مفاهیم

شناخته می‌شود اساساً دو بخش است. یکی دستگاه‌هایی است که «قدرت اعمال قهر» (و یا به قول محافظه‌کاران ارگان‌های حافظ نظم و قانون را در انحصار خود دارند). دیگری بخشی است که یک رشته خدمات عمومی را ارائه می‌دهد. مثل شهرداری‌ها، اکثر وزارت‌خانه‌ها، تفکیک این دو بخش از این زاویه نیست که اولی نهاد قدرت است و دومی نیست. درست برعکس، در جامعه‌ی صنعتی مدرن هر دو بخش نهاد قدرت‌اند.

تفاوت آن دو در جامعه‌ی مدرن در نوع و شیوه‌ی اعمال قدرت است. به خصوص این بسیار مهم است که توجه کنیم که سیر پیشرفت و تکامل جامعه‌ی صنعتی گام به گام آن را پیش‌تر و بیش‌تر بوروکراتیزه می‌کند. سبوری که آشکارا تناسب قدرت میان ارگان‌های اعمال‌کننده‌ی قهر و سایر ارگان‌های بخش عمومی را به تدریج به سود دومی تغییر می‌دهد.

وقتی من در این‌جا از «قدرت» صحبت می‌کنم، البته منظورم صرفاً «قدرت اعمال قهر» نیست. منظور قدرت کنترل، تصمیم‌گیری، تأثیرگذاری و تغییر است. سیر زمان تأثیر و نقش مراکز اعمال قهر را (نسبت به تأثیر و نقش سایر نهادهای بخش عمومی) در عرصه‌ی مدیریت اجتماعی کاهش داده و می‌دهد. هر چه قدر جامعه عقب مانده‌تر باشد، قدرت سیاسی پیش‌تر از لوله‌ی تفنگ بیرون می‌آید. به علاوه خطاست هرگاه تصور شود که «قدرت سیاسی» صرفاً پدیده‌ایست در انحصار دولت و حکومت. در یک جامعه‌ی مدنی و مدرن بخش عمده‌ای از قدرت سیاسی در خارج از حیطه‌ی کنترل و تسلط دستگاه‌های دولتی و حکومتی قرار دارد. در آمریکا قدرت‌مندترین محافظ قدرت مالی و صاحبان بزرگ‌ترین کورپوریشن‌ها قدرت سیاسی را کنترل می‌کنند. در آمریکا مرکز کنترل، تصمیم‌گیری، تأثیرگذاری و تغییر به میزان زیاد خارج از دستگاه اداری کشور قرار دارد. در اروپا نیز نهادهای جامعه‌ی مدنی بسیار نیرومندند. در اروپا نه فقط مراکز قدرت‌مند مالی - صنعتی که سازمان‌های اجتماعی، احزاب و اتحادیه‌ها، کلیسا، گروه‌های فشار و غیره هر یک در حد معینی بر روندهای کنترل، تصمیم‌گیری، تأثیرگذاری و تغییر نقش دارند. در جامعه‌ی صنعتی مدرن قدرت سیاسی برآیند پیچیده‌ای از تأثیر و تأثر همه‌ی این نیروهاست.

در ایران ما اکنون نزدیک به یک قرن است که ما شاهد پروسه‌ی پیدایش و رشد مستمر ارگان‌های دولت مدرن هستیم. تمام حکومت‌ها قطع نظر از ترکیب و برنامه‌ی آن‌ها همه در جهت بسط دستگاه بوروکراسی، در جهت گسترش عرصه‌های تصدی دولت گام برداشته‌اند.

در ایران تاکنون مطالعات تاریخی بسیار در زمینه‌ی بررسی روند تکوین و تکامل دولت مدرن صورت گرفته است. با این حال جای آن هست که برای ردیابی نقش ارگان‌های اعمال قهر در کل ارگان‌های قدرت سیاسی تفحص بیشتر به عمل آید. آنچه من از این پروسه دریافته‌ام حاکی از آن است که گرچه در ایران هنوز تسلط بر نهادهای اعمال قهر مثل ارتش و سپاه و وزارت اطلاعات و قوه‌ی قضائیه برای کنترل قدرت سیاسی، برای تسلط بر اهرم‌های سیاست‌گذاری و تغییر حیاتی است. باین حال این تسلط به خصوص در روندهای میان مدت و دراز مدت نه تنها یگانه منبع قدرت نیست بلکه در عرصه‌های معین حتی نمی‌توان گفت که تعیین‌کننده است. در ایران عملاً این‌طور نیست که تمام قدرت سیاسی از لوله‌ی تفنگ بیرون بیاید. در ایران قدرت سیاسی، به خصوص در پروسه‌های طولانی‌تر عملاً برآیند پیچیده‌ای از نقش و تأثیر «دستگاه‌های اعمال قهر و سرکوب» و «دستگاه بوروکراسی» و نیز «نهادهای جامعه مدنی» است.

بخش دوم در شماره بعد

سریع‌السر مادرید به سویلا را بسازند. اشیپگل: بنابراین شما در وجود اتحادیه اروپا یک گام مهم به سوی جهانی شدن می‌بینید؟ تورو: بله، این منطقی است که اتحادیه به آرامی خود را به سمت شرق گسترش دهد. به گمانم اروپایی‌ها زمانی بتوانند با کشورهای شمال آفریقا بر سر پیمان‌ی به تظاهر برسند. در زمان امپراتوری روم یا قرون وسطی - سده ۵ تا ۱۵ - بخش جنوبی دریای مدیترانه جزئی از اروپا به حساب می‌آمد. پس من فکر می‌کنم اروپا در روند جهانی شدن نقش مهمی بازی خواهد کرد. اشیپگل: حالا می‌فهمیم که چرا حامی خوش‌بینان اروپا هستید.

تورو: آدم خیلی راحت فراموش می‌کند که در اروپا ۷۰۰ میلیون نفر زندگی می‌کنند و آن تقریباً به بزرگی چین است با نکات مثبت قابل توجه. اروپا از شبکه ارتباطی خوب و تکنیک فراوان برخوردار است. در هیچ کجای دنیا به اندازه‌ی اروپا اینهمه انسان خوب آموزش‌دیده وجود ندارد، اروپا همه آنچه را که برای یک اقتصاد موفق ضروری است، دارد.

اشیپگل: آیا اروپایی‌ها سیاست درست استفاده از آن را هم دارند؟ تورو: در بلند مدت من خوش‌بین هستم. در حال حاضر همگرایی اروپا در مرحله‌ای گیر کرده که من آن را «بی‌خطی» می‌نامم - دو گام به پیش، یکی به عقب و یکی به حاشیه.

اشیپگل: قرارداد ماستریخت دوگام به پیش بود؟ تورو: قرارداد دو گام به پیش بود اما اکثریت ضعیف طرفداران قرارداد در مجلس ملی یک گام به عقب بود. گام حاشیه‌ای، بحث بر سر این موضوع است که کدام کشور خواهان پول واحد اروپا - اِکو - است. بالاخره اروپا به پول واحد خواهد رسید زیرا آن نتیجه منطقی روند است. تبدیل مداوم ارز میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا حرام کرد پول است.

بقیه در صفحه ۸

اشیپگل در مصاحبه با لیستر تورو

ما سیستم را امتحان می‌کنیم

برگردان: ع - نوید

مقدمه

لیستر تورو از تئوریسین‌های سرشناس اقتصاد سرمایه‌داری است. تحقیقات او در عرصه اقتصاد جهانی راه‌نمای عملی برخی از دولت‌هاست. تورو در میان اقتصاددانان آمریکا به منتقد نئولیبرالیسم اقتصادی معروف است. بخشی از فعالیت اقتصادی وی به بررسی بحران‌های اقتصادی جهان اختصاص دارد. یکی از کتاب‌های مهم وی «آینده سرمایه‌داری» است که در پایان سال ۹۵ نوشته است. تورو در مصاحبه با «اشیپگل» از رقابت جهانی سرمایه‌داری و تأثیر آن بر جامعه سخن می‌گوید. اظهارات تورو بیانگر آن است که سرمایه‌داری هم‌زمان با رشد تمدن مادی، تمدن معنوی بشریت را به تدریج نابود می‌کند، انسان‌ها را از متن جامعه به حاشیه می‌راند و غیرانسانی تراز گذشته، برای حل بحران‌های خود و رسیدن به سود مطلوب میلیون‌ها انسان را بیکار می‌کند و در این راه مرز ممنوعه‌ای برای خود نمی‌شناسد.

اشیپگل: آقای تورو، همه از جهانی شدن اقتصاد صحبت می‌کنند. آیا کسی با قواعد بازی آشناست؟ تورو: به گمانم این یکی از مشکلات ماست. در سده ۱۹، امپراتوری بریتانیا برای جهان نظم تعیین می‌کرد. در قرن بیستم این کار را آمریکایی‌ها انجام می‌دادند. در قرن بیست و یکم کسی نظم تجارت جهانی را مشخص نمی‌کند. به اختلافی که میان آمریکایی‌ها و چینی‌ها بر سر حق امتیاز - لیسانس - به وجود آمده است نگاه کنید. در یکن می‌توانید نرم‌افزارهای آمریکایی را که صدها هزار مارک ارزش دارند، با صد دلار بخرید. معلوم است که ما

هم نمی‌توانیم به همین سادگی تو سر چینی‌ها بزینیم و بگویم شما باید ضوابط ما را مراعات کنید. اشیپگل: آمریکایی‌ها مایلند در مسئله کوبا، ایران و لیبی توی سر اروپایی‌ها بزنند. تورو: این، یک مثال مناسبی است که نشان می‌دهد یافتن تفاهم بر سر ضوابط تجارت جهانی تا چه اندازه دشوار است. در دوران خوش گذشته، آمریکایی‌ها خیلی راحت می‌گفتند این قوانین ماست و همه باید خبردار بایستند و به آن عمل کنند. ما الان در جهان زندگی می‌کنیم که ضوابط، روشن فرموله نشده‌اند. اشیپگل: اگر هیچ نظمی وجود ندارد، سخن گفتن از جهانی شدن - اقتصاد گرافه‌گویی بزرگی نیست؟ تورو: بخش وسیعی از اقتصاد جهانی پایه‌ریزی شده است؛ بخش بازار کار را در نظر بگیرید. تا حدود وسیعی جهانی شده است، اگر چه خیلی از رفت و آمدها در مرزها غیرقانونی هستند. کشاورزی خیلی ناچیز شده و بخش خدمات تا حدودی، اما بازار سرمایه واقعا جهانی شده است و روند رشد آن غیرقابل توقف است.

اشیپگل: به دلیل تکنیک جدید؟ تورو: دقیقاً، تا زمانی که آدم مجبور بود در یک گونی بسته‌های پول را از ایتالیا به سوئیس بفرستد، دولت ایتالیا می‌توانست خروج سرمایه‌ها را کنترل کند، اما حالا دیگر وقتی که شما می‌توانید با کامپیوتر خود مبلغ دلخواهتان را جابه‌جا کنید چنین کنترلی ممکن نیست. کنترل باشد و یا نباشد، تفاوتی نمی‌کند. اجرای آن و جلوگیری از جابه‌جایی پول ممکن نیست. اشیپگل: آیا با روند جهانی شدن اقتصاد دولت‌های ملی و نهادهای کنترل خود را بر تحولات اقتصادی از

فاجعه تکرار می‌شود:

مرگ آرال - مرگ خزر

آبی دریای خزر رویه مرگ است. شاید فردا با مرگ بزرگ‌ترین دریاچه جهان در ایران، دیگر زیست بومی با ویژگی‌های موجود در شمال کشور وجود نداشته باشد. بی پروایی انسان در گسترش آلودگی‌های زیستی، طبیعت را به مخاطره انداخته است و در ایران و کشورهای کناره‌های دریای خزر آشناترین عبارت در نزد کارشناسان زیست محیطی «مرگ آبی خزر» است.

نگاهی به آمارها: میلیون‌ها لیتر پس‌آب‌های خانگی و صنعتی، هزاران متر مکعب آلودگی‌های نفتی و... چنگال‌های مرگ بر گلوی خزر هستند. کارشناسان محیط زیست معتقدند، عدم رعایت اصول اولیه محیط زیست دریایی از سوی کشورهای حاشیه دریای خزر، ناقوس نابودی نسل آب‌زیان این دریاچه را به صدا درآورده است.

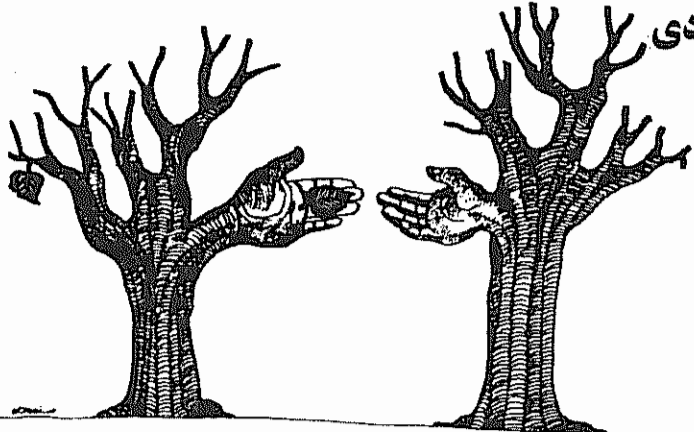
در پستری دریای خزر ۱۱۴ گونه، ۶۳ زیرگونه و ۱۴ نژاد ماهی وجود دارد که تأثیر قابل توجهی در اقتصاد ملی کشورهای حاشیه آن دارد. دریای خزر با ۴۶۰ هزار کیلومتر مربع مساحت بزرگ‌ترین دریاچه درون قاره‌ای جهان، در فرورفتگی‌های شمال شرقی رشته کوه قفقاز و شمال رشته کوه‌های البرز قرار دارد. این دریا بخش بزرگی از مرز مشترک ایران و کشورهای تازه استقلال‌یافته را تشکیل می‌دهد و ۴۴ درصد از آب دریاچه‌های جهان را در خود جای داده است.

سیدمحمد سعید حسینی مدیرکل حفاظت محیط زیست ایران می‌گوید: اکتشاف نفت طی سال‌های گذشته در جمهوری‌های قزاقستان و آذربایجان با وجود سامان‌دهی نسبی به اقتصاد این کشورها، منشأ آلودگی‌های مهم دریاچه خزر بوده است. وی می‌افزاید: انواع آلاینده‌های نفتی و شیمیایی جمهوری‌های روسیه، آذربایجان و قزاقستان توسط چرخه عمومی دریای خزر که در جهت معکوس عقربه ساعت در گردش است به آب‌های جنوبی این دریای بسته رانده می‌شود. به گفته وی ۹۵ درصد از فاضلاب‌های هدایت شده از استان‌های مازندران و گیلان به دلیل نبود دستگاه تصفیه به دریای خزر می‌ریزد. این فاضلاب‌ها مملو از نئیدروکربورهای کلره و فلزات سنگین است. این نوع آلودگی‌ها از ترکمنستان نیز به سوی این دریاچه هدایت می‌شود.

کمیته محیط زیست و اکولوژی جمهوری آذربایجان اخیراً طی گزارشی اعلام کرد، شرایط زیست محیطی به ویژه از سواحل این جمهوری تا شعاع ۱۲ کیلومتری آب‌های دریای خزر به کلی از بین رفته است. به گفته این کمیته سالانه حدود ۲۰۰ میلیون متر مکعب فاضلاب تصفیه نشده به طور مستقیم از منطقه باکو وارد دریای خزر می‌شود که حاوی ۲۸ هزار تن مواد معلق، ۱۰ هزار تن مواد نفتی و یک میلیون تن

محیط زیست

خاک‌سبز کلاردشت با در راه نابودی



جنگل‌های منطقه کلاردشت از بین می‌رود و مراتع نیز به نابودی کشیده می‌شود.

واسطه‌ها و سودجویان در کلاردشت با ترفندهای مختلف زمین‌های منطقه را از زان از دست مالکان روستایی آن خارج کرده‌اند. منطقه ییلاقی کلاردشت در ارتفاع ۹۵۰ متری از سطح دریای خزر در دامنه‌های شمالی قله‌های تخت سلیمان و علم‌کوه در غرب مازندران واقع شده است. این منطقه دنج و آرام به دلیل داشتن یخچال‌های طبیعی و چشم‌اندازهای سرسبز و دریاچه زیبای ولشت از سوی مشتاقان طبیعت به پشت گمشده اشتباه یافته است.

وجود مواهب طبیعی سرشار در کلاردشت به‌ویژه از سال ۱۳۶۹ به تدریج مورد توجه برخی از سودجویان قرار

موازیان آور و سعی است. به گفته کمیته ایالتی دریای خزر در جمهوری آذربایجان، از سال ۱۹۸۹ تاکنون میزان مواد نفتی هدایت شده از این منطقه به دریای خزر به بیش از ۲۳ برابر افزایش یافته است. اهمیت اقتصادی دریای خزر تا سال ۱۳۲۶ شمسی تنها به کشتی‌رانی، ماهی‌گیری به ویژه صید ماهی‌های خاویاری معطوف بوده است ولی از سال ۱۳۲۹ شمسی با کشف ذخایر عظیم نفت و گاز در جمهوری‌های آذربایجان و قزاقستان جایگاه اقتصادی این دریاچه ویژگی بیشتری یافت. بهره برداری از صدها حلقه چاه نفت در میدان نفتی منطقه نفت‌یابی کامنی و نیز استخراج نفت از سفره‌های نفتی منطقه تنگیز جمهوری قزاقستان که حدود ۲ میلیارد بشکه تخمین زده شده، سهم عمده‌ای در بر هم زدن تعادل محیط زیست دریایی خزر داشته است. کارشناسان زیست محیطی می‌گویند، ورود سالانه ۴۰ میلیارد متر مکعب فاضلاب‌های صنعتی از طریق رودخانه ولگا که دریای خزر، بیماری ماهی‌ها و پرهیز آن‌ها از تخم‌ریزی و مهاجرت به رودخانه‌ها را افزایش داده است.

بررسی‌های انگل‌شناسی در موردهای ماهی‌های خاویاری اخیراً نشان داد که در صید پاییزه قره‌بورون (ماهی‌های خاص حوزه جنوبی) از هر ۵۶ قطعه ۶۱ درصد و در صید بهاره این‌گونه از هر ۵۷ قطعه ۹۵ درصد به آلودگی‌های انگلی مبتلا هستند.

به گفته کارشناسان تحقیقات شیلات مازندران، این انگل‌ها دارای یک تا ۴ ملی متر طول و ۱/۵ تا ۰/۴۵ میلی‌گرم وزن هستند. کاهش شدید اکسیژن در آب‌های دریای خزر و رودخانه‌های منتهی به آن باعث شده تا برخی ماهی‌ها نظیر ماهی آزاد در پستری طبیعی خود به انقراض نسل تهدید شوند و تداوم زندگی برای این گونه‌ی ارزشمند فقط با روش تکثیر مصنوعی میسر شود.

سازمان (ای.امو) وابسته به سازمان ملل به دلیل وجود بیش از حد مجاز آلاینده‌های نفتی و غیر نفتی در دریای خزر اخیراً این دریا را در فهرست آب‌های آلوده جهان قرار داده است.

کارشناسان معتقدند: با ادامه این روند دریای خزر در آینده نه چندان دور توسط همسایگان خود به یک دریای مرده و بی‌ارزش تبدیل خواهد شد.

به گفته کارشناسان زیست محیطی، بخش بزرگی از لاروها و بچه ماهی‌های رها شده در دریای خزر به علت افزایش تغییرات محیطی در این دریا به ثمر نمی‌رسند و این امر سالانه میلیاردها ریال زیان به منابع ملی کشور وارد می‌سازد.

خلیج فارس دارای یکی از آلوده‌ترین آب‌های دنیاست

خلیج فارس به علت وجود آلودگی‌های نفتی و صنعتی یکی از آلوده‌ترین آب‌های دنیا شناخته‌شد.

به گفته کارشناسان محیط زیست، مواد نفتی و فاضلاب‌های مربوط به واحدهای صنعتی بیشترین حجم آلودگی در خلیج فارس را تشکیل می‌دهند.

با توجه به موقعیت جغرافیایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در منطقه، طی دهه‌های اخیر، خلیج فارس به یکی از مهم‌ترین و متأسفانه آلوده‌ترین آبراه‌های بین‌المللی تبدیل شده است.

هم‌اکنون در ۶ دقیقه یک و در هر روز حدود ۱۰۰ کشتی نفت‌کش بزرگ در این منطقه تردد دارند و در حدود ۶۰ درصد حمل و نقل دریایی نفت در جهان از طریق این آبراه صورت می‌گیرد.

کارشناسان معتقدند که در شرایط عادی با این حجم ترافیک، حدود ۵ میلیون بشکه آب آلوده به همراه مواد نفتی وارد این دریا می‌شود. علاوه بر این سالانه مقدار زیادی مواد نفتی از طریق فعالیت‌های حفاری و اکتشافات در این خلیج می‌ریزد.

فاضلاب‌های شهری و صنعتی که تعداد آن‌ها از حد مجاز بالاتر است، نیز مزید بر علت شده و سطح آلودگی در

گرفت و معاملات زمین در منطقه به صورت سرپایی، غیررسمی، و ویدیویی رواج یافت. کشاورزان می‌گویند: سودجویان و دلالان زمین به کشاورزان محروم منطقه وعده‌های فریبنده می‌دهند و قصد دارند که اراضی شهری و روستایی این منطقه را برای ساختن شهرک‌ها و ویلاها قطعه‌بندی کنند.

منطقه را افزایش می‌دهند. عوامل جغرافیایی مانند کندی‌جایی آب، عمق کم، تبخیر زیاد نیز در بالا رفتن مقدار آلودگی دخالت دارد.

مسائل ژئوپلیتیکی مانند جنگ کویت با عراق و جنگ ایران و عراق نیز به نوبه خود منجر به ایجاد آلودگی در منطقه خلیج فارس گردیده است.

کارشناسان عقیده دارند اثرات نامطلوب ناشی از آلودگی‌های نفتی و صنعتی که شامل مواد شیمیایی غیر قابل تجزیه از قبیل فلزات سنگین می‌باشند زمینه نابودی موجودات ذره‌بینی را که غذای اصلی جانوران دریایی به خصوص ماهی‌ها و میگوها هستند را فراهم کرده‌اند.

یکی از کارشناسان محیط زیست بوشهر می‌گوید: تجمع فلزات سنگین و پایدار در آب و بدن آب‌زیان می‌تواند برای انسان نیز خطر آفرین بوده و باعث نابودی موجودات کفزی و کاهش اکسیژن محلول در این آب‌ها شود که همین پدیده منجر به کاهش و تخریب پوشش گیاهی بستر دریا شده و باعث تغییر عمده در اکوسیستم منطقه می‌گردد.

لازم به تذکر است که خلیج فارس با ۹۹۰ کیلومتر طول در جنوب کشور قرار دارد و از طریق یک تنگه باریک به عرض ۵۶ کیلومتر به دریای عمان متصل می‌گردد. میزان تبخیر در این دریا ۱۴۲ و حجم آب ورودی ۵۳ سانتی‌متر در سال و مدت ماندگاری آب در خلیج فارس بین ۳ تا ۵ سال می‌باشد

کارگر آلمانی نیست. طبیعی است که گفته شود دستمزدها در چکسلواکی افزایش و در آلمان کاهش می‌یابند.

اشپیکگل: به این راحتی هم نیست. تورو: جان مطلب همین است. حتی اگر شما بگویید که در آلمان شرایط دیگری حاکم است. بالاخره این واقعیت دارد که چکسلواکی کنار آلمان است. در یک اقتصاد جهانی شده حتی چین هم بلاواسطه در کنار آلمان قرار دارد. و در آنجا ۱/۲ میلیارد چینی هستند که دستمزدهایشان مطمئناً به سرعت سایر نرخ‌ها افزایش نمی‌یابد. وقتی آدم با چینی‌ها به رقابت برخاست یا باید دستمزدها را کاهش دهد و یا میدان معامله را ترک کند.

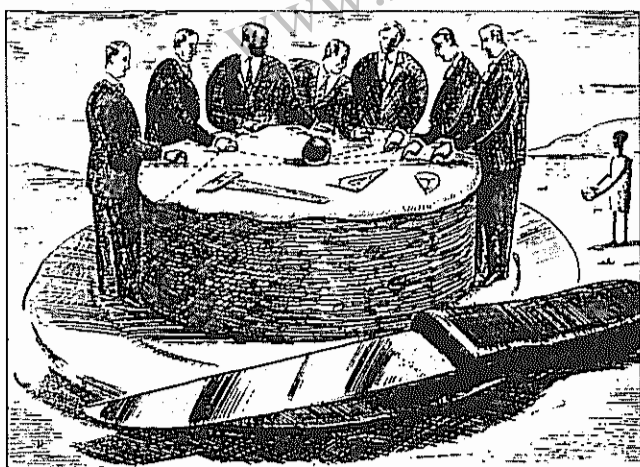
اشپیکگل: پذیرفتن آن خیلی دشوار است. تورو: من مطمئن هستم که انسان بنابه قاعده، زمانی ضرورت تغییر چیزی را درک می‌کند که گرفتار بحران شود. «ای. بی. ام» را در نظر بگیرید. یک سال پیش از بزرگترین بازدهی منفی، سود این شرکت ۶ میلیارد دلار بود. اگر در آن سال حتی خدا به دیدار رئیس «ای. بی. ام» می‌آمد و می‌گفت: گوش کنید آقای اکرز، من حقیقت را به شما می‌گویم. و از کوه پایین می‌آمد و به ۳۸۰ هزار نفر شاغل «ای. بی. ام» می‌گفت: گوش کنید جماعت، درست است که ما ۶ میلیارد دلار سود داشته‌ایم اما در ۱۲ ماه آینده همه چیز درهم خواهد ریخت، آیا کسی به گفته‌های او باور می‌کرد.

اشپیکگل: وقتی که موسی از کوه پایین آمد کسی او را باور نکرد. تورو: اگر تاریخ خوب خاطرم مانده باشد، او مجبور بود دوبار از کوه پایین بیاید دربار دوم آنها دچار بحران بودند. مردم میان صحرا گرسنه نشسته بودند.

اشپیکگل: جهانی شدن به معنی تشدید رقابت در عرصه جهانی است که شرکت‌ها را به جایگزینی نیروی انسانی با ماشین و ادار می‌سازد. آیا جهانی شدن برای افراد متوسط بد است؟

تورو: بستگی به محل زندگی دارد. اگر فرد در چین یا هندوستان کار کند، جهانی شدن برای او خوب است. اما جهانی شدن در کشورهای صنعتی - رشد یافته - هم می‌تواند به رشد بیشتر و اشتغال منجر شود. اگر دولت‌ها از ترس تورم بهره‌ها را بالا نبرند و با روی ترمز نگذارند، آدم می‌تواند انبوهی تلفن در چین بفروشد اما باید تولیدات نساجی چین را بخرد تا پولی برای خرید تلفن داشته باشند.

اشپیکگل: در واشنگتن دولت هم در تشویش خاطر و باور شما نسبت به موضوع جهانی شدن سهمی است؟ تورو: در جزئیات مطمئناً نه، مشکل این است و در آلمان هم نمی‌تواند غیر از این باشد که سیاستمداران همیشه می‌گویند بله ما این مشکل را در نظر داریم ولی فعلاً باید مشکلات مهم را برطرف سازیم، به سایر مشکلات سال دیگر برخورد می‌کنیم و سال دیگر هرگز نمی‌آید.



ما سیستم را امتحان می‌کنیم

بقیه از صفحه ۷

۲ تا ۳ میلیارد دلار در عرصه تحقیقات بیوفیزیک سرمایه‌گذاری کند. بعد از ۳۰ سال سرمایه‌گذاری گسترده دولتی، حالا یک شاخه مهم و بزرگ تولید ایجاد شده است.

اشپیکگل: پس به هر حال نهادهای دولتی هنوز هم نقش مهمی در اقتصاد - جهانی شدن بازی می‌کنند.

تورو: بسله، اینترنت را در نظر بگیرید که هر روز میلیارد‌های تازه می‌آفریند. انسانهایی که از نکات مثبت شبکه ارتباطات مدرن استفاده می‌کنند، اینترنت ابتدا به خواست

وزارت دفاع آمریکا بوجود آمد. وزارت دفاع آمریکا ۲۵ سال پیش تصمیم گرفت یک شبکه ارتباطی مطمئن الکترونیکی در برابر بمباران‌های اتمی بوجود بیاورد. ۲۰ سال تمام وزارت دفاع و ۱۰ سال موسسه ملی تحقیقات علمی برای دستیابی به آن سرمایه‌گذاری کردند. حالا از آن یک صنعت عظیم خصوصی بوجود آمده که از راه آن خیلی‌ها ثروتمند می‌شوند. اینجا هم ۳۰ سال سرمایه‌گذاری ضروری بود.

اشپیکگل: چطور می‌توانند دولت‌های ملی که گام به گام کنترل خود را بر اقتصاد از دست می‌دهند، چنین تحولاتی را در عرصه اقتصاد پیش ببرند؟

تورو: پاسخ این است که آنها شاید نتوانند کاری انجام دهند. سالخوردگان نمونه مناسبی برای امتحان هستند. در جامعه‌مان، ما به آنها وعده‌هایی داده‌ایم که با بالا رفتن شمار جمعیت آنها، نمی‌توانیم به وعده‌ها عمل کنیم. سوال این است که با این وعده‌هایمان چگونه کنار بیاییم. در سال

۲۰۲۵، انسانهای بالای ۶۵ سال در تعدادی از جوامع صنعتی ما، اکثریت جمعیت رای‌دهندگان را تشکیل خواهند داد. آدم چطور می‌تواند از تأمین خدمات کسانی که بزرگترین گروه انتخاب‌کنندگان را تشکیل می‌دهند، کم کند. اشپیکگل: این کار در یک نظام دموکراتیک دشوار خواهد بود.

تورو: آن باید انجام شود. وقتی دموکراسی نتواند عمل کند، شکل تازه‌ای از دولت بوجود خواهد آمد. اشپیکگل: فکر می‌کنید دموکراسی مشکلاتی را که پیش می‌آید نمی‌تواند حل کند.

تورو: جنبه نکت‌بار این مشکل، شکل‌گیری عملی آن است که آرام و به تدریج ولی پیوسته رشد می‌کند. در طول سالیهای طولانی شمار بیکاران در آلمان از ۲ میلیون به ۴

اشپیکگل: اگر در همه جای جهان دولت‌های ملی نفوذ و کنترل خود را از دست بدهند، چه پیش خواهد آمد؟

تورو: ما به سوی نوع تازه‌ای از سرمایه‌داری می‌رویم. یکی از علل آن آشکارا جهانی شدن اقتصاد است. علت دیگر آن است که عملاً قدرت غالب مسلطی وجود ندارد که ضابطه بگذارد و نظم تعیین کند. فروپاشی کمونیسم خیلی چیزها را تغییر داد. از جمله گذر از صناعی که بر مواد خام طبیعی متکی بودند به صناعی که بر یافته‌های ذهن انسان اتکا دارند: بیو تکنیک یا میکرو الکتروتکنیک. ما اولین جامعه‌ای در تاریخ انسان خواهیم بود که شمار سالخوردگان آن دست بالا را دارند.

اشپیکگل: پس کاپیتالیسم جدید چگونه خواهد بود؟ تورو: کسی دقیقاً نمی‌داند. من فقط می‌توانم به، جز به جز کردن نیروهایی بپردازم که محرکه ما به سوی چیزهای نو هستند. برای نمونه، مشکل حق صاحب امتیاز - مخترع و مبتکر - را در نظر بگیرید. در این عرصه ما باید بدون شک راه حلی بیابیم. این راه حل چگونه خواهد بود، نه شما و نه من هیچکدام نمی‌دانیم. راه حل هر چه باشد صنایع تولیدکننده نرم‌افزارها و بخش سرگرمی مشابه آنها از آن بی‌تأثیر نخواهند بود.

اشپیکگل: آیا صنایع تولیدکننده سرگرمی، جهانی شده‌اند.

تورو: فرهنگ در عمل قوی‌ترین صنعت جهان است. فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی مهم‌ترین صادرات ایالات متحده آمریکا هستند. آنها برای آمریکا دو برابر تولید هواپیما سود آوردند. در همین عرصه نیز آشکارا مشکلات جهانی شدن به چشم می‌خورد. فرانسوی‌ها می‌خواهند سهم فیلم‌های آمریکایی و تولیدات تلویزیونی آن در بازارهای جهانی از ۴۰ درصد تجاوز نکنند. چنین درخواستی از یک سو، یک خواست فرهنگی مشروع است از طرف دیگر قضیه، اقتصادی است. و در اقتصاد وقتی فیلم را بدون محدودیت نتوانی معامله کنی، اساساً نمی‌توان تجارت آزاد داشته باشی.

اشپیکگل: صنایع سرگرمی به هر حال نمی‌تواند بخشی غیرقابل جهانی شدن اقتصاد باشد.

تورو: نه. جهان جدید که بر روی آن ما در حرکتیم، از ما سرمایه‌گذاری بیشتر در عرصه تحقیقات و اختراعات می‌خواهد. داغ‌ترین عرصه‌های اقتصادی در ایالات متحده آمریکا بیوتکنیک و اینترنت هستند. این صنایع چگونه بوجود آمدند، در مورد بیوتکنیک چنین بود که فردی در پایان دهه پنجاه در انستیتوی تندرستی تصمیم گرفت سالانه

زنان

فراتر از مرزهای تمیز

برگردان: غزال



اقدامات متحجرانه و زن ستیز طالبان در افغانستان آن چنان، پلشت و کراهت آمیزند که همه محافل و نهادهای انسان دوست بین المللی را به واکنش برانگیخته است و رسانه‌های گروهی جهان را به بازتاب وسیع اخبار آن‌ها واداشته است. هفته نامه اشپگل نیز در شماره ۷ اکتبر خود گزارشی از حال و روز پریشان زنان افغانستان و نقض بی‌سابقه حقوق آن‌ها دارد که برگردان آن را در زیر می‌خوانید.

چند روزی است که خانم دکتر رشیده در محل کارش ظاهر نشده است، اگرچه او دیگر نباید ترسی از برخورد با نارنجک و یا مینی در سر راهش داشته باشد.

چنگجریان ریشوی عمامه به سر در خیابان‌ها مسانور می‌دهند. خانم رشیده، اما از آنها بیشتر از رگبار گروهبای رقیب که در طی ۴ سال در خیابانها می‌چنگیدند، می‌ترسد.

پس از ۱۷ سال جنگ داخلی در افغانستان، طالبان این مسلمانان پنیادگرا هفت پیش در تهاجمی برق آسار این کشور ویران حاکم شدند و صبح فردای تهاجم برقراری حکومت خدا تحت رهبری سرکرده خود، محمد عمر را اعلام کردند. حکومتی که تاثیر آن در زندگی رشیده بیشتر از جنگ بوده است.

ساعت پنج و نیم صبح بود که از مناره مسجد فرامین صادر شدند. فرامینی که برای رشیده، حکم مرگ را داشتند: «کار برای زنان ممنوع است» و «زنان برای خروج از خانه باید کاملاً خود را با چادر بپوشانند»

رشیده در زمان تسلط روسها بر افغانستان، در دانشگاه کابل تحصیل کرده بود. در زمان به حکومت رسیدن مجاهدین در سال ۱۹۹۲ که قدرت را از دست مسئولان وابسته به روسها درآوردند، رشیده رز لب و شلوار چین خود را در کمده لباسش مخفی کرد، ولی شغل او تاکنون که ۴۰ سال دارد، در امان مانده بود.

او با دامن و بلوزی بی‌آستین و یک روسری که کاملاً آزاد روی سرش بود، قربانیان بمب و مین، کودکان سوءتغذیه‌ای و زنان بیمار کم‌خون را مداوا می‌کرد و هیچکس به حضور او اعتراض نمی‌کرد. به ذهن رشیده هرگز خطور نمی‌کرد، روشنفکران افغانی به این تصمیم برسند که در دسته‌های هزارنفری سرزمین هندوکش را ترک کنند.

ولی از زمانیکه طالبان کابل را محاصره کردند و رژیم استبدادی، مردم و بیش از همه زنان را ترور می‌کنند، فکر فرار و خودکشی بارها به ذهنش خطور کرده است: «آن هنگام که خفقان بهای صلح باشد، برای من چنین صلیحی برابر با مرگ است» روزهای متمادی او پای رادیو نشست و به برنامه‌های جدید گوش داده است. حتی موزیک را نیز این عمامه به سرهای ریشو ممنوع کرده‌اند.

تنها اخبار شوم است که از رادیو پخش می‌شود. گوینده اخبار خیر می‌دهد. «ش زنی به دلیل پوشش غیراخلاقی - خود را کاملاً با چادر نپوشانده بودند - در جلوی وزارت خارجه به شدت تنبیه شدند. پاسداران برای اینکه مبادی آداب بودن خود را بنمایانند، ضربات شلاق را تنها بر صورت و پشت زنان وارد می‌آورند! همین حادثه را پرستاران زن در بیمارستان رشیده تجربه کرده‌اند.

مردان از هم‌اکنون ۳۵ روز فرصت دارند با اصلاح نکردن صورت خود دارای ریش شوند. مالا ماصم هستند هر کسی را که ۵ بار در روز در مسجد نماز نگذارد تحت پیگرد قرار دهند. ورزش با شورت کوتاه برای پسران جوان ممنوع شده است. مدارس دخترانه نیز بر روی دختران بسته شده است.

رشیده سعی می‌کند از طریق ارتباط رادیویی با دنیای خارج و به

وسیلای کار در خانه از درهم شکستن خود جلوگیری کند. او بلوزهای ابریشمی رنگین و دامن‌های گلداز خود را که دیگر برای بیرون رفتن نمی‌تواند بپوشد، می‌شوید. خانه را نظافت می‌کند. خانه‌ای که او، خواهران و برادرش زندگی می‌کنند. در این خانه ۱۲ نفر با درآمد او زندگی می‌کنند. رشیده حاضر به انجام هر کاری بوده تا خواهرزاده‌اش به آرزوی خود برسد. او می‌خواست مهندس شود تا کشورش را آباد کند. اکنون به نظر می‌رسد که این امید بر باد رفته است. مدارس بسته شده‌اند و معلمین زن اخراج شده‌اند.

رشیده می‌پرسد: «چطور می‌تواند یک کشور آینده داشته باشد در حالیکه زنانش بدینگونه تحقیر می‌شوند؟»

تا دوسال قبل طالبان شناخته شده نبودند. تازه از پایان سال ۱۹۹۴ بود که یک گروه مخفی از مجاهدین جوان از طایفه پشتوها اولین عملیات خود را آغاز کردند و خیلی زود خود را در غالب چنگجریان حرفه‌ای نشان دادند. ظاهراً این ارتشیان بنیادگرا در مدارس پاکستان بیشتر از آنکه قرآن آموخته باشند، آموخته‌اند که چگونه توپ و تانک و اسلحه را بکار گیرند.

از زمانی که این مسلمانان متعصب اولین ایالت را فتح کردند هیچ شبه‌ای باقی نگذاشتند که هرچا طلبه‌های قرآن حاکمند هیچ زنی جرئت نمی‌کند بدون چادر جلوی خانه ظاهر شود.

سینما و کنسرت در زمره وسائل اغوا کننده‌ای که از جانب غرب و عوامل آن حمایت می‌شوند، تلقی شده و از اینرو ممنوع گردیدند. فیلمبرداری (عکسبرداری) نیز مردود شناخته شده است، زیرا اسلام تصویر سازی را ممنوع کرده است.

شرع - حقوق اسلامی - قدرت را بدست گرفته است. زنا کاران در ملا عام سنگسار می‌گردند، دست و پاهای دزدان قطع می‌شوند. رهبران جدید تلاش می‌کنند که اسلام اصیل را پیاده کنند. یک حکومت اسلامی برای تمام مسلمانان جهان. در مقابل آنها ملاحای ایران لیبیرال به نظر می‌رسند. در هرات در نزدیکی مرز ایران، تحصیل کرده‌های افغانی دخترانشان را برای تعلیم و تربیت به آنطرف مرز - ایران - می‌فرستند.

زنان تحصیل کرده و با اعتماد به نفسی چون رشیده که سالها معتقد به اسلام بوده‌اند، بدنبال قوانین اسلامی که به زور و تهدید پیش برده می‌شوند، به اعتقادات خود مشکوک شده‌اند: اگر این به معنی اسلام اصیل است پس من مدتیا است که مسلمان نیوده‌ام.

نگران از اینکه طالبان مسلمانان کشورهای روسیه و آسیای میانه را نیز تحت تاثیر خود قرار دهند، رهبران این جمهوری‌ها برای مقابله با نفوذ بنیادگرایی در میان اکثریت مسلمان کشورهایشان و برای رویارویی با تحولات اخیر افغانستان جمعه گذشته با یکدیگر دیدار کردند. وزیر خارجه پاکستان آصف احمد علی در عوض حاکمان جدید کابل را با عنوان «مردان خدا ترس» و «معتقد به اسلام»

گوناگون

الخلیل

شهر الخلیل که اسرائیلی‌ها آن را هیرون می‌نامند از موضوعات اصلی کشمکش اخیر دولت راستی اسرائیل با فلسطینی‌ها بوده است و همین امر این روزها به طرح مکرر نام این شهر در رسانه‌های گروهی جهان منجر شده است. الخلیل در ۳۰ کیلومتری جنوب بیت‌المقدس و در شمال غربی رود اردن واقع شده و با داشتن ۱۲۰ هزار جمعیت بزرگترین شهر فلسطین به شمار می‌رود. ۴۰۰ اسرائیلی نیز در این شهر ساکن‌اند که در پایان سالهای دهه ۷۰ به این شهر آمده و در خانه‌هایی دژ مانند تحت حفاظت ارتش اسرائیل زندگی می‌کنند.

شهر الخلیل که اسرائیلی‌ها آن را هیرون می‌نامند از موضوعات اصلی کشمکش اخیر دولت راستی اسرائیل با فلسطینی‌ها بوده است و همین امر این روزها به طرح مکرر نام این شهر در رسانه‌های گروهی جهان منجر شده است. الخلیل در ۳۰ کیلومتری جنوب بیت‌المقدس و در شمال غربی رود اردن واقع شده و با داشتن ۱۲۰ هزار جمعیت بزرگترین شهر فلسطین به شمار می‌رود. ۴۰۰ اسرائیلی نیز در این شهر ساکن‌اند که در پایان سالهای دهه ۷۰ به این شهر آمده و در خانه‌هایی دژ مانند تحت حفاظت ارتش اسرائیل زندگی می‌کنند.

بدهی‌های نجومی کمر شکن

بدهی‌های نجومی کمر شکن به کشورهای بدهکار تحمیل می‌کنند و اعطای کمک‌های مالی بیشتر را مشروط به اجرای آنها می‌سازند، تنها حفظ قدرت مالی این کشورها جهت بازپرداخت بدهی‌ها را هدف قرار داده و به تحول و رونق اقتصاد آنها هیچ کمک نمی‌کند، سهل است که آن‌ها را بیش از پیش به سوی تخریب و رکود می‌رانند.

برای بازپرداخت ۱۸۷ میلیارد دلار بدهی کشورهای شدیداً بدهکار هرکدام از اهالی این کشورها باید از ۱۱۲ روز درآمد کامل خود صرف‌نظر کنند، در حالی که اگر ۷ کشور بزرگ صنعتی قصد بخشودگی این بدهی‌ها را داشته باشند، تنها حقوق یک روز شاغلان آنها کفایت می‌کند.

وزرای دارایی و روسای بانک‌های مرکزی ۷ کشور بزرگ صنعتی در اجلاس اخیر خود سرانجام به خواست کشورهای بدهکار و محافل چپ کشورهای غربی واکنش محدودی نشان دادند و تصمیم گرفتند که ۲۰ کشور شدیداً بدهکار جهان ظرف دو سال آینده از پرداخت ۷/۷ میلیارد دلار سود واصل بدهی خود معاف شوند، رقمی که در قیاس با کل بدهی‌های بسیار اندک و ناچیز می‌نماید. برخی تصمیمات محدود دیگر اجلاس فوق قرار است که از سال ۲۰۰۰ به اجرا درآیند و تا آن زمان بدهکارها باید کامکان منتظر بمانند.

آمارهای رسمی جدید حاکی از آنند که مردم نیمه‌کره جنوبی جهان مجموعاً ۲۰.۷۷۲۲۰۰۰۰۰۰ یعنی بیش از دو بیلیون دلار به بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک‌های غربی و کشورهای صنعتی بدهکار هستند. این در حالی است که مجموعه ذخایر ارزی کشورهای بزرگ صنعتی تنها یک چهارم رقم مزبور را تشکیل می‌دهد. این رقم که معادل تولید ناخالص ملی سالانه آلمان است اگر به ۱۴۰ کشور بدهکار تقسیم شود، شاید در نظر اول ناچیز به نظر آید، اما برای بسیاری از کشورهای شدیداً بدهکار پارگرانی است که رقم اقتصادی آن‌ها را می‌گیرد. مردم این کشورها با درآمدهایی ناازل باید ۲۱ درصد درآمدهای صادراتی خود را بابت بهره بدهی خود دوباره به کشورهای صنعتی باز پس‌دهند. حتی بانک جهانی نیز معتقد است که اختصاص بیش از ۱۵ درصد درآمد یک کشور به استهلاک بدهی‌هایش برای اقتصاد و زندگی مردم آن کشور غیر قابل تحمل است. هم اینک که اوگاندا سالانه تنها سه‌دلار صرف بهداشت هر شهروند می‌شود، اما در عرض ۱۷ دلار به پرداخت بدهی‌های کشور اختصاص می‌یابد. هر فرد اهل موزامبیک سالانه ۳۱۱ دلار بدهی خارجی می‌پردازد، اما درآمد سالانه‌اش از ۸۰ دلار تجاوز نمی‌کند. سیاست‌هایی که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

رژیم آپارتاید عامل قتل اولاف پالمه



روز ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ هنگامی که اولاف پالمه، نخست‌وزیر سابق سوئد در خیابان به ضرب گلوله مهاجمی ناشناس از پای درآمد، حدس و گمان‌ها در مورد هویت انگیزه قاتل آغاز شد و کمیسوینی هم برای پی‌گیری این قتل آغاز به کار کرد. ظن برخی از محافل سیاسی این بود که اولاف پالمه به سبب موضع شدید ضد نژادپرستی‌اش، حمایت‌هایی که از کنگره ملی آفریقا به عمل می‌آورد و نیز تاکید‌هایی که بر منزوی ساختن رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی داشت، آماج تیر ماموران این رژیم شده است. اطلاعاتی هم به کمیسوین مزبور می‌رسد که این حدس و گمان را تأیید می‌کرد، لیکن اثبات آنها برای کمیسوین ناممکن بود. ۱۰ سال پس از قتل پالمه با اعترافات یکی از ماموران امنیتی رژیم سابق آفریقای جنوبی در مقابل دادگاه در اواخر سپتامبر گذشته، حقایقی در باره این قتل آشکار شد و انگشت اتهام دوباره به سوی رژیم نژاد پرست سابق آفریقای جنوبی نشانه رفت. ماموران امنیتی مزبور که او یگور دکوک نام دارد و به قتل ۶ نفر از مخالفان رژیم سابق آفریقای جنوبی متهم است در اعترافاتش به دخالت سازمان امنیتی رژیم مذکور در قتل پالمه اشاره کرد و جاسوسی به نام کاریگ ویلیامسون را از دست‌اندرکاران اصلی آن دانست. دیرک کوتزی که بیش از دکوک سرپرستی جوخه‌ی

قتل مخالفان رژیم پروتوریا را به عهده داشته نیز ضمن تأیید اعترافات دکوک گفت که ۸۰ تا ۹۰ مامور در برنامه‌ریزی و اجرای قتل پالمه شرکت داشته‌اند که پس از انجام ماموریت خود بلافاصله به یونان می‌گریزند و از آنجا خود را تک، تک به آفریقای جنوبی می‌رسانند.

عالم هپروت مردم فریبی

خدایان حرف می‌زنم، می‌گم خداوند، پروردگارا من کار مهمی نکردم اما شرایط را برای رشد نیروهایی مخلص و حزب‌اللهی فراهم کردم، حزب‌اللهی‌ها را تقویت کردم و بچه‌های مخلص و متعهد و جبهه‌رفته، این حزب‌اللهی‌ها و این بسیجی‌ها را دوست داشتم. به مجروحین و معلولین و مریض‌ها احترام گذاشتم افرادی که به این نظام الهی تو خدمت کرده‌اند را دوست داشتم و تقویت کردم در این دوره وزارت که خدمتگزاران صادق تو به این نظام و حکومت تو خدمت کنند ...»

«... خدایا این کار ماست، این هم کارنامه من، می‌گذارم روی میز، خدا جواب من را چه خواهد داد؟ بنده تاریخ اسلام را حفظم، هرچه خواست بگوید زود برایش از تاریخ می‌آورم ...»

«... این یک اشاره‌ای بود از کارنامه هفدهسال انقلاب اسلامی که تقدیم خداوند متعال کردیم، خدایا از ما راضی هستی؟ با همه وجودم دارم می‌شوم که می‌گه بله، خدایا! حالا که تو راضی هستی من رضایت تو را به مردم تبریز اعلام می‌کنم:

مردم تبریز! خدا از شماها راضی است، مردم آذربایجان! خداوند از شماها راضی است، مردم جمهوری اسلامی! خداوند از همه شما راضی است ...»

در کابینه رفسنجانی کسی که پس از خود وی گوی سبقت را در من‌زنده‌ها و تبلیغات اغراق‌آمیز و بی‌پایه از دیگران برده علی محمد بشارتی وزیر کشور است. وی نوروز دو سال پیش با بوق و کرنا سال جدید را سال امنیت و حاکمیت قانون خواند، هنوز اما طنین صدای او خاموش نشده بود که مردم شیراز و اراک و مشهد با خیزش و اعتراضات خود امن و امان از وی و اصحاب جمهوری اسلامی ربودند. چندی پیش هم بشارتی در اردبیل خلاف عرف جمهوری اسلامی که تاریخ ایران تا پیش از ۱۳۵۷ را تاریخ کفر و ظلم و شرک می‌دانند، خود و رژیم مربوطه‌اش را نمک‌پورده شاه اسماعیل صفوی خواند و انتقاد از او را بی‌انصافی دانست. اما حرف‌هایی که اخیراً بشارتی در تبریز بر زبان رانده چنان عوام‌فریبانه و در عین حال جاهلانه و هپروتی است که صدای اعوان و انصار جمهور اسلامی را هم در آورده و کار به استیضاح‌اش کشیده است. وی گویی که خواب‌نما شده باشد مدعی ارتباط با خدا شده و در ارزیابی موقعیت خود و جمهوری اسلامی در نزد وی حرف‌های هذیان‌آلودی زده که عیار عوام‌فریبی‌اش خارج از اندازه است: «... اگرالان من بمیرم و خداوند مرا به درگاه خودش احضار بکند و از من بپرسد در این هفدهسال در این حکومت اسلامی چه کار کردی، با شادمانی و سربلندی و خرسندی یا

انتقادهای و پیشنهادهای یک خواننده

دوست عزیز ما محمدرضا قنبری از هانوفر آلمان در نامه محبت آمیزی که به نشانی کار فرستاده است، انتقادهای و پیشنهادهایی در مورد نشریه کار ارائه داده که خلاصه آن چنین است:

۱ - آقای قنبری انتقاد کرده است که چرا بخش "پاسخ به نامه‌ها" را حذف کرده‌یم، در حالی که این بخش است که نشان می‌دهد خوانندگان نشریه چه طیفی هستند و چه برداشتی از نشریه دارند. ما نیز با نظر آقای قنبری موافقیم که با صفحه خوانندگان، رابطه متقابل نشریه و خواننده برقرار می‌شود. از این رو کار مصمم به ادامه اختصاص صفحه‌های به نامه‌های خوانندگان و پاسخ بدان است.

۲ - آقای قنبری پیشنهاد کرده است که کار، بیلان مالی و تیراژ خود را سالانه اعلام کند، و به عنوان نمونه، فتوکپی بیلانی را که در نشریه نگاه نو چاپ تهران درباره این نشریه به چاپ رسیده است، برای ما ارسال داشته‌است. در این باره آقای قنبری نوشته است: "اگر شما امروز ده دلیل برای کتمان حقایق و دور نگه داشتن خوانندگان از وضع نشریه داشته باشید، فردا روزی صدها دلیل برای دور نگه داشتن مردم از واقعیات خواهید داشت؛ باید از فرصت استفاده کرده و نقاب مخفی‌کاری را برای همیشه کنار بگذارید." این پیشنهاد آقای قنبری در دستور بحث ما قرار خواهد گرفت.

۳ - آقای قنبری معتقد است در نشریه کار توجه کافی به مسائل و مسابحات مجلس شورای اسلامی نمی‌شود. ما مانند آقای قنبری معتقدیم مجلس یکی از پایه‌های دموکراسی است، اما در جمهوری اسلامی، این مجلس نیست که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تعیین‌کننده است. با این حال

ما هرگاه ارزش خبری در مباحث مجلس دیده‌ایم، آن را برای اطلاع از مسائل درون رژیم منعکس کرده‌ایم. ما این انتقاد آقای قنبری را در مجموع وارد نمی‌دانیم

۴ - آقای قنبری می‌نویسد: "برای پیشبرد اهداف سیاسی، باید خوشبین بود... کار" در مقابل، نشریه‌ای است که جز القای بدبینی، تیرگی و شکست نمی‌کند." این خواننده کار، سپس به تیرهای شماره ۱۴۴ کار اشاره می‌کند که عمدتاً بار منفی داشت، و می‌افزاید: "دوستان عزیز، آیا فکر می‌کنید که ما اولین نسلی هستیم که به دنیا آمده‌ایم تا آن را اصلاح کنیم؟ یعنی گذشتگان ما هیچ کار مثبتی نمودند و هیچ بنای اصلاحی بر پا نکردند که امروز ما به دلخوشی و دلگرمی ما باشد؟" در پاسخ به این دوست ما، باید گفت که حق با ایشان است و در کنار بسیاری پدیده‌های منفی که در رسانه‌ها بازنتاب می‌یابند (و تنها در کار نیست که تیرهای عمده را به خود اختصاص می‌دهند) در کار، زندگی و مبارزه روزانه میلیاردها انسان، نکات مثبت و امیدوارکننده بسیارند. اما این واقعیت نیز قابل انکار نیست که در عرصه سیاسی، سال‌های اخیر برای کشور ما و جهان عمدتاً تحولات منفی به ارمغان آورده است تا پدیده‌های مثبت. برای نشریه‌ای سیاسی که می‌خواهد آینده تمام‌نمای واقعیت باشد، در دنیای امروز چاره‌ای جز انعکاس رویدادها و پدیده‌های منفی نیست. در عین حال ما هر جا که پدیده‌های مثبتی در تحولات جهانی دیده‌ایم، از استقبال از آن فروگذار نکرده‌ایم.

از آقای قنبری بابت پیشنهادها و انتقادات سازنده‌شان تشکر می‌کنیم.

نامه‌ای به "چپ‌های سال ۲۰۰۰"

دوستی به نام سینا در نامه‌ای مورخ ۱۴/۶/۱۹۹۶ با عنوان فوق در مورد گزارش مندرج در کار شماره ۱۳۳ با عنوان "در ایران چه می‌گذرد" اظهار نظر کرده است. وی به یک جمله مقاله که در آن از "خشم کور" سخن رفته انتقاد می‌کند و می‌پرسد: "کدام خشم کور و چرا خشم کور... (چرا) اعتراضات مردمی را کم‌رنگ جلوه می‌دهید و توهم می‌کارید؟ آیا به این دلیل نیست که فاصله بسیار عمیق بین چپ ۲۰۰۰ و مردم اسلام‌شهر به وجود آمده... آیا به خاطر این نیست که شما در بین مردم نیستید؟ کار: ما نیز مهاجرت تحمیل شده از سوی جمهوری اسلامی به گروه کثیری از رهبران، کادرها، اعضا و هواداران گروه‌های اپوزیسیون را مانعی بزرگ در راه ایجاد و حفظ ارتباط این هم‌وطنانمان با مردم خود می‌دانیم و به سهم خود از هیچ کوششی برای کاستن از ابعاد آثار منفی این مهاجرت بر

نگاهی به انتخابات اخیر اسرائیل و فعل و انفعالات منطقه

دوست گرامی ما م.ج. آزاده در مقاله‌ای تحت عنوان فوق می‌نویسد: "تفکر نظامی که از بدو پیدایش اسرائیل، توده‌های مهاجر یهودی را در عرض چندین دهه چه به عنوان ارتش ذخیره و چه به عنوان نیروی تدارکاتی مسلح به ماشین تبلیغی شعار برتری نژادی قوم یهود هدایت کرده، توانسته است جامعه اسرائیل را به جایی برساند که با وجود دادن تلفات و قربانیان بی‌شماری در چند جنگ با اعراب و ناامنی دائمی در خود اسرائیل، فرهنگ نظامی و برتری طلبی نژادی، همچنان در بخش زیادی از توده‌های مردم پابرجا بماند که گشایش و رونق اقتصادی از زمان پیدایش روند صلح تا کنون هم نتوانسته است بخش عظیم یا حداقل بیش از نصف جمعیت اسرائیل را به تأمل و تشریح در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز با اعراب وادارد.

در عین حال باید متذکر شد که پیدایش روند صلح منتهای عوامل و سیاست‌های خارجی، بی‌تأثیر از رشد و گسترش اندیشه گریز از جنگ همراه با تمایل به همزیستی مسالمت‌آمیز با اعراب و تضاد با کل سیاست نظامی حاکم در بخش گسترده‌ای از توده‌های جامعه اسرائیل نمی‌توانست به وجود آید. سیاست حزب کارگر و اسحاق رابین (نخست‌وزیر وقت) نیز متأثر از این بخش از توده‌های جامعه اسرائیل بود و نه بیان حقیقی خواسته‌های آنها، چرا که سیاست زمین‌های سوخته، تعلق و تزویر در تمام روند صلح، حملات به جنوب لبنان، وجه غالب سیاست حزب کارگر اسرائیل می‌باشد."

نویسنده این مقاله، سپس عوامل خارجی پیروزی لیکود را چنین برمی‌شمارد: ۱ - بمب‌گذاری‌های حماس. ۲ - تحت فشار قرار گرفتن عرفات از جانب توده‌های فلسطینی جهت پیشبرد و تسریع امر تخلیه و تسوفا خانه‌سازی در شهرک‌های اشغالی به خصوص در هبرون با دولت وقت اسرائیل و در نتیجه ترس و نگرانی همه‌جانبه در ساکنان این شهرک‌ها. ۳ - نگرانی آمریکا در پیشبرد امر صلح تحمیلی و در نتیجه سیاستش در منطقه. این نگرانی از آنجا بیشتر در سیاستمداران آمریکایی قوت می‌گرفت که با به قدرت رسیدن احتمالی مجدد حزب کارگر، مشکل آمریکا دوچندان می‌شد، ... بدان معنی نقد خود می‌نویسد: "در بسیاری از موارد با دیدگاه‌های ایشان (فتاپور) موافق هستم جز با هسته اصلی کلام ایشان و آن کم اهمیت دادن به خطر استبداد اسلامی بعد از از میان رفتن ولایت فقیه است... این اشتباه بزرگی است که شعار نفی ولایت فقیه که یکی شعار مرحله‌ای است را به یک هدف استراتژیک، حتی بعد از از میان رفتن آن تبدیل ساخت... آقای فتاپور تفاوتی میان حکومت مستبد اسلامی و یا غیرمستبد اسلامی بعد از حذف ولایت فقیه قائل نیستند. پس این همه لاف دفاع از دموکراسی و آزادی‌های سیاسی برای چیست؟"

درباره مقاله "هدف: نفی ولایت فقیه، آزادی‌های سیاسی"

دوست عزیز به نام علیرضا راستی در نامه‌ای مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۷۵ نقدی بر مقاله "هدف: نفی ولایت فقیه، آزادی‌های سیاسی" نوشته مهدی فتاپور، مندرج در کار شماره ۱۳۹ نوشته است که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم:

"ایشان (فتاپور) به جای روشن ساختن خط مشی سیاسی خویش، با دوپهلوی سخن گفتن، مسیری را پیشنهاد کرده‌اند که جز به انحراف کشاندن نیروهای مبارز طرفدار آزادی را در بر نداشته و از اهمیت موضوع مبارزه با ولایت فقیه به عنوان شکلی از استبداد، با پوشاندن لباس عاقبت بر طرفداران استبداد مذهبی که امروز در قالب ولایت فقیه و فردا ممکن است در مبارزه با استبداد مذهبی فاصله می‌گیرند..."

ایشان سعی می‌کنند که بازرگان لیبرال، بنی‌صدر ملی‌گرای اسلامی، موسوی بنیادگرا و رفسنجانی مدافع تور و حذف فیزیکی رقبای در کنار هم گذاشته و آن طور وانمود کند که این چهار جریان مختلف، تنها هدفشان فقط گوناگونی ساختاری رژیم و نه برنامه‌های مختلف برای پیشبرد منافع طبقاتی خویش (بوده است)..."

نویسنده این نقد، سپس به انتقاد از دیدگاه فتاپور در مورد مشی جنبش چپ می‌پردازد و می‌نویسد: "مسئله ایشان (فتاپور) باید از جنبش چپ و مستظور خود، چهره روشن‌تری را منعکس می‌ساختند و تنها به آن اندیشه "کمونیستی" تعبیر از جنبش چپ که عمری بر جنبش چپ دمکرات ما سایه افکنده بود، پسند نمی‌کردند." آقای راستی در ادامه، اظهار نظر فتاپور در مورد مشی‌های مختلف برای برکناری ولایت فقیه (مرحله به مرحله و یا یکباره) را "توهم پراکنی و سعی در صدد یافتن راه‌های اصولی مبارزه در

درد دلی کوتاه

دوستی که نامه خود را با م. محمود امضا کرده و بر آن عنوان "درد دلی کوتاه" نهاده است، می‌نویسد: "آیا حکومت مصدق یک استثنا در تاریخ ایران باقی خواهد ماند؟ هر زمان می‌خواهم به دنبال جواب قاطعی برای این سؤال بگردم و یا آن را در صحنه سیاسی جستجو نمایم، دچار یک دلهره خاصی می‌شوم و احساس می‌کنم که ابرهای تیره و تار، مجال یافتن این گذشته تاریخ معاصر ایران را نمی‌دهند... چه سلطنت‌طلب، چه چپ، چه راست، چه مجاهد و چه ملی و غیر مذهبی، یک بار برای همیشه تکلیف ما نسل از همه جا خورده و رانده شده را مشخص کنید. یعنی در واقع تکلیف خودتان را معلوم سازید، زیرا به اندازه

کافی فرجه همه کار طی این ۱۷ سال را داشته‌اید. هر کدامتان نیز بهره‌های بسیار از حمایت بی‌دریغ مردم برده‌اید. دیگر لطفاً بس است. بیهوده باقی عمر این نسل را غیرمستولانه هدر ندهید. کار: ما ضمن ابراز تفاهم با درد دل نسلی که آرزوها و امیدهایش را بر باد داده‌اند، بنا یک کاسه کردن همه نیروهای سیاسی ایران موافق نیستیم. سلطنت‌طلبان و طیف نیروهای مذهبی در حکومت بوده‌اند و آزمون خوبی از سر نگذارنده‌اند، اما بی‌شک دوست ما م. محمود که احترام زیادی برای مصدق قائل است، تأیید می‌کند که این امر در ۱۷ سال اخیر در مورد نیروهای دمکرات و ملی و نیز نیروهای چپ صادق نیست. نیروهای چپ و دمکرات ایران، کجا و کسی هر گونه فرصت داشته‌اند که اکنون باید حسابشان با دیکتاتورهای یکی شود؟

کمک مالی

رفقا و دوستان از یوتوبوری ۲۷۰۰ کرون
" " " استکهلم ۱۳۰۰
بیاد نیک داوودی از انگلیس ۴۰ پوند

<p>«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p>	
<p>Verleger: I.G.e.v</p>	
<p>دارنده حساب: I.G.e.v</p>	<p>شماره حساب: 22442032</p>
<p>کد بانکی: 37050198</p>	<p>Stadtparkasse Koeln</p>
<p>Germany</p>	
<p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>	
<p>بهای اشتراک «کار»</p>	
<p>اروپا:</p>	<p>شش ماه - ۴۵ مارک</p>
<p>یک سال - ۹۰ مارک</p>	<p>سایر کشورها:</p>
<p>شش ماه - ۵۲ مارک</p>	<p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p>
<p>GER.....3 DM</p>	
<p>فرم درخواست اشتراک «کار»</p>	
<p>اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: ()</p>	
<p>مدت اشتراک: شش ماه □ یک سال □</p>	
<p>نام: _____</p>	<p>تاریخ: _____</p>
<p>Name: _____</p>	<p>آدرس: _____</p>
<p>Address: _____</p>	<p>_____</p>
<p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!</p>	

قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی

رسمیت بخشیدن به «آپارتاید اتمی» یا گامی به جلو

قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی که روز ۱۱ سپتامبر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای زیر زمینی که روز ۱۱ سپتامبر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، به خاطر مخالفت هند با آن تا ۳ سال غیر قابل اجراء است. این مخالفت اگر تا سال ۱۹۹۹ ادامه یابد، کشورهای مسافق قرارداد می‌توانند در آن هنگام کنفرانسی تشکیل دهند و با رای خود اجرای آن را برای کشورهای عضو آزمایش کنند. درباره‌ی روند تصویب قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی و انگیزه‌های قدرت‌های اتمی در پیوستن به آن و نیز در این باره که این قرارداد را تا چه حد می‌توان به موفقیتی برای محافل نیروهای صلح‌دوست جهان تلقی کرد، روزنامه‌ی آلمانی تاس در شماره‌ی ۱۱ سپتامبر خود مقاله‌ای دارد که برگردان آن را در زیر می‌خوانید.

امضای قرارداد منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی در نیویورک، ۳۳ سال پس از قرارداد منع این آزمایش‌ها بر روی زمین را بی‌شک باید یک گام تاریخی به حساب آورد. با این همه دیرزمانی پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در روز ۵ نوامبر مشخص خواهد شد که آیا قرارداد مزبور به اجرا درخواهد آمد و آیا تأثیری در کنترل تسلیحات خواهد داشت یا نه. زیرا این قرارداد تنها زمانی قابل اجراء است که همدی ۴۴ کشور دارای برنامه‌های اتمی آن را امضا کنند. حتی اگر چنین امری هم محقق یابد بازهم از رهگذر قرارداد مزبور جهان به کشورهای محروم از سلاح‌های اتمی و پنج قدرت دارای این نوع سلاح‌ها تقسیم خواهد شد و حق تولید کلاهک‌های جدید اتمی برای قدرت‌های مزبور کماکان محفوظ خواهد ماند.

امضای قرارداد نیویورک در پی بحث‌ها و مذاکرات فشرده و پیچیده‌ی صورت گرفت که از اواخر ماه جولای میان ۶۱ کشور عضو کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل، در ژنو جریان داشت. مسئله اصلی در ژنو آن بود که کنفرانس مزبور که توافق‌های آن تنها به شرط وجود اتفاق آراء میان کشورهای عضو، قابل ارائه به مجمع عمومی سازمان ملل هستند چگونه قرارداد منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی را به رغم عدم موافقت هند با آن می‌تواند برای رای‌گیری در دستور کار اجلاس اتمی مجمع مزبور وارد کند. کنفرانس خلع سلاح مذاکرات خود در مورد منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی را ژوئن ۱۹۹۴ یعنی زمانی آغاز کرد که آمریکا آمادگی خود را برای توقف این آزمایش‌ها اعلام نمود. روسیه که از سال ۱۹۹۰ آزمایش‌های اتمی خود را متوقف کرده بود و انگلستان و فرانسه و چین نیز متعاقباً به این مذاکرات پیوستند. پاریس و پکن اما آزمایش‌های خود را به موازات مذاکرات ادامه دادند و تنها در نیمه‌های اول سال جاری بود که آنها را متوقف کردند. پنج قدرت مزبور با پیوستن به مذاکرات منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی در واقع به خواست اکثریت روبه افزایشی از کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل تحت رهبری هند تمکین کردند. این کشورها خواهان منع چنین آزمایش‌هایی بودند. در کنار هند کشورهای هم‌چون مکزیک، مصر، سوئد، استرالیا و ژلاندنو از جمله مدافعان منع کامل آزمایش‌های اتمی و کاهش و نابودی این نوع سلاح‌ها می‌باشند. از همان آغاز مذاکرات ژنو گروه متشکل از ۲۱ کشور جنوب در میان ۶۱ عضو کنفرانس خواهان آن بود که پنج قدرت اتمی در چهارچوب قرارداد منع آزمایش این نوع سلاح‌ها، به کاهش زرادخانه‌ی اتمی خویش نیز متعهد شوند و یا دست‌کم که برای شرکت در

مذاکرات آتی در چنین زمینه‌ای اعلام آمادگی کنند. در ابتدا علاوه بر هند بسیاری از کشورهای دیگر نیز موافقت خود با پیمان منع آزمایش‌های اتمی را به کاهش و نابودی زرادخانه‌ی کشورهای اتمی مشروط کرده بودند، چرا که به قول مقامات هند در غیر این صورت «آپارتاید اتمی» ابدی خواهد شد. این کشورها پیوسته به این واقعیت استناد می‌کردند که اکثریت ۱۸۵ کشور جهان قرار داد منع گسترش سلاح‌های اتمی در ماه مه گذشته را تنها پس از وعده و وعیدهای کشورهای اتمی برای کاهش سلاح‌های هسته‌ای خود امضا کردند. با این همه تقاضای منعهد شدن کشورهای اتمی به خلع سلاح خویش در چهارچوب قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای، از همان ابتدا با مخالفت آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه مواجه شد و چین نیز بعداً به جگه آنها پیوست. زیر فشار شدید واشنگتن، لندن و پاریس شمار فزاینده‌ای از ۲۱ کشور مزبور از خواست خلع سلاح قدرت‌های اتمی چشم پوشیدند و دست آخر این تنها هند بود که کماکان بر چنین خواستی پای فشرده. در فاز پایانی مذاکرات ژنو هند نیز به نحو شدیدی زیر فشار قرار گرفت و واشنگتن در تبلیغات خود بر علیه آن مدعی شد که دهلی‌نو در صد دومین آزمایش اتمی خویش پس از سال ۱۹۷۴ است.

فشارهای مزبور اما نتیجه‌ی معکوس به بار آورد و جناح هرادار اتمی شدن هند در دولت این کشور نفوذ و قدرت بیشتری یافت. خواست هند در مورد خلع سلاح اتمی کشورهای دارای قدرت هسته‌ای صرفنظر از انگیزه‌ی آن، خواستی است که نه تنها در پایتخت‌های کشورهای جنوب بلکه در میان بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و محافل علمی شمال نیز هواداران فراوان دارد. قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای صرفنظر از مفید نکردن کشورهای اتمی به کاهش زرادخانه‌های خود این نوع سلاح‌ها را در ژنو آن بود که کنفرانس مزبور که توافق‌های آن تنها به شرط وجود اتفاق آراء میان کشورهای عضو، قابل ارائه به مجمع عمومی سازمان ملل هستند چگونه قرارداد منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی را به رغم عدم موافقت هند با آن می‌تواند برای رای‌گیری در دستور کار اجلاس اتمی مجمع مزبور وارد کند. کنفرانس خلع سلاح مذاکرات خود در مورد منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی را ژوئن ۱۹۹۴ یعنی زمانی آغاز کرد که آمریکا آمادگی خود را برای توقف این آزمایش‌ها اعلام نمود. روسیه که از سال ۱۹۹۰ آزمایش‌های اتمی خود را متوقف کرده بود و انگلستان و فرانسه و چین نیز متعاقباً به این مذاکرات پیوستند. پاریس و پکن اما آزمایش‌های خود را به موازات مذاکرات ادامه دادند و تنها در نیمه‌های اول سال جاری بود که آنها را متوقف کردند. پنج قدرت مزبور با پیوستن به مذاکرات منع آزمایش‌های اتمی زیرزمینی در واقع به خواست اکثریت روبه افزایشی از کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل تحت رهبری هند تمکین کردند. این کشورها خواهان منع چنین آزمایش‌هایی بودند. در کنار هند کشورهای هم‌چون مکزیک، مصر، سوئد، استرالیا و ژلاندنو از جمله مدافعان منع کامل آزمایش‌های اتمی و کاهش و نابودی این نوع سلاح‌ها می‌باشند. از همان آغاز مذاکرات ژنو گروه متشکل از ۲۱ کشور جنوب در میان ۶۱ عضو کنفرانس خواهان آن بود که پنج قدرت اتمی در چهارچوب قرارداد منع آزمایش این نوع سلاح‌ها، به کاهش زرادخانه‌ی اتمی خویش نیز متعهد شوند و یا دست‌کم که برای شرکت در

بنای اظهارات رسمی مقامات پاریس و واشنگتن همه آزمایش‌های مزبور تنها برای حصول اطمینان از امنیت و کارایی سلاح‌های اتمی موجود صورت می‌گیرد. برنامه‌ی این آزمایش‌ها که در آمریکا (SBSS) Science Based Stockpile Stewardship Programme نام گرفته را دولت کلینتون سال ۱۹۹۵ برای راضی کردن مخالفان شرکت آمریکا در مذاکرات ژنو اعلام کرد. اما سازمان صلح سبز و شعبه، آمریکایی «انجمن جهانی پزشکان مخالف سلاح‌های اتمی» و شماره دیگر از سازمان‌های مستقل غیردولتی این گمان را مطرح می‌کنند که SBSS ضمناً شاید هم اصلاً برای طراحی و تولید کلاهک‌های جدید اتمی به اجرا درمی‌آید. «پژوهشگاه انرژی و مطالعات محیط زیستی» در آمریکا که از سوی دانشمندان منتقد و مخالف سلاح‌های اتمی اداره می‌شود در پژوهش خود که در هم ۱۹۹۶ انتشار یافت به این نتیجه رسیده است که برای بررسی امنیت و کارایی سلاح‌های اتمی موجود تأسیسات و آزمایشگاه‌های فعلی کفایت می‌کنند، اما در چهارچوب SBSS بسیاری از تأسیسات مورد نیاز

مسائل توسعه

گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل»

(۲)

تولید غذا به عهده زنان است. اما فقط یک درصد کل اعتبار کشاورزی به آنها تعلق می‌گیرد. بیشترین صدمات ناشی از بیکاری در هر نقطه از جهان متوجه جوانان است اما این صدمات به ویژه در شهرهای کشورهای در حال رشد بیشتر است. جوانان ملل صنعتی نیز از مشکل بیکاری رنج می‌برند. بعنوان مثال کشور سوئیس پس از آنکه استقلالش را در سال ۱۹۶۸ بدست آورد، ایجاد اشتغال را یکی از اولویتهای سیاسی خویش قرار داد. این کشور همزمان با ایجاد بخشهای «کاربر» اقتصاد، فرصتهای مربوط به تحصیل را نیز توسعه داده و زنان را به بازار کار جذب نمود به نحوی که در حال حاضر ۵۶ درصد از مشاغل صنعتی در دست زنان می‌باشد. چین سیاست سرمایه‌گذاری در بخش صنایع سرمایه‌بر خود را به نفع تولید به روش کاربر، بویژه جهت صادرات تغییر داده و صنایع روستایی و کشاورزی در زمینه‌های کوچک را توسعه داده است. سنگاپور نیز از صنایع کاربر که تولیدات آنها صادر می‌شود، حمایت گمرکی می‌نماید. متأسفانه کشورهای مثل پاکستان با اتخاذ برخی سیاستها، به طور شدیدی امید ایجاد اشتغال را از بین برده‌اند. از جمله این سیاستها می‌توان دادن اولویت بیشتر به صنایع سرمایه‌بر و عدم تأمین مالی برای صنایع کوچک و روستایی که موجود فرصتهای شغلی بیشتر در کشورهای در حال رشد هستند، نام برد.

در جمهوری کره بیشتر از سایر کشورها، شاهد سرمایه‌گذاری مستمر و جدی در بخش بهداشت و مهارتهای شغلی مردم هستیم. این کشور برای هر فرد در بخش آموزش و بهداشت سالانه ۱۶ دلار سرمایه‌گذاری می‌کند. مازنی نیز با ۱۵۰ دلار در سال رتبه دوم را داراست و هر دو کشور به رشد بالای اشتغال دست یافته‌اند. در حالی که هند، پاکستان و بنگلادش در بخشهای مذکور فقط ۱۴، ۱۰ و ۵ دلار سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

بخشی از اقتصاد هم وجود دارد که در آن غالباً معاملات و کسب درآمد در خیابانها و خانه‌ها صورت می‌گیرد که بابت آن مالیاتی پرداخت نمی‌شود. این بخش برای بسیاری از کشورهای در حال رشد معنی محسوب می‌شود. این بخش در شهرهای کوتونو در کشور بنین و آبادان در کشور نیجریه، ۸۰ درصد کل اشتغال‌ها را فراهم می‌کند. ۵۹ درصد از جمعیت شهرنشین و فقیر آمریکای لاتین در طول دهه گذشته درآمدهای خود را از این راه به دست آورده‌اند. و درست همین جا بود که ۸۲ درصد از کل مشاغل جدید به وجود آمد. در حالی که برخی دولتها به خاطر عدم قابلیت تحمیل مالیات و سایر قوانین بر این بخش، مخالف گسترش آن هستند. گزارش توسعه انسانی کشورهای مستقل مشترک المنافع در سال ۱۹۹۰ تقریباً صفر بود، اکنون به اعداد دو رقمی رسیده است (۱۹ درصد در آلبانی و ۱۷ درصد در بلغارستان و لهستان). محاسبه نرخ بیکاری در کشورهای مستقل مشترک المنافع هنوز ادامه دارد.

در کشورهای در حال توسعه دسترسی به آمار بیکاری مشکل است. اشتغال بطور فزاینده در بخش غیررسمی و معمولاً با سرمایه‌های اندک، مهارتهای شغلی پایین و تکنولوژی محدود صورت می‌گیرد. زنان با مشکلاتی روبرو هستند که مردان نیستند. ۷۰ درصد از ۱/۳ میلیارد انسان فقیری که در سطح جهان وجود دارند، زن هستند. نسبت حقوق زنان به حقوق پرداختی به مردان بطور متوسط ۷۵ درصد است. گذشته از آن سه چهارم وقت زنان در کارهای خانه و بیرون، بدون اینکه در ازای آن حقوقی دریافت کنند، تلف می‌شود. در بسیاری از کشورهای افریقای بیش از ۶۰ درصد کار مزرعه و ۸۰ درصد کار

منفی در زمان حاضر و تقویت پایه‌های مثبت توسعه انسانی وجود دارد. این امر باید به راهنمای رسیدن ما به قرن آینده تبدیل شود. بنا بر این گزارش مردم تنها زمانی وجود رشد اقتصادی در جامعه را باور خواهند کرد، که قادر به یافتن کاری مفید، با حقوق کافی باشند. امروزه رشد بیکاری به یک مشکل بزرگ تبدیل شده است. اقتصاد رشد می‌کند اما در این اقتصاد، فرصتهای امکان اشتغال پدید نمی‌آید. رشد اقتصادی به تنهایی ایجاد شغل نمی‌کند. مطالعه کشورهای جهان نشان می‌دهد که در دهه گذشته از ۴۶ کشوری که به رشد اقتصادی دست یافته‌اند، تنها ۲۷ کشور شاهد رشد اشتغال نیز بودند و ۱۹ کشور رشد بیکاری را تجربه کردند.

۱۲ کشور از ۲۷ کشوری که شاهد رشد اشتغال بودند، جزو ملل صنعتی هستند (کانادا، ژاپن، سوئیس و آمریکا). تقریباً بقیه این کشورها از آسیای میانه و سایر نقاط آسیا می‌باشند که در پی اتخاذ استراتژیهای «نرخ رشد بالا» و «اشتغال زیاد» به این مرحله رسیده‌اند (شیلی، چین، موریس و ترکیه).

این گزارش می‌افزاید: مشاغل را حتی زمانی که درآمد سرانه در حال کاهش است، می‌توان افزایش داد. در کشورهای که مشاغل بدون رشد در آنها به وفور یافت می‌شود، شغل‌های با مزد و سودآوری کم دائماً در حال ازدیادند به نحوی که مردم برای کسب درآمدی اندک، بسیار کار می‌کنند (جامائیکا و مکزیک). «ریچارد جولی» یادآوری می‌کند که: روند رو به رشد بیکاری را می‌توان تغییر داد اما برای تحقق آن، باید نسبت به آن تعهد داشت و آن را به عنوان یک اولویت اقتصادی قرار داد. افزایش جونیوبی برای افزایش مهارتهای شغلی مردم و از میان بردن اشتغال یک استراتژی مشترک میان دولت و بخش خصوصی شده است. بسیاری از سیاستمداران درباره بیکاری داد سخن سر می‌دهند اما سیاستهای عملی‌شان در این زمینه کافی نیست.

بیشترین صدمات ناشی از

بیکاری در هر نقطه از

جهان متوجه جوانان است

نرخ بیکاری در بعضی کشورهای اروپای شرقی و کشورهای مستقل مشترک المنافع که تا قبل از سال ۱۹۹۰ تقریباً صفر بود، اکنون به اعداد دو رقمی رسیده است (۱۹ درصد در آلبانی و ۱۷ درصد در بلغارستان و لهستان). محاسبه نرخ بیکاری در کشورهای مستقل مشترک المنافع هنوز ادامه دارد.

در کشورهای در حال توسعه دسترسی به آمار بیکاری مشکل است. اشتغال بطور فزاینده در بخش غیررسمی و معمولاً با سرمایه‌های اندک، مهارتهای شغلی پایین و تکنولوژی محدود صورت می‌گیرد. زنان با مشکلاتی روبرو هستند که مردان نیستند. ۷۰ درصد از ۱/۳ میلیارد انسان فقیری که در سطح جهان وجود دارند، زن هستند. نسبت حقوق زنان به حقوق پرداختی به مردان بطور متوسط ۷۵ درصد است. گذشته از آن سه چهارم وقت زنان در کارهای خانه و بیرون، بدون اینکه در ازای آن حقوقی دریافت کنند، تلف می‌شود. در بسیاری از کشورهای افریقای بیش از ۶۰ درصد کار مزرعه و ۸۰ درصد کار

کشورهایی که دارای رشد سریع هستند، نظیر اقتصادهای موفق آسیایی نیازمند دقت در آمیختن رشد خود با کوششهایشان برای ریشه‌کنی فقر و پیشبرد توسعه انسانی با هدف کسب امتیازات بیشتر برای مردم می‌باشند. کشورهای صنعتی هم باید شیوه‌های جدیدی برای حل مشکل بیکاری، برابری و ... از جمله برای حمایت از خدمات اجتماعی برای مادران و نوزادان، ایجاد کار برای فقرا و جمعیت رو به رشد بازنشستگان بیابند. در انتها، کشورهای جنوب صحرائی آفریقا و «کشورهای با حداقل رشد» قرار دارند. در اینجا باید تأکید بر روی ساخت چهارچوبی ثابت برای توسعه انسانی در کنار سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، با هدف تقویت این توسعه باشد.

۷۰ درصد از ۱/۶ میلیارد انسان فقیر جهان را زنان تشکیل می‌دهند

گزارش توسعه انسانی تخمین می‌زند که در روند آرام و رو به بهبود کنونی، کشورهای مثل ساحل عاج حدوداً به ۶۵ سال وقت جهت رسیدن به سطح فعلی کشورهای صنعتی در لیست توسعه انسانی احتیاج دارند. البته کشورهای نظیر موزامبیک و نیجریه هم هستند که به ۲۰۰ سال وقت برای رسیدن به این سطح نیاز خواهند داشت آنهم در صورتی که کمکهای خارجی به این کشورها متوقف نشده و یا کاهش نیابد. تقدم در دریافت وام، دستیابی به بازارهای خارجی و ادامه همکاریهای خارجی برای رسیدن به یک توسعه هدف مند بشمار می‌آید. در این گزارش قید شده است: اگر قصد داریم که کشورهای فقیرتر و ضعیف‌تر زنده باقی بمانند، می‌بایستی که کمکهای بیشتری دریافت نمایند. ریچارد جولی می‌نویسد: نگرش جدید به وحدت جهانی نیازمند تلاش بیشتر برای رسیدن به «جهانی کردن اقتصاد» است. بدون این نگرش و این تلاش، «جهانی کردن اقتصاد» به یک «غول بزرگ و شرور» تبدیل شده و نابرابریهای بیشتر را دامن خواهد زد. در این گزارش قید شده است: آنچه که مورد نیاز است، ایجاد هماهنگی میان شمال و جنوب است. اگر کشورهای فقیر تمایلی به ایجاد سرمایه‌گذاری بر روی مردم و اقتصاد خود داشته باشند، کشورهای ثروتمند هم می‌توانند کمکهای عرضه نمایند، وامهای کمکی پرداخت نموده و با هدف ایجاد رشد، بهبود خدمات اجتماعی و زیربنایی در این کشورها، امتیازات تجاری قائل شوند. پیشنهاد ویژه‌ای که به تأیید سازمان ملل هم رسیده و طی کنفرانس اجتماعی در سال ۱۹۹۵ در کنجهاک اعلام شده، فرمول «هماهنگی ۲۰-۲۰» می‌باشد. بر اساس این فرمول، کشورهای در حال رشد باید ۲۰ درصد از هزینه‌های دولتی را صرف خدمات اجتماعی و زیربنایی نموده و کشورهای صنعتی باید ۲۰ درصد بودجه کمکهای خارجی خود را به طرحهایی که مردم در مرکزیت آن قرار دارند، اختصاص دهند.

هر نوع هماهنگی میان کشورهای فقیر و ثروتمند می‌تواند به تقویت تمامی حلقه‌های مهم میان رشد و توسعه انسانی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی کمک نماید. «جیمز گوستاو اسپت» می‌گوید: امکان استفاده از راهنمایی‌های اخلاقی و ایجاد فرصت برای تغییر جنبه‌های

این امیدواری اما نباید مانع ذکر این واقعیت شود که عقد این قرارداد هم چون همه قراردادهای خلع سلاح در ۵۰ سال گذشته تنها زمانی واقعیت یافته است که به ویژه کشورهای بزرگ دیگر به این نوع آزمایش‌ها نیازی نداشتند.

پیشروی طالبان متوقف شد

● احمد شاه مسعود، ژنرال دوستم، حکمتیار و خلیلی، پیمان نظامی بستند

● نیروهای طالبان در حمله به دره پنجشیر متحمل ضربات سنگین شدند

دو هفته پس از تصرف کابل، طالبان به ژنرال دوستم رهبر «جنبش اسلامی افغانستان»، احمد شاه مسعود فرمانده نیروهای برهان الدین ربانی و کریم خلیلی رهبر «حزب وحدت اسلامی»، پیشنهاد مذاکره داد. دعوت طالبان به مذاکره یک روز پس از توافق احمد شاه مسعود، گلبدین حکمتیار، ژنرال دوستم و کریم خلیلی

صحنه سنگین‌ترین نبرد میان نیروهای طالبان و احمد شاه مسعود بود. در حمله به سالنگ صدها تن از نیروهای طالبان کشته و چند هزار نفر زخمی شدند. این شکست در نوع خود نخستین تجربه برای طالبان از زمان پیدایش آن بود. نیروهای طالبان که تا زمان یورش به پنجشیر، شهرهای افغانستان را یکی بعد از دیگری با کمترین درگیری و تلفات انسانی تصرف کرده و تا کابل پیش آمده بودند، در پنجشیر توسط نیروهای احمد شاه مسعود متوقف شدند.

شامگاه چهارشنبه نیروهای احمدشاه مسعود به فرودگاه بگرام حمله کردند و پارتیزانهای حکمتیار و نیروهای طالبان را در شمال

کردند و به مساجد بردند تا آنها را به جبهه‌های جنگ با احمد شاه مسعود و نیروهای ژنرال رشید دوستم بفرستند.

اعلامیه پنج‌ماده‌ای رهبر طالبان

روز پنج‌شنبه ۱۲ مهر ماه ملا محمد عمر رهبر طالبان یک اعلامیه صادر کرد. در این اعلامیه آمده است:

- ۱- پس از این نظام خالص اسلامی در افغانستان حاکم خواهد بود،
- ۲- تمام سفیران افغانی در کشورهای دیگر وظیفه دارند که کارهای خود را تعطیل کنند، آنان صلاحیت اجرای امور را ندارند،



کابل شهر ویران شده

۳- از تمام شهروندان کابل تقاضا می‌شود که مهاجرت نکنند و کسانی که از شهر خارج شده‌اند نیز دوباره به خانه‌های خود بازگردند چرا که طالبان امنیت و جان و مال و ناموس آنان را تأمین خواهد کرد،

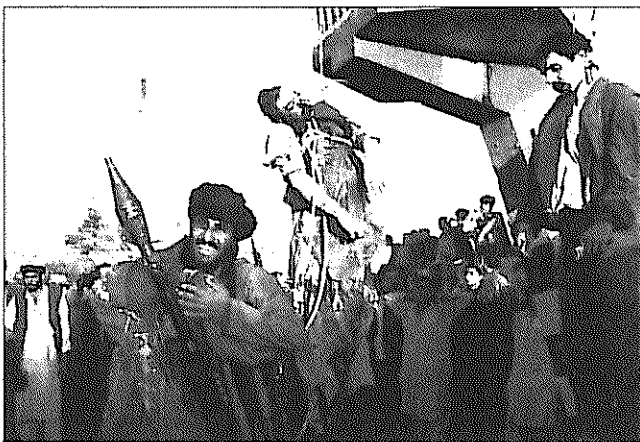
۴- تمام موسسه‌های مین‌روبی در کابل، راهپای منتهی به کابل را هر چه سریعتر از وجود مین‌های پاک کنند،

۵- تاجران وطن دوست هر چه سریعتر در مورد وارد کردن مواد اولیه خوراکی و مواد سوختی اقدام کنند. در اطلاعاتی بعدی که متن آن از رادیو کابل قرائت شد، از

مستقر شده‌اند هستند. در منطقه دره پنجشیر شمال و جنوب افغانستان از هم جدا می‌شود. نیروهای احمد شاه مسعود بر راه ارتباطی جنوب به شمال که از تنگه سالنگ می‌گذرد تسلط دارند. نیروهای طالبان دوشنبه گذشته برای دست یافتن به این منطقه استراتژیک از چهار سو به نیروهای احمد شاه مسعود حمله کردند. ولی در پنجشیر شکست سنگینی متحمل شدند و به نجاچار ۳۰ کیلومتر از مواضع پیشین خود عقب نشستند. به گزارش شاهدان عینی، تنگه سالنگ

صورت گرفت. آنان روز چهارشنبه گذشته در مزار شریف در شمال افغانستان گرد هم آمدند و یک پیمان نظامی مشترک علیه طالبان امضا کردند. بعد از امضای پیمان توافق، ژنرال رشید دوستم از همه رهبران افغانستان دعوت کرد برای پایان دادن به بحران این کشور در «شورای بزرگ» شرکت کنند. نیروهای دوستم در شمال غربی کابل در جنوب ازبکستان مستقر هستند. ژنرال دوستم ۶ ایالت افغانستان، بیش از ۳۰ هزار

صورت گرفت. آنان روز چهارشنبه گذشته در مزار شریف در شمال افغانستان گرد هم آمدند و یک پیمان نظامی مشترک علیه طالبان امضا کردند. بعد از امضای پیمان توافق، ژنرال رشید دوستم از همه رهبران افغانستان دعوت کرد برای پایان دادن به بحران این کشور در «شورای بزرگ» شرکت کنند. نیروهای دوستم در شمال غربی کابل در جنوب ازبکستان مستقر هستند. ژنرال دوستم ۶ ایالت افغانستان، بیش از ۳۰ هزار



بیکرهای بی جان دکتر نجیب الله و برادرش

طالبان اعلام کردند که در هفته‌های آینده یک دیپلمات آمریکایی برای ادامه مذاکرات به قندهار فرستاده خواهد شد. آمریکا قصد دارد در صورت تسلط قطعی طالبان بر کابل و وجود آرامش در این شهر، سفارت خود را بازگشایی کند.

آمریکا و پاکستان از سال ۹۴ از زمان ظهور طالبان، از این نیرو حمایت می‌کنند. بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر و نصراله بابر وزیر کشور پاکستان در شکل‌گیری طالبان و حمایت نظامی آنان نقش مهمی داشتند. بنوشته مطبوعات غربی نخست‌وزیر و نظامیان پاکستان با توافق آمریکا طالبان را آموزش دادند و سلاح در اختیار آنان گذاشتند تا با پیروزی آنان به اهداف خود در منطقه دست یابند. به نوشته همین مطبوعات، انزوای ایران و گشودن راه ارتباط میان آسیای مرکزی و دریای عمان از طریق خاک افغانستان هدف آمریکا بود. پاکستان علاوه بر اهداف اقتصادی، از لحاظ استراتژی نظامی نیز چشم به افغانستان دارد. پاکستان از طریق افغانستان می‌تواند مازاد تولیدات صنعتی خود را به بازارهای آسیای میانه برساند و از جنبه نظامی هرگاه از طرف هندوستان احساس نگرانی کرد می‌تواند روی امکانات دولت تحت نفوذ خود در افغانستان حساب کند.

آخوندهای محلات کابل خواسته شد همه کسانی را که نماز بر آنان واجب است کنترل کنند و هر کسی از انجام فرائض دینی سرپیچی کرد به دفاتر طالبان معرفی نمایند. طالبان به مردان چند هفته مهلت داده‌اند که ریش بگذارند. آنان خروج زنان را از خانه‌ها ممنوع کرده‌اند. فقط پزشکان و پرستاران زن مجازند با رعایت کامل حجاب در محل کار خود حاضر شوند. تمام مدارس دخترانه تعطیل شده‌اند. زنان افغانی تصمیم گرفته‌اند تا تغییر اوضاع با تشکیل گروه‌های محلی به آموزش دختران دانش آموز ادامه دهند. بنا به دستور ملا متقی وزیر آموزش و پرورش و فرهنگ حکومت طالبان، عکس انداختن از انسان توسط عکاسان را حرام و ممنوع اعلام شده است و مطبوعات مجاز به چاپ عکس انسان نیستند. قطع دست افراد به اتهام دزدی در میدانهای کابل به صحنه عادی تبدیل شده است.

مذاکرات آمریکا با طالبان

روز چهارشنبه ۱۱ مهر دیپلمات‌های آمریکا در سفارت افغانستان در اسلام‌آباد با یک نماینده طالبان دیدار و گفتگو کردند. منابع آمریکایی ضمن تأیید خبر ملاقات با

تقاضای استیضاح اربکان

دیدار اربکان از لیبی مخالفت شدیدی را در ترکیه برانگیخت. قذافی رئیس‌جمهور لیبی در دیدار با نخست‌وزیر ترکیه به سان رهبران جمهوری اسلامی به نصیحت و ارائه «رهنمود» پرداخت و ضمن انتقاد شدید از سیاست خارجی ترکیه، خواهان خروج این کشور از پیمان ناتو و لغو همکاری نظامی آن با اسرائیل شد. قذافی اسرائیل را محصول توافقات پس از جنگ دوم خواند و گفت بایستی مثل یوگسلاوی و دیوار برلین از صفحه روزگار پاک شود. وی از تشکیل یک کشور مستقل کردی در منطقه کردنشین حمایت کرد. اظهارات قذافی در داخل ترکیه عکس‌العمل‌های شدیدی علیه اربکان برانگیخت. حزب جمهوری خلق تقاضای استیضاح اربکان را در مجلس مطرح کرد. مجلس ترکیه دو هفته دیگر به تقاضای استیضاح دولت اربکان رسیدگی خواهد کرد. رهبر حزب راه راست ترکیه که در دولت اربکان وزارت خارجه را به عهده دارد از همراهی اربکان خودداری کرد و اعلام نمود که لیبی، ایران و سوریه حزب پ.ک.کا را حمایت می‌کنند. حزب مام وطن به رهبری مسعود ایلماز حزب چپ‌لر را به خاطر ائتلاف با اربکان مورد انتقاد شدید قرار داد.

حمله هوایی ترکیه

به مناطق کردنشین مرز عراق

شدند. این درگیریها در منطقه مرزی عراق بوقوع پیوسته است. دولت ترکیه با تمام امکانات از جمله نیروی هوایی به سرکوب طرفداران پ.ک.کا در مناطق کردنشین پرداخته است.

اعتصاب غذا در زندانهای ترکیه

شرکت دارند. این اعتصاب غذا به عنوان اعتراض به قتل ۱۱ زندانی طرفدار پ.ک.کا است که در ماه سپتامبر در زندان دیاربکر در سرکوب زندانیان توسط پلیس کشته شدند.

هفته مبارزه

علیه نقض حقوق بشر در ترکیه

دارد و انسانهایی از هر جنس و طبقاتی، از مذاهب مختلف و اقلیتها، خبرنگاران و وکلا، پزشکان، اپوزیسیون، پناهندگان و نمایندگان پارلمان را در بر می‌گیرد. این فشارها به منظور آن صورت می‌گیرد که دولت ترکیه رفرم‌هایی در جهت بهبود وضعیت انجام دهد. سازمان حقوق بشر همچنین پ.ک.کا را به نقض شدید حقوق بشر متهم کرد.

بگفته مقامات رسمی دولت ترکیه، در درگیری بین ارتش ترکیه و حزب کارگران کردستان (پ.ک.کا) در مناطق کردنشین آناتولی بیش از ۲۰۰ تن از طرفداران پ.ک.کا کشته

بار دیگر زندانیان چپ کرد در زندانهای ترکیه دست به اعتصاب غذا زدند. روزنامه «دموکراسی» طرفدار کردها نوشت که در این اعتصاب غذا ۱۰۰۰ تن از زندانیان

سازمان جهانی حقوق بشر هفته‌ای را به مناسبت کارزار جهانی علیه نقض حقوق بشر در ترکیه اختصاص داد. در گزارشی که بدین مناسبت انتشار یافته به موارد زیاد قتل و شکنجه و «سرپیشتی کردن مخالفین» اشاره شده است. دبیر کل این سازمان پیرسانه می‌گوید: «نه تنها در مناطق کردنشین، بلکه در تمام ترکیه نقض حقوق بشر جریان

انتخابات در کویت

طرفداران برقراری حقوق اسلامی، ۲۰ تن از طرفداران خانواده امیر کویت و ۵ تن از اپوزیسیون طرفدار رفرم‌های لیبرالی هستند. افزایش ۱۹ نماینده دوره پیشین به ۲۵ تن، مشخص کننده پیروزی اسلامی‌ها در پارلمان می‌باشد. اپوزیسیون اسلامی خواستار برقراری حکومت شرع در کشور و جاری شدن حقوق اسلامی و جدایی زنان و مردان در دانشگاهها و محل کار می‌باشد. کویت تنها کشور عربی است که در منطقه خلیج فارس دارای پارلمان می‌باشد.

۵۰ کشور خواستار

ممنوعیت مین‌های ضد نفر شدند

این قرارداد شامل ممنوعیت تهیه و تولید، صادرات، استفاده و نگهداری از این نوع مین‌ها می‌شود. کشورهای شرکت‌کننده تلاش دارند حتی خارج از چارچوب سازمان ملل هر چه سریعتر این قرارداد را به تصویب برسانند. پطروس غالی دبیرکل سازمان ملل حمایت خود را از این عمل اعلام کرد. هیئت نمایندگی آمریکا که به ریاست توماس مک‌نامارا در این

کنفرانس شرکت کرده بود، قرارداد ممنوعیت را تا سال ۲۰۰۰ رد کرد و اعلام کرد که ایالات متحده آمادگی آن را ندارد که تا این تاریخ آن را به مرحله اجرا درآورد و طرفدار استفاده محدود از این مین‌ها می‌باشد. در سراسر جهان هر ۲۰ دقیقه یک نفر قربانی انفجار مین می‌شود. تخمین زده می‌شود که بین از ۱۱۰ میلیون مین در ۷۰ کشور جهان کار گذارده شده است.